

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آموزش ابتدایی

رشد

۶

برای آموزگاران دبستان، دانشجویان تربیت معلم و کارشناسان آموزشی

دوره پنزدهم / اسفند ماه ۱۳۹۰ / شماره پی‌درپی ۱۲۳

ماه‌نامه‌ی آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر انتشارات کمک آموزشی

مدیر مسئول: محمد ناصری

سر دبیر: مرتضی مجدفر

شورای برنامه‌ریزی:

شکوه تقدسیان

فاطمه رمضانی

لیلا سلیقه‌دار

یدالله رهبری نژاد

ابراهیم اصلانی

مدیر داخلی: اصغر ندیری

طراح گرافیک: فریبا بندی

نشانی دفتر مجله:

تهران، ایرانشهر شمالی، پلاک ۲۶۶

صندوق پستی: ۱۵۸۷۵/۳۳۳۱

تلفن: ۸۸۸۳۹۱۷۸

۹ - ۸۸۸۳۱۱۶۱ (داخلی ۳۷۵)

نمابر: ۸۸۳۰۱۴۷۸

وبگاه:

www.roshdmag.ir

پیام‌نگار:

ebtedayi@roshdmag.ir

تلفن پیام‌گیر نشریات رشد:

۸۸۳۰۱۴۸۲

• کد مدیر مسئول: ۱۰۲

• کد دفتر مجله: ۱۰۹

• کد مشترکین: ۱۱۴

نشانی امور مشترکین:

تهران، صندوق پستی: ۱۶۵۹۵/۱۱۱

تلفن امور مشترکین:

۷۷۳۳۶۶۵۶ - ۷۷۳۳۶۶۵۵

شمارگان: ۵۳۰۰۰ نسخه

چاپ: شرکت افست (سهامی عام)

عکس روی جلد: اعظم لاریجانی

آموزش ابتدایی

رشد

دوره ۱۵ - شماره ۶

اسفند ۹۰

پروژه
تجرباتی
۳۲ تا ۱۷

آموزش ۳۳: آن چه فقط از عهده‌ی آموزگاران برمی‌آید... / مهدی ضرغامیان

کتاب‌خانه‌ی مدرسه ۳۶: فلسفه‌ی ورزشی کودکان / مهسا قباپی

کتاب آموزگار ۳۷: پل معلم / معصومه حبیب‌پور

میراث ما ۳۸: گنجینه‌هایی از عرفان تا فداکاری / حمید دهقان

آموزش ۴۰: سه ابزار کیفی‌تر! / محرم آقازاده

تعلیم و تربیت ۴۳: روش معلم یا ابزار معلم؟ / علی رؤوف

آموزش ۴۶: همه چیز برای بیشتر فکر کردن / افسانه موسوی گرمارودی

با همراهان ۴۸: پی‌آمدهای یک تماس ساده‌ی تلفنی / لیلا بزرگمهر

قابل توجه نویسندگان و مترجمان محترم

♦ مقاله‌هایی که برای درج در مجله می‌فرستید، باید با اهداف و ساختار این مجله مرتبط باشد و قبلاً در جای دیگری چاپ نشده باشد. ♦ مقاله‌های ترجمه شده باید با متن اصلی همخوانی داشته باشد و متن اصلی نیز همراه آن باشد. چنانچه مقاله را خلاصه می‌کنید، این موضوع را قید بفرمایید. ♦ مقاله یک خط در میان، در یک روی کاغذ و با خط خوانا نوشته یا تایپ شود. مقاله‌ها می‌توانند با نرم‌افزار word و بر روی CD یا فلاپی و یا از طریق رایانامه مجله ارسال شوند. ♦ نثر مقاله باید روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه‌های علمی و فنی وقت لازم مبذول شود. ♦ محل قرار دادن جدول‌ها، شکل‌ها و عکس‌ها در متن مشخص شود. ♦ مقاله باید دارای چکیده باشد و در آن هدف‌ها و پیام نوشتار در چه سطر تنظیم شود. ♦ کلمات حاوی مفاهیم نمایه (کلید واژه‌ها) از متن استخراج و روی صفحه‌ای جداگانه نوشته شوند. ♦ مقاله باید دارای تیتراژ اصلی، تیتراژ فرعی در متن و سوتیتر باشد. ♦ معرفی‌نامه‌ی کوتاهی از نویسنده یا مترجم همراه یک قطعه عکس، عناوین و آثار وی پیوست شود. ♦ مجله در رد، قبول، ویرایش و تلخیص مقاله‌های رسیده مختار است. ♦ مقالات دریافتی بازگردانده نمی‌شود. ♦ آرای مندرج در مقاله ضرورتاً مبین رأی و نظر مسئولان مجله نیست.

این یادداشت

مرتضی مجدفر

ویژه‌ی پدران و مادران است

نکته‌هایی درباره‌ی همراهی پدران و مادران با فرآیند تحصیلی فرزندان

اشاره

در دیدارهایی که با آموزگاران سراسر کشور داریم و نیز در اظهارنظرهای حاشیه‌ای نمایشگاه‌های مطبوعات، بسیاری از مخاطبان مجله، با اشاره به این که بهتر است در مجلات رشد مطالبی هم برای اولیا منتشر شود، می‌گویند پدران و مادران دانش‌آموزان آن‌ها در این ارتباط که چگونه فرزندان خودشان را در روزهای تحصیلی همراهی کنند، آگاهی‌های جامعی ندارند. آنان اغلب آن گونه عمل می‌کنند که از پدران و مادران خود آموخته‌اند. آن‌ها می‌گویند درست است که در سال‌های اخیر سطح سواد پدران و مادران جوان افزایش یافته است و علاقه‌مندی فراوانی از سوی آنان برای یادگرفتن به چشم می‌خورد، و بسیاری از سازمان‌ها و نهادهای آموزشی مانند فرهنگسراها، انجمن‌های اولیا و مربیان و... در صدد برآمده‌اند که آموزش‌های خاصی را در اختیار پدران و مادران علاقه‌مند قرار دهند، ولی آن چه در اکثر این آموزش‌ها به چشم می‌خورد، تأکید بیش از اندازه بر مفاهیم نظری و غیر کاربردی است که متأسفانه با واکنش‌های منفی اولیا روبه‌رو می‌شود. با در نظر گرفتن این نکته و برای پاسخ‌گویی به درخواست‌های آموزگاران محترم، در این شماره سعی کرده‌ایم در ارتباط با همراهی والدین با فرآیند تحصیلی فرزندان، نکاتی کلیدی ارائه دهیم. بدیهی است آموزگاران و مدیران محترم می‌توانند از این مطالب در دیدارهای خود با اولیا بهره ببرند.

کارها، اگرچه به ظاهر ساده هستند، ولی ممکن است بی‌خود و بی‌جهت حساسیت برخی از معلمان، به‌ویژه آن‌ها که از کاه، کوهی می‌سازند را برانگیزد. مثلاً ردوبدل کردن یادداشت در کلاس، ممکن است در مواقعی ضروری باشد، ولی معمولاً به قصد شیطننت و رساندن پیامی از سرشلوغی صورت می‌گیرد و مانعی است بر سر راه یادگیری داخل کلاس درس.

نکته‌ی ۶: شنونده‌ی خوبی باشید و حرف‌های فرزندان را به خوبی بشنوید و منتظر باشید هر از چندگاه یک‌بار، سر بزنگاه، شنودگی‌تان را کنترل و به شما یادآوری کند که فلان حرفش، در فلان تاریخ و در بهمان جا را شنیده‌اید و بی‌دلیل سرتان را به علامت شنیدن تکان داده‌اید. اگر شنونده‌ی خوبی باشید، می‌توانید از او هم بخواهید روش‌های خوب گوش کردن را یاد بگیرد و برای بهبود فرآیند درس خواندن خود به کار بگیرد.

نکته‌ی ۷: برخی وقت‌ها به بهانه‌های گوناگون، کتاب‌های درسی فرزندان را بگیرد

نباید از سوی دانش‌آموزان یک حق تلقی شود. اگر شما با مشاهده‌ی اندکی برف روی زمین، از فرزندان می‌خواهید امروز را به مدرسه نرود و غیبت کند، نباید از او انتظار داشته باشید فردی آبدیده و متکی به خود بار بیاید. قدری سختی کشیدن برای هر چیزی، از جمله درس خواندن ضروری است.

نکته‌ی ۴: هیچ‌وقت با ورقه‌های امتحانی فرزندان که در آن‌ها بازخورد مناسبی دیده نمی‌شود و یا نمره‌ی مطلوبی کسب نکرده است، قهرآمیز برخورد نکنید. اگر ورقه‌ای را که فرزند شما در آن مثبت ارزیابی نشده است، پاره کنید، هیچ‌گاه نخواهید توانست همراه با او و در روزهایی که در مسیر پیشرفت گام برمی‌دارد، به‌دست آمدن بازخورد یا نمره‌ی مذکور را بررسی و تحلیل کنید. بایگانی و نگهداری همه‌ی ورقه‌های امتحانی، اعم از ورقه‌های خوب و بد، حتماً بهتر از دور انداختن و پاره کردن است.

نکته‌ی ۵: به فرزندان بگویید برخی

نکته‌ی ۱: هیچ‌وقت در حضور فرزندان از سختی و غول‌بودن درس خاصی صحبت نکنید. این گونه تصورات، ناخودآگاه ذهنیت او را نسبت به برخی از درس‌ها تخریب می‌کند. در این صورت، دیگر نباید انتظار داشت با لذت و علاقه برای مطالعه‌ی درس مذکور وقت بگذارد.

نکته‌ی ۲: هیچ‌وقت اجازه ندهید تکالیف درسی تعیین شده از سوی مدرسه و معلمان، توسط فرزندان ناتمام رها شود. به او کمک کنید تکالیف مشخص شده را به اتمام برساند. منظور از کمک کردن، همراهی در انجام تکالیف نیست، بلکه اعمال نظارت بر کار اوست. اگر احساس می‌کنید تکالیف‌ها در حد توان او نیست و یا غیرهدف‌مند تعیین شده است، حتماً با اولیای مدرسه صحبت کنید.

نکته‌ی ۳: هیچ‌وقت به دلایل ساده، اجازه‌ی تأخیر در رفتن به مدرسه و یا حتی غیبت توسط فرزندان را صادر نکنید. تأخیر کردن و یا غیبت، جز در موارد اضطراری،

و در آن‌ها دنبال نکته و مطالب خاصی نگردید. بعد با آن‌ها وارد گفت‌وگو شوید و بخواهید کمی درباره‌ی درسی که فردا قرار است بخوانند، برای شما توضیح دهند. درس‌های «تاریخ»، «ادبیات فارسی»، «علوم اجتماعی» و «تعلیمات دینی» نمونه‌های خوبی برای تمرین این نکته است.

نکته‌ی ۸: بعضی وقت‌ها از خاطرات خود برای فرزندان نمونه‌هایی را یادآوری کنید و اگر واقعاً خاطره ندارید، به خاطره‌سازی روی بیاورید. همان‌طور که قبلاً هم گفتیم، بچه‌ها معمولاً از روی مصداق‌ها بهتر یاد می‌گیرند. مثلاً اگر خاطره‌ای از دیر رفتنمان به کلاس یکی از دبیران ریاضی در دوره‌ی دبیرستان را تعریف کنیم و به فرزندمان بگوییم در همان چند دقیقه تأخیر ابتدای کلاس، آقای دبیر مسئله‌ی سختی را حل کرده و توضیح داده بود که قصد داشته همان سؤال را در آزمون نهایی برای متنبه کردن تأخیری‌ها در بین سؤالات امتحان قرار دهد. از قرار، همان سؤال با باری پنج نمره‌ای جزو سؤالات آزمون بوده است و شما صرفاً به دلیل چند دقیقه تأخیر، ۵ نمره‌ی مهم را از دست داده‌اید. مهم است که فرزندان پی‌ببرد به موقع حاضر نشدن در کلاس، برای نتیجه گرفتن و موفقیت در یادگیری مشکل‌ساز خواهد بود.

نکته‌ی ۹: هیچ‌وقت به‌طور مستقیم درباره‌ی دوستان فرزندان اظهار نظر منفی نکنید. به‌طور قطع گفتن این‌که: «پرو با کسانی که با تو درباره‌ی موفقیت صحبت می‌کنند، دوست شو و از آن‌ها کمک بگیر»، به اندازه‌ی کافی گریزانده است. دوستان خوب فرزندان را بشناسید و از این دوستی‌ها، به منزله‌ی پلی برای توجه بیشتر به درس خواندن استفاده کنید.

نکته‌ی ۱۰: هیچ‌وقت درباره‌ی جایی که در آن‌جا حضور ندارید، اظهار نظر نکنید. وقتی شما در کلاس درس فرزندان حاضر نیستید و به راحتی هم امکان حضور در آن‌جا را ندارید، گفتن این‌که: «اگر در کلاس با آموزگار و دوستان بحث و گفت‌وگو کنی، به نفع تو

خواهد بود»، شاید همیشه درست از آب درنیاید. این تذکر را به‌طور عملی و با اعمال و گفتار خود در سر سفره‌ی ناهار و شام به فرزندان بیاموزید.

نکته‌ی ۱۱: دانش‌آموزان در برخی کلاس‌ها، اساساً فعال هستند و به خودی خود از آن‌ها کاری خواسته می‌شود؛ مانند آزمایشگاه، کارگاه، کلاس هنر، زنگ ورزش. ولی در بعضی کلاس‌ها، بچه‌ها فعالیت زیادی ندارند و به دلیل آن‌که معمولاً ارائه روش‌های تدریس در برخی مواقع سنتی است، نیمه‌فعال و یا حتی غیرفعال می‌شوند. این قبیل کلاس‌ها، سرآغازی برای افت در یادگیری است. راه‌های حضور در کلاس‌های نیمه‌فعال و غیرفعال را به فرزندان بیاموزید. یکی از راه‌های غلبه بر خستگی در کلاس‌ها و درس‌هایی که دانش‌آموزان فعال نیستند (انشاء، ارائه‌ی کنفرانس، درس ریاضی و...)، یادداشت‌برداری از لحظه لحظه‌ی رویدادها، گفته‌ها و شنیده‌های کلاس است.

نکته‌ی ۱۲: به سؤالات متعدد فرزندان پاسخ‌های مستدل و منطقی بدهید. از او پرسش‌های متعدد بپرسید و کمک کنید تا روش سؤال کردن در کلاس درس را بیاموزد. البته شاید لازم باشد خودتان هم روش‌های سؤال کردن را یاد بگیرید. گاهی ویژگی‌های شخصیتی والدین مانند کم‌رویی، خجالتی‌بودن و اهل گفت‌وگو نبودن به فرزندان هم منتقل می‌شود. پرسش کردن از معلمان و هم‌کلاسی‌ها، روشی برای مقابله با کم‌رویی و کلیدی برای یادگیری بهتر است.

نکته‌ی ۱۳: به کارها و حرف‌های فرزندان نخندید، ولی سعی کنید برخی مواقع با رعایت ادب و نزاکت، حرف‌هایی بزنید که موجبات خنده‌ی او را فراهم آورد. این کارها، او را آماده خواهد ساخت از دلک کلاس شدن و خنداندن دیگران و نیز خندیدن به دلک‌ها خودداری کند. خنده‌ی بجا، لازم و ضروری است. هم چنین با هم خندیدن، نه به هم‌دیگر خندیدن، از اصولی است که ما را در مسیر ارتباطی صحیح قرار می‌دهد.

نکته‌ی ۱۴: فرصتی جور کنید و داستان «عینک» رسول پرویزی^۱ را در جمع خانواده بخوانید. اگر فرزند شما از عینک استفاده می‌کند، باید به نوعی به او یادآوری کنید درس خواندن با عینک، برای بچه‌هایی که به توصیه‌ی پزشک معالج و براساس ویژگی‌های ساختمان چشم‌شان از این وسیله استفاده می‌کنند، ضروری است.

نکته‌ی ۱۵: به فرزندان بگویید به ابتدا و انتهای صحبت‌های آموزگارش توجه بیشتری کند. معمولاً مهم‌ترین حرف‌های مربوط به هر درس در این لحظات بیان می‌شود. برای مثال هدف‌های اصلی هر درس و نیز تکالیف مربوط به جلسه‌ی آینده، از مواردی است که در ابتدا و انتهای کلاس ذکر می‌شود.

نکته‌ی ۱۶: هنگامی که با مشکلی مربوط به مدرسه روبه‌رو می‌شوید، رفتاری دوجانبه داشته باشید. به فرزندان بگویید که شرایط را درک می‌کنید، اما انتظار دارید که او هم سعی کند سازگاری بیشتری با مدرسه داشته باشد. از سوی دیگر با برقراری ارتباط با مدیر مدرسه و یا مسئول مربوطه، موارد را با او در میان بگذارید و از ایشان بخواهید که راهی برای حل مشکل و ایجاد سازگاری دانش‌آموزان با آن پیدا کنند.

تمرین

پس از طرح این نکته‌ها با اولیای دانش‌آموزان خود، از آن‌ها بخواهید؛ (الف) هر یک از نکته‌های ۱۶ گانه را به‌طور مشترک و در جلسات خانوادگی به گفت‌وگو بگذارند و درباره‌ی تحقق هر یک بحث کنند. (ب) با جست‌وجو در منابع معتبر آموزشی، نکته‌ها را به ۲۰ مورد افزایش دهند.

پی‌نوشت

۱. رسول پرویزی، از داستان‌نویسان اجتماعی دهه‌های ۴۰ و ۵۰ شمسی است. او شیرازی بود و با رمان مشهور «شلوارهای وصله‌دار»، بسیار معروف شد. داستان عینک او، در سال‌های دور و نزدیک در کتاب‌های درسی فارسی دوره‌ی دبیرستان درج شده است و بسیاری از پدران و مادران امروزی، حتماً آن را خوانده‌اند.

نمونه تکلیف‌های پژوهشی با خانواده

بخش ششم

لیلا سلیقه‌دار

دکترای برنامه‌ریزی آموزشی و معلم

اشاره

همان‌طور که پیش از این اشاره شد، برای بهره‌مندی از مشارکت خانواده می‌بایست شرایط لازم مهیا باشد. در صورتی که خانواده و دانش‌آموز درباره‌ی ضرورت، اهمیت و نحوه‌ی مشارکت و همکاری با یکدیگر در زمینه‌ی فعالیت‌های پژوهشی توجیه شوند، در این شرایط انتخاب نمونه تکلیف پژوهشی مناسب و فراهم کردن زمینه‌های اجرایی تأثیرگذار در مراحل بعدی قرار می‌گیرد. این بخش از سلسله مطالب دانش‌آموز، خانواده و تفکر پژوهشی به نمونه‌هایی از تکلیف پژوهشی مشارکتی اختصاص دارد.

کلیدواژه‌ها: پژوهش دانش‌آموزی، خانواده، تفکر پژوهشی.

دانش‌آموز بتواند به‌طور مستقیم تجربه کند، مشاهده کرده، دست به مقایسه بزند و اطلاعاتی را گردآورد، از جمله شیوه‌هایی است که در یادگیری دانش‌آموزان از اهمیت بالایی برخوردار است. برای مثال کلاس درسی را تصور کنید که در کتابخانه‌ی مدرسه و یا کتابخانه‌ای در محله برگزار می‌شود. معلم به دانش‌آموزان آموزش می‌دهد که چگونه می‌توانند از یک کتاب برای جمع‌آوری اطلاعات موردنظر خود استفاده کنند. سپس از آنان می‌خواهد تا درباره‌ی موضوع تعیین شده از کتاب‌های مشخصی که معرفی می‌شود و در کتابخانه موجود است، مطالبی را جست‌وجو و جمع‌آوری کنند.

در این حالت، دانش‌آموز در حضور و با راهنمایی معلم با شیوه‌ی متداولی از جمع‌آوری اطلاعات آشنا می‌شود، اما همیشه امکان اجرای چنین فعالیت‌هایی در ساعات آموزشی مدرسه وجود ندارد. با تأکید بر این که می‌بایست در اولین تجربه‌های دانش‌آموزان، موارد به روشنی به آن‌ها آموزش داده شود، می‌توان از همکاری خانواده برای ادامه‌ی فعالیت پژوهشی استفاده کرد.

با بررسی شرایط و کسب اطمینان از این که دانش‌آموز می‌تواند همراه یکی از والدین خود در کتابخانه‌ی محله حضور پیدا کند، در این صورت خوب است او این تجربه را در کنار خانواده‌ی خود تکمیل کند. برای جلوگیری از این اتفاق که کار جمع‌آوری اطلاعات توسط بزرگ‌ترها و بدون حضور دانش‌آموزان روی دهد، لازم است از دانش‌آموزان بخواهیم تا آن‌چه را که در زمینه‌ی جمع‌آوری اطلاعات از منابع نوشتاری در کلاس درس آموخته‌اند، در اختیار والدین قرار دهند و با مشارکت یکدیگر در کتابخانه، اطلاعات خود را تکمیل کنند.

بی‌هیچ اغراق باید گفت به تعداد نمونه‌های تکلیف آموزشی، نمونه شرایط و تکلیف پژوهشی وجود دارد که برای انتخاب و اجرای آن‌ها نیازمند بینش و نگرش خاص معلمان هستیم. زمانی باور تأثیرگذاری این نوع فعالیت‌ها در آموزگار ایجاد می‌شود که او بتواند با آگاهی و رعایت شرایط و الزامات مورد نیاز، دست به تجربه بزند و شاهد تعمیق یادگیری دانش‌آموزان خود از این طریق باشد.

برای این منظور خلاقیت‌های آموزگار و توجه به محتوای آموزشی، بسیار اهمیت دارد. برای مثال هنگامی که در درس «علوم تجربی»، می‌خواهیم اعضای یک گروه جانوری را با گروه دیگری مقایسه کنیم، در این صورت به مهارت مقایسه که از جمله مهارت‌های پژوهشی است، نیازمندیم. بر این اساس، این فعالیت می‌تواند در قالب یک برنامه‌ی پژوهشی و در راستای تقویت مهارت‌های پژوهشی آنان تعریف شود. با این نگاه از دانش‌آموزان دعوت می‌شود تا به مقایسه‌ی گروه‌های گوناگون اشیاء در اطراف خود بپردازند. در این مقایسه آن‌ها می‌آموزند که چگونه تفاوت‌ها و شباهت‌ها را ببینند و از مشاهده و دریافت‌های خود نتیجه‌گیری کنند. بدیهی است با این توجه، تعداد موقعیت‌هایی که در آن می‌توان فعالیت‌های پژوهشی را از دانش‌آموزان انتظار داشت، بسیار زیاد است. در ادامه به چند نمونه از ده‌ها نوع تکلیف پژوهشی که می‌تواند با مشارکت خانواده صورت پذیرد، اشاره شده است.

تکلیف کتابخانه‌ای

از میان روش‌های آموزشی، ایجاد فرصت‌هایی که در آن



فراگیرندگان در منزل و با همراهی یکی از والدین خود، تکه‌های یخ را در جاهای گوناگونی از خانه‌ی خود قرار دهند. سپس گزارش کوتاهی تهیه کنند که در آن به زمان تغییر شکل قالب‌های یخ در هر یک از مکان‌ها اشاره شده است.

در نمونه‌هایی از این دست، توجه به وجود امکانات مورد نیاز برای انجام آزمایش در منزل، از ضروریات است. هم‌چنین می‌بایست سهم دخالت والدین در انجام فعالیت، معین شده باشد. به عنوان مثال در نمونه‌ی ذکر شده، کافی است والدین به عنوان همراه و ناظر در کنار فرزند خود ایفای نقش کنند و تنها در صورت لزوم، راهنمایی‌های لازم را برای نحوه‌ی اندازه‌گیری و درج زمان تغییر قالب‌های یخ ارائه کنند.

تکلیف‌های دوست نداشتنی

برای همه‌ی ما پیش آمده است که گاهی مجبور به انجام فعالیتی بوده‌ایم که چندان رغبتی به آن نداشتیم. این حالت ممکن است برای دانش‌آموزان نیز پیش آید. هنگامی که می‌بایست آنان تکلیفی را انجام



تکلیف‌های آزمایشی

در برخی از شرایط، لازم است دانش‌آموز خود فرضیه‌هایی را آزمون کند. در این صورت می‌بایست با توجه به نوع فرضیه، موقعیتی را تدارک ببینند که امکان آزمون فرضیه وجود دارد. این کار به‌ویژه در موضوعات مربوط به علوم تجربی از حساسیت بالایی برخوردار است و لازم است با نظارت و حضور بزرگ‌ترها انجام شود. گاهی نیز به دلیل آن که برای مشاهده‌ی تغییرات به زمان زیادی احتیاج است، امکان انجام آزمایش در کلاس و در زمان محدود آن امکان‌پذیر نیست. در چنین شرایطی همکاری خانواده می‌تواند تأثیر مطلوبی در انجام فعالیت داشته باشد. به این مثال توجه کنید، آموزگار از دانش‌آموزان خود می‌خواهد برای دریافت تأثیر دما بر اجسام، به مشاهده‌ی تغییرات تکه‌های یخ در محیط‌هایی با دماهای متفاوت اقدام کنند. برای این منظور آزمایشی طرح‌ریزی می‌شود تا





دهند که چندان به انجام آن علاقه ندارند، در چنین شرایطی استفاده از راهکارهای گوناگون می‌تواند از شدت بی‌علاقگی دانش‌آموزان کاسته و انگیزه‌های در آن‌ها ایجاد کند. یکی از این راه‌حل‌ها بهره‌گیری از خانواده است. برای مثال خانواده‌ها جایگزین شایسته‌ای در مدرسی هستند که امکان اجرای طرحی مانند طرح کیف در مدرسه در آن‌ها وجود ندارد. در طرح کیف در مدرسه، دانش‌آموزان می‌توانند تکالیف خود را در کنار دوستان خود و در زمان مدرسه انجام دهند. علاوه بر تمام اثرگذاری‌های مثبت این طرح بر یادگیری دانش‌آموزان، ایجاد فرصتی که دانش‌آموزان با دوستان خود فعالیت‌های مشترکی انجام دهند، از جمله مواردی است که به ایجاد روحیه‌ی شادتر و انگیزه‌ی بیشتر در فراگیرندگان منجر می‌شود. بر این اساس، اگر این امکان در مدرسه وجود ندارد، خوب است ضمن آگاه‌سازی خانواده‌ها از اثربخشی چنین موقعیت‌هایی و نیز آموزش نحوه‌ی بهره‌مندی از حضور دوستان در انجام فعالیت‌های درسی فرزندان، از آن‌ها دعوت کنید که مشابه چنین برنامه‌ای را در خانه‌ی خود به اجرا درآورند. در این شرایط دانش‌آموزان می‌توانند انجام برخی از تکالیف خود را در چنین فضایی تجربه کنند.

همچنین می‌توان انتظار داشت که والدین با استفاده از شناختی که از فرزند خود دارند، لیستی از علاقه‌مندی‌های او را فهرست کنند. سپس در مواقعی که او در موقعیت آموزشی غیرجذاب قرار گرفته است، از همراه‌سازی انجام تکلیف با موقعیتی خوش‌آیند استفاده کنند. برای مثال در هوش‌های چندگانه‌ی یادگیری، با افرادی روبه‌رو می‌شویم که هوش طبیعت‌گرایی بالایی دارند. این افراد در موقعیت‌هایی که نمادها و نشانه‌های طبیعی در آن‌ها وجود دارد، بهتر می‌توانند تمرکز کنند و از یادگیری بیشتری هم برخوردار خواهند بود. بر این اساس، دانش‌آموز دارای این ویژگی در مواجهه با تکلیف غیرجذاب خود می‌تواند تنها با قرارگیری در یک محیط طبیعی به انجام وظایف خود اقدام کند و از آن لذت ببرد. ایجاد چنین زمینه‌ای در ساعات خارج از مدرسه، با مشارکت خانواده امکان وقوع دارد.

و نیز رشد خلاقیت افراد است. اگر میزان انتظار آموزگار از دریافت آثار دانش‌آموزان با توانایی آنان تطابق داشته باشد و در صورتی که خانواده‌ها از میزان تأثیرگذاری دست‌ورزی فرزندان خود بر یادگیری ذهنی آنان مطلع باشند، در این صورت تکالیف ساختنی، یکی از مناسب‌ترین فعالیت‌های پژوهشی است که در آن می‌توان به اندازه‌ای معقول، از همراهی و همکاری خانواده بهره گرفت. در چنین تکالیفی بهتر است سهم خانواده، همراهی در تهیه و تدارک مواد اولیه، همراهی در استفاده‌ی درست از ابزار و نظارت بر ایمنی شرایط و در نهایت آموزش نحوه‌ی به‌کارگیری درست وسایل به فرزندان، تعیین شود. در چنین شرایطی ایده‌سازی و تلاش برای ساخت از خود دانش‌آموز بوده و می‌تواند از نتایجی که این فعالیت دربردارد، بهره‌مند شود.

تکالیف‌های خواندنی

در برخی موارد، استفاده از متون دیگر مانند کتاب‌های مرجع و یا کتاب‌هایی که از نظر علمی در سطحی بالاتر از کتاب‌های درسی قرار دارند و گاهی نیز مطالعه‌ی روزنامه‌ها و مجلات از تکالیفی است که در

تکالیف‌های ساختنی

بسیاری از فعالیت‌های دانش‌آموزان به‌ویژه در دوره‌ی ابتدایی، به دست‌سازه‌هایی مربوط است که معمولاً ساخت آن به زمان‌های خارج از مدرسه موکول می‌شود. کاردستی از زمینه‌های تأثیرگذار در یادگیری

مهارت‌ورزی پژوهشی دانش‌آموزان تأثیر گذار است. در چنین شرایطی خانواده می‌تواند در روخوانی صحیح عبارات و یا ارائه‌ی معانی لغات به دانش‌آموز کمک کند. هر چند باید اطمینان داشت که والدین به اندازه‌ی لازم دارای این مهارت هستند. ایجاد چنین شرایطی، علاوه بر این که می‌تواند اثرات و نتایج انجام تکالیف پژوهشی مشارکتی را به همراه داشته باشد، در اغلب موارد به ترغیب بیشتر خانواده برای مطالعه‌ی بیشتر و یادآوری متون نیز منجر می‌شود.

تکلیف‌های شفاهی

به منظور ارائه‌ی گزارش دانش‌آموز از یک فعالیت پژوهشی راه‌های گوناگونی وجود دارد. ممکن است او یافته‌های خود را روی برگه‌ای بنویسد و به کلاس ارائه دهد. گاهی نیز از یافته‌های خود نمودار و یا جدول‌هایی تهیه می‌کند. اما ارائه‌ی گزارش‌های شفاهی از دیگر راه‌هایی است که به‌ویژه در دوره‌ی ابتدایی از اهمیت و تأثیرگذاری بسیاری برخوردار است.

برای این منظور، از دانش‌آموز انتظار می‌رود گزارش خود را به صورت شفاهی بیان و صدای خود را ضبط کند. در این حالت، ارائه‌ی نوار کاست و یا فایل صوتی به کلاس و پخش آن می‌تواند جایگزین ارائه‌ی گزارش‌های دیگر مانند نوشته‌های دانش‌آموز شود.

در این شرایط همراهی خانواده می‌تواند به انجام

درست فعالیت منجر شود و با زمینه‌سازی و تهیه‌ی امکانات اولیه توسط آنان، اطمینان بیشتری به دانش‌آموز درخصوص ارائه‌ی گزارش شفاهی یافته‌های خود بدهد.

تکلیف‌های اینترنتی

امروزه از میان تمام راه‌های جمع‌آوری اطلاعات، استفاده از اینترنت از جایگاه خاصی برخوردار است. اما آنچه در این میان نگرانی‌هایی را به همراه می‌آورد، این است که کاربران به دلایل گوناگون، نحوه‌ی به‌کارگیری درست از منابع اینترنتی را نمی‌دانند و نمی‌توانند به نحو شایسته‌ای از آن استفاده کنند.

برای این منظور بهتر است در انتخاب

تکالیفی که می‌بایست از اینترنت استفاده شود، همراهی خانواده در اولویت توجه قرار گیرد. اگر خانواده‌ای با کاربرد اینترنت و نحوه‌ی جست‌وجو در آن آشنایی ندارد، این همراهی می‌تواند به یادگیری و به‌روز شدن آن‌ها نیز کمک کند و در صورتی که خانواده با این ابزار آشنایی داشته باشد، یادگیری بیشتر دانش‌آموز و نیز ایجاد زمینه‌ی مناسب مشارکت خانواده را به ارمغان خواهد آورد.

تکلیف‌های ویدئویی

در شیوه‌های نوین انجام تکالیف پژوهشی، تصویربرداری از اتفاقات و یا تغییرات می‌تواند از دیگر روش‌هایی باشد که با دگرگونی‌های محیطی نیز بیشتر تطابق دارد. برای این منظور دانش‌آموز می‌بایست در دوره‌ی زمانی معینی، از آزمایش با سوزده‌های پژوهشی خود تصویربرداری کند و یا تغییرات و روند مربوط به موضوع خود را در قالب تصویر ثبت کرده، به کلاس ارائه دهد. در چنین شرایطی، همراهی خانواده نقطه‌ی اطمینان دانش‌آموز بوده و مشارکت آنان در حکم دست‌یاری با تجربه، می‌تواند به گسترش توانایی‌های دانش‌آموزان منجر شود.





فرهنگ‌نامه‌های فارسی برای دانش‌آموزان

نورمحمد خادمی فرد



آشنایی با انتشارات محراب قلم

اشاره

از شماره‌ی نخست دوره‌ی جدید رشد آموزش ابتدایی در سال تحصیلی ۹۱-۱۳۹۰، معرفی ناشران برگزیده‌ی جشنواره‌ی کتاب‌های آموزشی رشد را براساس اسناد طرح سامان‌دهی کتاب‌های انتخاب شده، آغاز کردیم. در پی معرفی چند ناشر در شماره‌های گذشته، این بار با فعالیت‌های انتشارات محراب قلم آشنا می‌شوید که در هشتمین جشنواره‌ی کتاب‌های آموزشی رشد حایز رتبه‌ی چهارم مشترک شده بود. همان‌طور که قبلاً هم بیان شد، رتبه‌بندی ناشران براساس کسب عنوان‌های برگزیده، عنوان‌های تقدیری، راه‌یابی کتاب‌ها در فهرست نامزدها و ورود عنوان‌هایی از کتاب‌های ناشر به فهرست کتاب‌نامه‌های رشد و توسط ستاد جشنواره‌ی مذکور صورت پذیرفته است.

آشنایی

انتشارات محراب قلم در سال ۱۳۶۲ به عنوان ناشر تخصصی کتاب کودک و نوجوان فعالیت خود را آغاز کرد و به‌طور مستمر در ۲۸ سال اخیر، در زمینه‌های هنر، ادبیات، علمی، آموزشی و کتاب‌های مرجع برای مخاطبان خود کتاب منتشر کرده است. **عبدالعظیم فریدون**، مدیرعامل انتشارات محراب قلم، کارشناس ارشد فلسفه است. او سوابق مدیریتی مانند معاون آموزشی منطقه‌ی ۹ و ۱۰ آموزش و پرورش تهران، مسئول منطقه‌ی ۱۰ آموزش و پرورش تهران، معاون دفتر انتشارات کمک‌آموزشی، مدیرعامل انتشارات مدرسه و مدیر انتشارات و گرافیک کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان را در کارنامه‌ی خود دارد.

افتخارات



انتشارات محراب قلم تاکنون عناوین زیر را در حوزه‌ی نشر کتاب کودک و نوجوان به خود اختصاص داده است:

- چهار دوره ناشر برگزیده‌ی سال کشور از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در سال‌های ۱۳۷۵، ۱۳۷۶، ۱۳۸۶ و ۱۳۸۸
- ناشر تقدیری از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در سال ۱۳۷۷
- ناشر برگزیده‌ی سال‌های ۱۳۸۳ و ۱۳۸۶ جشنواره‌ی کتاب‌های آموزشی رشد و ناشر تقدیری اولین دوره‌ی همین جشنواره در سال ۱۳۷۹
- ناشر منتخب نمایشگاه یاد یار مهربان در سال ۱۳۸۸
- ناشر برگزیده‌ی هیئت امنای کتابخانه‌های عمومی کشور.

محراب قلم و کتاب‌های برگزیده

کتاب‌های برگزیده و تقدیری سال این ناشر عبارتند از:

«پادشاه کوتوله و چهل دردر بزرگ» (۱۳۸۱)، «سوت فرمان‌روا» (۱۳۸۶)، «دایرةالمعارف اینترنتی علوم» (۱۳۸۶)، «فرهنگ فارسی خردسال» (تقدیری ۱۳۸۸)، «تاریخ علم» (تقدیری سال ۱۳۸۹)، چهار عنوان کتاب برگزیده‌ی فصل از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و ۶۷ عنوان کتاب برگزیده در جشنواره‌ی کتاب‌های آموزشی رشد، کتاب کودک و نوجوان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، انجمن ناشران کتاب کودک و نوجوان (کتاب برتر)، کتاب سال ولایت و دیگر جشنواره‌های کتاب.

پیشنهادهای ناشر برای توسعه‌ی فرهنگ کتاب و کتاب‌خوانی در بین دانش‌آموزان

- * هیچ‌گاه درباره‌ی فوائد کتاب و کتاب‌خوانی برای بچه‌ها سخن‌رانی نکنید. این نوع حرف‌ها برای بچه‌ها کسالت‌آور و خسته‌کننده‌اند.
- * لزوماً به قصد پیشرفت وضعیت درسی بچه‌ها، به آن‌ها کتاب و یا کتاب‌هایی را معرفی نکنید.
- * در نظر بگیرید که بچه‌ها دوست دارند کتاب بخوانند تا از مطالعه‌ی خود لذت ببرند. چرا آن‌ها آزادند پلنگ صورتی یا تام و جری ببینند، اما کتابی در سطح پلنگ صورتی بخوانند؟ گاهی اوقات بچه‌ها دشمن می‌خواهند کتابی بخوانند و با خواندن آن قهقهه بخندند.
- * معرفی کتاب‌های خواندنی و لذت‌بخش مانند قصه، شعر و رمان را جزو برنامه‌های ثابت و دائمی خود قرار دهید. منتظر نتیجه‌ی معرفی‌های خود نباشید. ممکن است بچه‌ها سراغ هیچ کدام از پیشنهادهای شما نروند، اما عمل معرفی شما مهم است.
- * نویسنده‌ها و شاعران خوب را به بچه‌ها معرفی کنید. هر هفته، دو سه نمونه از شعرهای خوب پروین دولت‌آبادی، افسانه شعبان‌نژاد، مصطفی رحماندوست، جعفر ابراهیمی، شکوه قاسم‌نیا، محمود کیانوش و... را در کلاس بخوانید تا بچه‌ها از شنیدن آن‌ها لذت ببرند.
- * همواره از بچه‌ها نخواهید (واقعاً نخواهید) پس از خواندن قصه، حکایت یا شعر خود، از آن نتیجه‌گیری اخلاقی، تربیتی یا علمی بکنند.
- * موضوع‌های علوم، جغرافی و دینی فرصت مناسبی هستند که شما بتوانید چند کتاب علمی را درباره‌ی زمین، آب، جانوران و بدن انسان به بچه‌ها معرفی کنید.
- * اگر بضاعت والدین بچه‌ها اجازه می‌دهد، برنامه‌ای ترتیب دهید تا هر ماه بچه‌ها مبلغی در حد دو هزار تومان بیاورند تا با آن کتاب‌خانه‌ای کلاسی تشکیل دهند. پس از گذشت چند سال، هر کلاس می‌تواند کتاب‌خانه‌ای غنی و خوب داشته باشد.
- * بکوشید به هر نحو ممکن در کلاس خود چند فرهنگ فارسی و دایرةالمعارف عمومی داشته باشید و هنگام تدریس یا گفت‌وگو با بچه‌ها، آن‌ها را به این کتاب‌ها ارجاع دهید.



کتاب‌های مرجع؛ اولویت اصلی انتشارات محراب قلم

انتشار کتاب‌های مرجع برای کودکان و نوجوانان، یکی از فعالیت‌های اصلی این ناشر است. انتشار آثار مرجع، مستلزم سرمایه‌گذاری سنگین، صرف زمان طولانی و به کارگیری نویسندگان و متخصصان کارآمد است. از این‌رو تولید چنین آثاری در مقایسه با دیگر آثار کودکان و نوجوانان کم‌تر توسط ناشران استقبال می‌شود و این در حالی است که این نوع کتاب‌ها، بخش اصلی هر کتاب‌خانه‌ی کلاسی و آموزشی قلمداد می‌شود. کتاب‌هایی که بتوانند نیازهای گوناگون اطلاعاتی دانش‌آموزان را در رشته‌ها و موضوع‌های گوناگون پاسخ دهند و روحیه‌ی پژوهش و دانش‌اندوزی را در مخاطبان خود ترویج کنند. با توجه به این نیازها، این ناشر به سمت تولید مهم‌ترین آثار مرجع، یعنی فرهنگ‌ها و دایرةالمعارف‌ها روی آورده است.

معرفی برخی از آثار انتشارات محراب قلم در حوزه‌ی چاپ فرهنگ‌های فارسی

- * «فرهنگ فارسی خردسال»، حاوی ۴۰۰ واژه و صدها تصویر رنگی، نوشته‌ی مهناز عسگری در این کتاب، نویسنده کوشیده است معنای واژه‌ها را از طریق داستان‌هایی ساده بیان کند. مخاطب این کتاب، بچه‌های پیش‌دبستانی و بچه‌های کوچک‌ترند. تصویرهای مربوط به هر کلمه، فرصت بیشتری در اختیار مربیان می‌گذارد تا با استفاده از آن‌ها ارتباط و گفت‌وگوی بیشتری با بچه‌ها انجام دهند.
- * «فرهنگ فارسی کودک»، حاوی بیش از ۱۵۰۰ واژه و ده‌ها تصویر رنگی، نوشته‌ی مهناز عسگری این کتاب، نخستین فرهنگ ساده‌ای است که دانش‌آموزان دبستانی می‌توانند به آن مراجعه کنند. مخاطب اصلی این فرهنگ، دانش‌آموزان پایه‌های اول و دوم هستند. آن‌ها با مراجعه به این کتاب، بر حروف الفبا، ترتیب حروف و یافتن کلمات تسلط می‌یابند و مهارت بیشتری در خواندن و کشف معنای واژه‌ها به‌دست می‌آورند.
- * «فرهنگ فارسی بچه‌های امروز»، حاوی بیش از ۳۳۰۰ واژه و ده‌ها تصویر رنگی و ۱۸۰ مقاله‌ی علمی، نوشته‌ی مهناز عسگری و مهدی ضرغامیان فرهنگ فارسی بچه‌های امروز منبع قابل اعتمادی برای دانش‌آموزان پایه‌های سوم و چهارم است. آن‌ها در این کتاب، ضمن جست‌وجوی واژه‌ها با کلمه‌های مترادف، متضاد و هم‌خانواده آشنا می‌شوند و نیز پاره‌ای از واژه‌هایی را که از زبان‌های دیگر وارد فارسی شده‌اند، می‌شناسند. به منظور افزایش جاذبه‌ی استفاده از این کتاب، برای حدود ۱۸۰ واژه مانند آسمان، پستانداران، بینایی، آتش‌فشان، جهان و... مقاله‌های علمی داده شده است که در انجام تحقیقات دانش‌آموزی و آموزش روش تحقیق می‌تواند مفید باشد.
- * «فرهنگ فارسی مهتاب»، حاوی بیش از ۸۰۰۰ واژه و یک اطلس جغرافیایی، نوشته‌ی مهناز عسگری و مهدی ضرغامیان فرهنگ فارسی مهتاب، فرهنگی ساده با اطلاعات فراوان برای دانش‌آموزان چهارم و پنجم ابتدایی است. بچه‌ها در این کتاب، با معنای چندگانه‌ی واژه‌ها آشنا می‌شوند و نسبت به کاربرد واژه‌ها آگاهی می‌یابند. فرهنگ فارسی مهتاب دارای ضمیمه‌ی اطلس جغرافیایی است که بچه‌ها را با قاره‌ها و کشورهای جهان و نیز مناطق جغرافیایی آشنا می‌کند. این اطلس، راهنمای مفید و مناسبی برای بچه‌ها، به‌ویژه در پایه‌ی پنجم ابتدایی است.

* «دایرةالمعارف شغل‌ها»، تألیف احسان کاتبی

* «دایرةالمعارف قرآن»، تألیف غلامرضا حیدری ابهری.



مرگ تن هدیه است بر اصحاب راز

بخش دوم

بررسی امکان و چگونگی
توصیف مرگ برای کودکان دبستانی
با تأکید بر کودکان داغدیده

محمد عبداللهی ارفع

آموزگار دبستان علوی، کارشناس ارشد فلسفه‌ی تعلیم و تربیت

فصلنامه‌ی پژوهش‌های تربیتی

اشاره

در شماره‌ی قبل این مقاله، در دو بخش:

۱. بررسی چگونگی درک کودکان دبستانی از مفهوم مرگ ۲. مؤلفه‌های مفهوم مرگ برای آموزش به کودکان دبستانی ... و میزان توان کودک دبستانی در درک مفهوم مرگ بررسی گردید و بیان شد که کودکانی که در سال‌های پایانی دبستان (حدود ۱۰ و ۱۱ سال) قرار دارند، درکی کامل در حد بزرگسالان از مفهوم مرگ، می‌توانند داشته باشند. در این قسمت و در بخش‌های سوم و چهارم مقاله به ارائه‌ی راهکارهای مواجهه با کودکان دبستانی در ارتباط با مسئله‌ی مرگ پرداخته شده است. این مقاله‌ی دو بخشی، برگرفته از پایان‌نامه‌ی مؤلف آن برای اخذ درجه‌ی کارشناسی ارشد فلسفه‌ی تعلیم و تربیت از دانشگاه تهران است.

بخش سوم: راهکارهای پیشنهادی برای مواجهه با کودکان دبستانی در ارتباط با مسئله‌ی مرگ راهکار نخست: آماده‌سازی محیط طبیعی سوگواری و ایجاد فضایی پر از محبت

در این راهکار، نگاه ما معطوف به کودکانی است که دچار مشکل داغدیدگی در اثر از دست دادن یکی از نزدیکان درجه‌ی اول خود شده‌اند.

برای آماده‌سازی داغدیدگان خردسال ابتدا بی، مناسب خواهد بود که شرایط روانی و عاطفی کودکان داغدیده را بررسی کنیم. از این‌رو، به بیان یکی از روان‌شناسان که برای بررسی شرایط خاص عاطفی و روانی کودک داغدیده، تلاش کرده است، اشاره می‌شود:

هاسل^۱ (۲۰۰۰) در تحقیقی در ارتباط با شرایط روانی و عاطفی کودکان داغدیده که به منظور ارائه‌ی مشاوره و کمک به آنان انجام گرفته است، ۱۳ مورد از خصوصیات روانی و عاطفی این کودکان را ذکر کرده است که هر کودک داغدیده، همه یا برخی از این موارد را از خود بروز می‌دهد:

۱. شوک و مات‌شدگی: در اثر مرگ ناگهانی فرد محبوب، کودک

دچار نابوری و شوک می‌شود. طول مدت این حالت، از زمانی کوتاه تا چند ماه می‌تواند متغیر باشد، ولی میانگین آن، شش تا هشت هفته است.

۲. تغییرات زیست‌شناختی، مانند: خستگی، اشکال در خواب، کاهش یا افزایش اشتها، گلودرد، دل‌درد، سردرد، کپه‌زدن، گرفتگی ماهیچه‌ها، اختلال در تنفس

۳. خشم

۴. بی‌تفاوتی: غم، شاید آن‌قدر سنگین باشد که در ابتدا کودک نپذیرد.

۵. بازگشت به حالت دوران خردسالی و تمایل به جلب محبت زیادتر

۶. سعی در پرکردن جای فرد فوت شده.

۷. به‌هم ریختگی، اضطراب و کج خلقی و گریه برای هر موضوع بی‌ربط

۸. احساس گناه و سرزنش خود. شاید کودک گمان کند، رفتار او باعث مرگ عزیزش شده است.

۹. هیجان‌های انفجاری؛ ریشه در همان احساس گناه دارد که در

اثر آن کاملاً برآشفته و تحریک‌پذیر می‌شود.

۱۰. بدرفتاری، در اثر احساس محرومیت پس از مرگ عزیز از دست رفته

۱۱. ترس از مردن دیگران و این که نکند کسی نباشد از او مراقبت کند

۱۲. احساس آسودگی و تسکین و احساس این که فرد در گذشته، با مردن به آسایش رسیده است. البته این حالت، از لحاظ روانی، مثبت تلقی شده است و برای درک آن توسط کودک، مناسب است با او در این زمینه صحبت شود.

۱۳. احساس بی‌علاقگی به دیگران و ناراحتی: در اثر این احساس که فرد فوت کرده دیگر بر نمی‌گردد، نسبت به دیگران بی‌علاقگی نشان می‌دهد و آن‌ها را پس می‌زند.

اکنون سؤال اساسی این است که چگونه با کودکی که در چنین شرایطی روحی سختی است، می‌توان از شناخت مرگ سخن گفت و مؤلفه‌های شناختی مقوله‌ی مرگ را برای او بازگو کرد، آن هم از نگاهی که با مفاهیم اسلامی هم‌آهنگ باشد. او به هم ریخته و سردرگم است و تلاش برای فهماندن مفاهیم به او (آموزش دادن) کاری بیهوده و چه بسا خطرناک است و ممکن است به جای همراه شدن با ما، از ما فاصله بگیرد و یا واکنش‌های غیرقابل پیش‌بینی دیگری انجام دهد، که در بالا به آن‌ها اشاره شد.

پس چه باید کرد؟

والدین و سرپرستان کودکان دبستانی داغ‌دیده، باید محیطی طبیعی و متناسب با شرایط مسئله‌ی مرگ مهیا کنند. بدین معنا که عزیزی که ما همگی دوستش داشتیم از بین ما رفته است و ما محزون هستیم. خنده خیلی کم و لبخند در موارد ضروری مانند دل‌داری دادن یا در آغوش کشیدن فرزندان وجود دارد. گاهی گریه و حتی گریه‌های بلند اطرافیان، توسط کودک داغ‌دیده شنیده می‌شود. پس محیط، محیطی طبیعی جهت سوگواری برای مرگ یکی از نزدیکان است و کودک ممکن است از گریه‌ی مادر یا خواهر، گریه‌اش بگیرد و این امری طبیعی است. کودک احساس می‌کند ما در حال گذران دوران اندوه هستیم. خصوصاً از طریق مجالسی که در ایران مرسوم است مانند: خاک‌سپاری، روز سوم، روز هفتم و چهلم او را باید با این موضوع، آشنا کنند و بگذارند کودک داغ‌دیده خود به آن چه نیاز دارد با استفاده از این محیط‌های طبیعی دست یابد و از اطراف خود آن چه را نیاز فعلی‌اش است، فرا گیرد و انجام دهد.

در واقع «ما می‌خواهیم کودک را به‌طور طبیعی به سمت سوگواری سوق دهیم و به او کمک کنیم تا با ابراز احساسات

خود نسبت به عزیز از دست رفته، در فرآیندی طبیعی، عزاداری کند» (همان، ص ۵۲). به‌طور واضح یعنی **خود کودک، از طریق مشاهدی وقایع و حالات اطرافیان، آموزش ببیند که چگونه باید با مرگ یک عزیز از دست رفته، خود را تطبیق دهد.** در این شرایط، اطرافیان او را فقط در جریان طبیعی حوادث، همراهی می‌کنند و به عنوان حامی، او را در طی کردن شرایط سخت سوگواری و ابراز احساسات نسبت به فرد فوت‌شده، یاری می‌دهند. اما آن چه در این هنگام پس از آماده‌سازی محیط طبیعی برای سوگواری اهمیت دارد، موضوع **محبت بین بازماندگان و کودک** است؛ چرا که در این دوره «کودک نیازمند روابط نوازش‌گرانه (محبت‌آمیز) است» (همان، ص ۵۵). در این شرایط، لازم است «زمینه‌ای فراهم شود که کودکان با گرمی، درک و پذیرش بیشتری مورد توجه قرار گیرند» (همان، ص ۵۹). در این‌جا، هنگام پاشیدن بذر محبت در میان بازماندگان است که نه تنها برای کودک داغ‌دیده ضروری است، بلکه





برای افراد دیگر خانواده نیز مفید خواهد بود. بنابراین در این جا تهدید به فرصت تبدیل شده و با پاشیدن بذر محبت در محیطی طبیعی، احساس تعلق کودک به بقیه‌ی اعضای خانواده تحکیم و تثبیت می‌شود؛ از طرفی مریسان و اطرافیان کودک «نباید با افراط در محبت کردن، رفتارهای کودکانه‌ی او را تقویت کنند، بلکه باید تعادل در محبت‌ورزی رعایت شود» (همان، ص ۵۵). چنین خانواده‌ای است که به گفته‌ی **آدامز**، خانواده‌ی سالمی است. یعنی خانواده‌ای است که «آثار مرگ عزیز از دست رفته را تحمل کند و عزاداری در این خانواده مسیر خود را طی کرده و افراد آن، به بازسازی هویت‌های خود موفق می‌شوند.» آنچه در این راهکار، تحت عنوان آماده‌سازی فضای محبت‌آمیز برای برخورد با کودک داغ‌دیده بیان شد، قابل توجه و توصیه برای تمام مراحل کودکی است و اختصاص به مرحله‌ای خاص ندارد و محدودیت سنی در اجرای این توصیه‌ها وجود ندارد.

در این جا باید این نکته‌ی مهم را یادآور شد که گاهی باید انتخاب مشاور متخصص در امر روان‌شناسی کودک را به عنوان راهکار مهم دیگری مطرح کرد، که چنان‌چه شرایط خطرناک روانی برای کودک ایجاد شده است، از صدمات سنگین بعدی بر روان کودک جلوگیری شود. به‌ویژه آن‌جا که «علائم زیست‌شناختی مانند: اشکال در خواب، کاهش یا افزایش اشتها، سردرد، کھیز زدن و... در اثر سوگ، بروز می‌کند. در این حال بهترین کار، مشورت با پزشک است» (هاسل، ص ۵۴).

راهکار دوم: پاسخ‌گویی ساده، فقط به سؤالات طرح شده توسط کودک

در این راهکار، عموم کودکان دبستانی مدنظر بوده و اجرای این راهکار صرفاً مخصوص کودکان داغ‌دیده نیست.

در این راهکار، کودک در هر حدی از کنجکاوی که قرار دارد به تناسب، سؤالاتی را عنوان می‌دارد. فردی از خانواده باید پاسخ‌گویی به سؤالات وی را برعهده بگیرد که از بقیه‌ی افراد خانواده از لحاظ آشنایی با مسائل روان‌شناسی کودک، از لحاظ آگاهی‌های عمومی، از لحاظ طرز صحبت؛ خوب و دلنشین‌تر باشد. نکاتی در این پرسش و پاسخ مطرح است که در زیر به آن‌ها اشاره می‌گردد:

۱. فقط به سؤالات طرح شده از طرف کودک پاسخ گفته شود و همان‌طور که پیشتر به نقل از هاسل بیان شد: «اگر در جواب کودک، پاسخ سؤالی را نمی‌دانیم، لازم است صادق باشیم و بگوییم نمی‌دانیم.» یعنی در پاسخ‌گویی به کودکان به هیچ‌وجه در جواب‌ها از نکات کذب یا غلط استفاده نشود که آثار مخرب بسیار زیادی خواهد داشت.
۲. استفاده از داستان‌هایی که بتواند واقعیت مرگ عزیز از

دست‌رفته را تا حدی که نیاز کودک داغ‌دیده است، مطرح سازد. به عنوان مثال، برای توضیح مفهوم بقای روح که در سومین و چهارمین گزاره از مفاهیم مرگ از منظر **علامه طباطبایی** به آن اشاره شده بود، می‌توان از روش بیان داستان استفاده کرد.

علامه **کرباسچیان**^۲ در کتاب «وصایای تربیتی» چنین می‌گوید: «برای اثبات بقای روح، در هر جلسه شواهدی زنده را بیان می‌کردیم، مثل این که فردی که از دنیا رفته بود، به خواب کسی می‌آمد و او را از امری مخفی که هیچ اطلاع نداشت، خبر می‌داد و بعد در بیداری آن‌چه را گفته بود، بدون کم و زیاد، می‌دیدند» (ص ۱۱۷).

هم‌چنین برای درک بقای روح که عامل مهمی برای درک حقیقت مرگ است، داستان‌های دیگری وجود دارد که بیان شیوا و شیرین آن‌ها به‌طور غیرمستقیم، بسیاری از سؤالات کودک را برطرف خواهد کرد.

۳. در گفت‌وگو با کودکان راجع به مفهوم مرگ و پاسخ‌گویی به سؤالات آنان، هم باید به میزان درک آن‌ها از مفهوم مرگ توجه داشت و هم به گزاره‌های مفهوم مرگ از منظر اسلام آگاهی داشت و از آن‌ها در پاسخ‌گویی به سؤالات کودکان استفاده کرد. این‌جا لازم به تذکر است که استفاده‌ی کامل از این مؤلفه‌ها در پاسخ به سؤالات کودکان، طبق تحلیل انجام شده در این پژوهش، برای کودکان ۱۰ و ۱۱ ساله (سال‌های پایانی دبستان) امکان دارد. در این‌جا به جهت تشریح بیشتر این مسئله، برخی از سؤالاتی را که ممکن است در ذهن کودکان و در ارتباط با مرگ نقش ببندد، بیان کرده و براساس گزاره‌های مفهوم مرگ از منظر علامه طباطبایی پاسخ می‌دهیم. بدیهی است، پاسخ‌های ارائه شده در این قسمت، جهت گفت‌وگو با کودکانی است که در سال‌های پایانی دبستان قرار دارند.

برخی از سؤالاتی که ممکن است کودکان درباره‌ی مرگ بپرسند، عبارتند از:

۱. انسان‌ها با مرگ به کجا می‌روند؟
 ۲. در زیر خاک چه اتفاقی برای انسان می‌افتد؟
 ۳. مردن چگونه است؟
 ۴. آیا انسان مرده، صدای ما را می‌شنود و ما را می‌بیند؟
 ۵. وقتی کسی می‌میرد، چه کسی او را با خود می‌برد؟
- پاسخ به سؤال اول را می‌توان از منظر علامه طباطبایی به این صورت بیان کرد: «انسان پس از پایان زندگی خود در این دنیا، به سوی خدا برمی‌گردد» (ترجمه‌ی لاریجانی، ص ۶۳). یعنی مرگ، بازگشت به سوی خدا و رفتن به نزد خدای مهربان معرفی شود. هم‌چنین می‌توان چنین گفت: «مرگ هم‌چون پلی است برای انتقال مؤمن به بهشت» (همان، ص ۶۵).

در پاسخ به سؤال دوم می‌گوییم: «آن‌چه در جریان مرگ از بین

می‌رود فقط جسم خاکی است و حقیقت انسان که همان روح اوست، تمام و کمال به آخرت منتقل شود.» (همان، ص ۶۵) و نیز می‌توان چنین گفت: «جسم انسان‌ها در زیر خاک می‌ماند و خاک می‌شود، ولی خود انسان (روح انسان) به سوی خدا می‌رود و در زیر خاک نمی‌ماند و از نعمت‌های الهی بهره‌مند می‌شود، همان‌طور که وقتی خواب هستیم، اگر خواب خوبی ببینیم و لذت ببریم، در واقع این روح ماست که دارد لذت می‌برد؛ فرد فوت شده نیز با روح خود می‌تواند لذت‌های بعد از مرگ را درک کند و این سخن براساس مشابَهت خواب و مرگ قابل بیان است و علامه هم این مشابَهت را با ذکر حدیثی یادآور می‌شود و می‌گوید: «مرگ خوابی است که هر شب به سراغتان می‌آید، الا این که طولانی‌تر است و شخص از آن بیدار نگردد، مگر روز قیامت. حال برای کسی که در خواب خویش شادی‌های وصف‌ناپذیر و ترس‌های بی‌اندازه می‌بیند، این شادی و ترس چگونه است؟ مرگ هم همین‌طور است» (همان، ص ۶۶).

در پاسخ به سؤال سوم باز هم براساس همان منبع، می‌توان گفت: «مرگ نابودی نیست، بلکه هم‌چون دور افکندن لباس چرکین و پوشیدن بهترین لباس هاست و یا هم‌چون پلی است برای انتقال مؤمن به بهشت» (همان، ص ۶۴ و ۶۵).

می‌توان از تشبیه خارج کردن لباس چرکین و پوشیدن بهترین لباس‌ها بهره برد.

در پاسخ به سؤال چهارم که آیا انسان مرده، صدای ما را می‌شنود و ما را می‌بیند؟ همان‌طور که پیش از این مثالی در ارتباط با داستان گویی ذکر شد، می‌توان پاسخ مثبت به این سؤال را همراه با بیان داستان‌هایی برای کودک توضیح داد. پاسخ به این سؤال براساس مفهوم بقای روح است.

به سؤال پنجم، «وقتی کسی می‌میرد چه کسی او را با خود می‌برد؟» نیز باید بر مبنای روایات پاسخ داد. می‌گویند: «آن که روح انسان‌ها را در زمان مرگ از جسم جدا می‌کند و به آخرت منتقل می‌کند، خداست که این کار را با خود انجام می‌دهد و یا به واسطه‌ی ملک‌الموت و فرشتگان دست‌یار او انجام می‌دهد» (همان، ص ۶۶). در این‌جا عامل انتقال انسان‌ها از این دنیا به دنیای دیگر، خدای مهربانی توصیف شده که خالق و خیرخواه همه‌ی انسان‌هاست.

بخش چهارم: بحثی درباره‌ی کودکان هفت تا نه ساله:

همان‌طور که ذکر شد، کودکان هفت تا نه ساله که در سنین دبستان هستند، هنوز به حدی از توانایی و درک نرسیده‌اند که بتوان مؤلفه‌های انتزاعی مفهوم مرگ را برای آن‌ها بازگو کرد.

بنابراین، در گفت‌وگو با کودکی که در سنین ابتدایی دبستان قرار دارد، نباید روی رابطه‌ی بین مفاهیم مربوط به مرگ تأکید کرد. مثلاً نباید تأکید کرد که «چون قلب و مغز فرد فوت شده از کار افتاده است، او دیگر حرکت نمی‌کند و احساس هم ندارد»، چرا که کودک در این مرحله، طبق نظر **کان**، توان درک رابطه‌ی این مفاهیم را ندارد و تنها هر کدام از این مفاهیم را به‌طور مستقل می‌تواند بفهمد.

در پایان به دو جلوه از رویکرد **آموزش دیدن**، در مقابل آموزش دادن، اشاره می‌شود که در دو راهکار بالا مدنظر بودند. جلوه‌ی اول که در راهکار نخست ذکر شد، عبارت بود از قراردادن کودک در شرایط طبیعی سوگواری، که در اثر قرار گرفتن در محیط، او با مشاهده‌ی عزاداری و ابراز احساسات دیگران، آموزش می‌بیند که چگونه باید با پدیده‌ی مرگ یک عزیز، خود را تطبیق دهد.

جلوه‌ی دوم از رویکرد آموزش دیدن، عبارت بود از انتقال مفاهیم مربوط به کودکان، در زمانی که خود آنان سؤالی را طرح می‌کنند و پرسشی درباره‌ی مرگ در ذهن دارند.

پی‌نوشت

1. Haasl

۲. علی اصغر کرباسچیان، معروف به علامه، مؤسس مدرسه‌ی علوی تهران، وفات ۱۳۸۲.

منابع

۱. آدامز، ۱۹۸۵، **کودکان محروم از پدر**، ترجمه خسرو باقری و محمد عطاران، (۱۳۷۰)، انتشارات تربیت، تهران.
۲. تابیر، ادوارد، ۱۹۵۰، **بچه‌های طلاق**، ترجمه‌ی تورالدخت تمدن، (۱۳۸۴)، نشر دایره، چاپ چهارم، تهران.
۳. صدوق، محمد، معانی الاخبار، (۱۳۶۱)، انتشارات اسلامی، قم.
۴. طباطبایی، سیدمحمد حسین، **الانسان**، ترجمه‌ی صادق لاریجانی، (۱۳۷۰)، انتشارات الزهراء، تهران.
۵. کرباسچیان، علی اصغر، (۱۳۸۳)، **وصایای استاد** (رهنمودهای تربیتی استان کرباسچیان) نشر آفاق، چاپ اول.
۶. منصور، محمود، (۱۳۷۸)، **روانشناسی ژنتیک**، انتشارات سمت، تهران.
۷. ناصری دریانی، مسعود، (۱۳۷۷)، **پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، بررسی مفاهیم زندگی و مرگ در کودکان و مقایسه‌ی آن با کودکان نابینا**، دانشگاه تهران، دانشکده‌ی روانشناسی و علوم تربیتی.
۸. هاسل، بت و مارنوجا، جین، ۲۰۰۰، **مشاوره با کودکان داغ‌دیده**، (۱۳۸۰)، ترجمه‌ی ادیب‌زاده، نشر رشد، چاپ اول.
9. Athony. s. (1939). A study of the development of the cocept of death. Brithsh journal of Educational psychology-9.
10. Kane. B. (1979). children's concepts of death. Journal of Genetics psychology 134.
11. Kubler & Ross. E. (1983). Chlidren and death. Newyork.
12. Lipman, Matthew, Thinking Ghildren and Education, U.S.A: Kendall/Hunt Publishing company, 1993.
13. Paul Edwards, The Encyclopedia of philosophy, Death, Vol 2.
14. Speece & Brent. s (1984). children's understanding of death Areview of three components of death concept child Development. 55

مقالات و وبگاه‌ها

۱. کریمی، عبدالعظیم، ۱۳۷۱، مقاله‌ی تحول مفهوم مرگ نزد کودکان و نوجوانان، مجله‌ی اطلاعات علمی
۲. محمدزاده، رضا، مقاله‌ی آموزش فلسفه به کودکان. <http://www.p4c.org.ir/fa>
۳. کوپلر راس، ۱۳۷۸: برگرفته از وبگاه: <http://ghosts.mylivepag.com/blog/index>
۴. کورنر، ۱۳۷۰، ص ۸۱، برگرفته از وبگاه: <http://www.fakouhi.com/node/163>
۵. وبگاه مرکز اطلاعات علمی ایران: <http://dbase.irandoc.ac.ir>

همه چیز درباره‌ی خاک

فقط یک زمین داریم

زری آقاجانی

دانستنی‌هایی درباره‌ی محیط‌زیست برای آموزگاران

اشاره

در سه شماره‌ی اول این سلسله مطالب درباره‌ی آموزش محیط‌زیست و شیوه‌های رایج در این آموزش‌ها نکاتی را یادآور شدیم. هم چنین در دو شماره‌ی قبلی درباره‌ی آب و نیز هوا، دانستنی‌هایی را برای آموزگاران ارائه دادیم که امیدواریم در آموزش‌های مدرسه‌ای محیط‌زیست به کارشان بیاید. در این شماره، اطلاعات مختصری درباره‌ی خاک داده شده است.

«به درستی که ما شما را از خاک آفریدیم.»

سوره‌ی حج، آیه‌ی ۵

را برای باروری از دست بدهد، قطعاً قحطی و گرسنگی، مردم و جانوران آن منطقه را تهدید خواهد کرد.

همان‌طور که درباره‌ی منابع دیگر ذکر شد، اگر از خاک هم اصولی و صحیح استفاده شود، منبعی تمام‌نشدن است و می‌تواند پشتیبانی خوبی برای توسعه‌ی پایدار هر کشور به‌شمار رود.

عوامل فرسایش خاک

رشد جمعیت باعث بهره‌برداری بیش از حد از خاک برای تولید بیشتر می‌شود و استفاده‌ی بی‌رویه از مراتع به عنوان چراگاه، بوته‌کشی و قطع درختان به منظور تأمین مواد سوختی، استفاده‌ی نامناسب از کودهای شیمیایی در زمین‌های کشاورزی شده، باعث

یکی از عناصر دیگر محیط‌زیست، خاک است. در کتاب «اجتماعی» پایه‌ی سوم ابتدایی آمده است: «خاک سرمایه‌ی ملی است.» این جمله به ما این هشدار را می‌دهد که باید در حفظ خاک بسیار کوشید. آیا فقط به دلیل این که این عنصر متواضع همیشه در زیر پای ماست، باید مورد کم‌لطفی آدم‌ها واقع شود؟ البته که نه! زیرا خاک منبع عظیم برکت و منشأ ادامه‌ی بقا و زیست در کره‌ی خاکی است.

خاک جزو منابع غیر جان‌دار مانند هوا و آب است. چون خاک در رشد کشاورزی، کیفیت محصولات، رشد و توسعه و خودکفایی هر کشوری مهم است، می‌بایست توجه زیادی برای حفظ کیفیت و سلامت آن صورت گیرد. در صورتی که خاک، شرایط و مطلوبیت خود



۸ گام برای حمایت دوباره از خاک

زمین مانند مادری مهربان از طریق تأمین غذا برای ساکنین خود، مهرش را به ما تقدیم و همچنین با منابع گوناگون خود، نیازهای غیرخوراکی ما را برآورده می‌کند. انسان با کشاورزی و دامداری به بهره‌کشی مفرط از زمین پرداخت. تا زمانی که جمعیت زیاد نبود، زمین به راحتی از عهده‌ی نیازهای او برمی‌آمد، اما با پیشرفت جمعیت، خواسته‌های انسان‌ها بیشتر و بیشتر شد تا جایی که دیگر جانی برای زمین مهربان و بخشنده نمانده است. اما هنوز دیر نیست، همین انسان‌های پرخواسته، می‌توانند دوباره بخشندگی و رویش را به زمین برگردانند، اگر فقط چند گام عقب‌نشینی کنند.

گام ۱: کودهای شیمیایی آلی و طبیعی مانند کود سبز و کود حیوانی جای‌گزین کود

شیمیایی شوند.

گام ۲: در صورت نیاز به کود شیمیایی، مصرف آن باید متناسب با شرایط آب و هوا، خاک و نوع محصول باشد.

گام ۳: با ایجاد آزمایشگاه‌ها، همیشه سلامت خاک کنترل شود تا مواد اضافی اجازه‌ی حضور در آن نداشته باشند.

گام ۴: جلوی عوامل فرسایش خاک گرفته شود. نباید جنگل‌ها را به زمین‌های زراعی تبدیل کرد، با حذف جنگل‌ها و پوشش‌های گیاهی، انسان عملاً به بیابان‌زایی کمک می‌کند. نباید از مراتع بیش از حد استفاده کرد.

گام ۵: از گیاهانی برای کشت استفاده شود که به آفات و امراض مقاوم‌تر هستند. در این صورت نیاز به آفت‌کش‌ها بسیار محدود می‌شود. همچنین با روش مبارزه‌ی بیولوژیکی، جمعیت

آفات گیاهی از طریق تکثیر حشره‌ی صیاد به راحتی قابل کنترل است.

گام ۶: بهتر است پسماندهای مواد غذایی و میوه‌ها و یا پسماندهای باغبانی را به صورت کود کمپوست درآورده و دوباره استفاده کرد.

گام ۷: از شوینده‌ها و افشانه‌های کمتری در منازل استفاده شود و حتی المقدور جای‌گزین‌های بی‌خطر آن‌ها به کار برده شود.

گام ۸: به کشاورزان، نحوه‌ی کشت و برداشت از زمین به صورت مناسب آموزش داده شود. یکی از راه‌های مبارزه با آفات، روش مبارزه‌ی تلفیقی است که از مبارزه‌ی زراعی، مکانیکی، بیولوژیکی و شیمیایی به صورت گام به گام و یا هم‌زمان استفاده می‌شود. کشاورزان می‌بایستی آگاهی حرفه‌ای پیدا کنند تا باعث آلودگی خاک، هوا و آب نشوند.

نابودی خاک، گیاهان و هوموس^۱ می‌شود که مهم‌ترین نگهدارنده‌ی خاک است.

آلاینده‌های خاک

تراکم یک یا چند عنصر شیمیایی در محیط خاک، به‌طوری که در خواص فیزیکی، شیمیایی و بیولوژیکی خاک اختلال ایجاد کند، باعث آلودگی خاک می‌شود. آلاینده‌های خاک را می‌توان به چند دسته تقسیم کرد:

*** آلودگی به وسیله‌ی زباله:** هر لحظه بر تعداد انسان‌ها افزوده می‌شود، بنابراین هر لحظه، نیاز به تولید نیز بیشتر می‌شود. با تولید و مصرف بیشتر، انسان‌های زباله‌ساز، زباله‌ی بیشتری تولید می‌کنند که عواقب آن در محیط‌زیست بارز است.

وجود زباله در خاک، به رشد گیاهان و سرسبزی مراتع آسیب می‌رساند و اگر دام‌ها در چراگاه‌ها از این زباله‌ها مصرف کنند، بیماری‌های گوناگون شیوع پیدا می‌کنند. در برخی شهرها با دفن غیراصولی زباله، بدون بررسی‌های بهداشتی باعث می‌شوند که شیرابه‌ی زباله وارد آب‌های زیرزمینی شود و چاه‌ها را آلوده سازد. همچنین دفن زباله‌ها در نزدیکی مراتع و چراگاه‌ها، در کیفیت خاک

حاوی میکروب‌ها و انگل‌های فراوان باشد. درباره‌ی کود سبز هم باید گفت که برای تقویت خاک یک مزرعه، ابتدا در آن گیاهانی مثل یونجه، شبدر، شنبلیل می‌کارند و پس از سبز شدن، آن‌ها را زیر خاک می‌کنند. این گیاهان پس از زیر خاک رفتن، ازت ذخیره شده در ریشه‌هایشان را به خاک می‌دهند و شاخ و برگ آن‌ها نیز مواد آلی به خاک اضافه می‌کنند.

کمپوست از پوسیدن مواد دامی و گیاهی، پسماندهای غذایی، پسماندهای میوه‌ها و محصولات کشاورزی و زواید و فضولات غیرقابل مصرف دامی تهیه می‌شود. افزودن

و رویش گیاهان، اثر بسیار نامطلوب دارد. از همه مهم‌تر این که زباله‌های اتمی را نمی‌شود در هر جایی دفن کرد، زیرا از خود اشعه ساطع می‌کنند و باعث بروز مشکلات و بیماری برای مردم و جان‌داران منطقه می‌شوند.

*** آلودگی از طریق سموم و کودهای شیمیایی:** امروزه برای جبران مواد غذایی از دست رفته، به خاک کود اضافه می‌کنند. کودها ممکن است شیمیایی یا طبیعی (فضولات دام‌ها و پرندگان یا انسان، کمپوست و کود سبز) باشند.

در میان کودهای طبیعی بهتر است از کود انسانی استفاده نشود؛ زیرا ممکن است



کشاورزی ارگانیک و سلامت خاک

کشاورزی ارگانیک، کشاورزی بدون مصرف کود شیمیایی است. مردم زیادی به تولید محصولات آلی و کشاورزی ارگانیک علاقه مند هستند. به دلیل استفاده‌ی بیش از حد از کودهای شیمیایی و سموم دفع آفات و آثار زیان بخش آن بر خاک، آب و هوا و سلامت انسان؛ متخصصان علوم کشاورزی به دنبال روش‌هایی هستند که محصولات سالم‌تر و بیشتری تولید کنند. یکی از این روش‌ها کشاورزی ارگانیک (یا زیستی، بیولوژیکی و پایدار) است که در تولید و فراوری محصولات آن، از کودهای شیمیایی، سموم، هورمون‌ها و دست‌کاری‌های

ژنتیکی استفاده نمی‌شود و همه‌ی مراحل تقویت زمین، کاشت، داشت و برداشت با استفاده از موارد طبیعی مانند کود سبز، کمپوست‌ها، حشرات سودمند و میکروارگانیسم‌های مفید انجام می‌شود. کشاورزی ارگانیک، در واقع به نوعی مدیریت منابع زیستی و تولید محصولات کشاورزی، به روشی کاملاً پایدار و مطابق با اکوسیستم است که در آن، سلامت خاک، گیاه، انسان و سیاره‌ی زمین به عنوان یک موجود زنده‌ی یک پارچه، اصول پایداری زیستی، کمیت و کیفیت محصولات از تولید تا فراوری و انتقال به مصرف کننده، مدنظر است. آن‌چه که امروزه سبب رشد کشاورزی

کمپوست به خاک، باعث تقویت خاصیت فیزیکی آن می‌شود.

تا این‌جا دیدیم که کودهای طبیعی به جز فضولات انسانی، نه تنها خطر آفرین نیستند، بلکه مفید نیز هستند. اما روی دیگر سکه، کودهای شیمیایی هستند که آن‌ها نیز اگر به‌جا و به مقدار مناسب استفاده شوند خطری ندارند، اما چون مصرف آن‌ها در کشاورزی از حد مجاز گذشته، باعث آلودگی خاک شده است؛ زیرا استفاده از کود شیمیایی بیش از حد باعث افزایش ازت در خاک می‌شود که برای گیاه، دام و انسان‌ها بسیار خطرناک است.

دام‌ها با خوردن این گیاهان با ازت بالا، دچار سقط جنین، کاهش شیر و اختلال در رشد می‌شوند. در انسان‌ها مصرف این گیاهان باعث سرطان روده می‌شود و در صورت انتقال از طریق شیر مادر به نوزاد با اختلال در اکسیژن‌رسانی، باعث مرگ او می‌شود. در خود گیاه نیز باعث کاهش رشد و کاهش مقاومت گیاه در مقابل سرما و آفات می‌گردد.

در کنار کودها، استفاده از سموم دفع آفات، مانند آفت‌کش‌ها (ارگانو کلراین)، کرم‌کش‌ها، حلزون‌کش‌ها و قارچ‌کش‌ها تهدید بزرگی برای خاک به‌شمار می‌آید. هم‌چنین این سموم با تبخیر یا پراکنده شدن در هوا و آب، آلودگی ایجاد می‌کنند.

متأسفانه در یک چرخه‌ی جالب عوارض

ارگانیک شده است، تأثیر نامطلوب و اثرات باقیمانده و درازمدت مصرف انواع کودهای شیمیایی، سموم و هورمون‌های موجود در محصولات کشاورزی بر افراد و محیط‌زیست است. در کشاورزی سنتی و متعارف بیش از ۳۰۰ ترکیب شیمیایی خطرناک و مصنوعی نظیر آفت‌کش‌ها، علف‌کش‌ها و کودهای شیمیایی برای کنترل آفات و حشرات و حاصل‌خیزسازی خاک استفاده می‌شود که بقایای این مواد پس از ورود به بدن می‌تواند موجب مشکلات عدیده‌ای شود. متأسفانه در کشاورزی ارگانیک، محصولات محدود و قیمت آن‌ها گران است.

نسوز علاوه بر فواید، مضرات فراوانی هم برای جان‌داران دارد، زیرا غبار آزبست بیماری‌زا و یکی از عوامل تهدید محیط‌زیست به‌شمار می‌آید. بنابراین انسان‌ها باید در استفاده از آن بسیار محتاط باشند. یکی دیگر از عوارض حفاری، در معادن سرب و روی اتفاق می‌افتد. خاک به سرب آلوده شده از طریق گیاهان، وارد بدن جان‌داران و انسان‌ها می‌شود و عوارض خطرناکی را در بدن ایجاد می‌کند.

*** آلودگی ترکیبات نفتی:** متأسفانه ترکیبات نفتی که وارد خاک می‌شوند تحت سه عامل دما، نوع ترکیبات و مقدار اکسیژن تجزیه می‌شوند. خاکی که به مواد نفتی آلوده باشد، قابلیت رشد و نمو را از دست داده و حتی موجودات زنده‌ی آن نیز نابود می‌شود.

*** آلودگی توسط آب‌های روان:** آب‌های روان پس از عبور از نواحی آلوده، مواد آلوده‌ی صنعتی و خانگی را در خود حل کرده و با حمل آن به جاهای گوناگون باعث آلودگی خاک می‌شوند. هم‌چنین این آب‌ها با نفوذ به لایه‌ی عمیق زمین، علاوه بر آلودگی سطوح متفاوت خاک، آب‌های زیرزمینی را نیز آلوده می‌کنند

این سموم به بدن خود انسان‌ها برمی‌گردد. به عنوان مثال کرم‌های خاکی از خاک مسموم و بقایای گیاهان سم‌پاشی شده تغذیه می‌کنند، بعد پرندگان این کرم‌ها را می‌خورند و سپس انسان‌ها با خوردن این پرندگان، سموم را به بدن خود وارد می‌کنند!

*** آلودگی توسط شوینده‌ها:** متأسفانه مواد شوینده به دلیل وجود فسفات برای پاک‌کنندگی بیشتر و بهتر، از مضرترین آلوده‌کننده‌های خاک به‌شمار می‌روند؛ زیرا با نفوذ شوینده‌ها به رویه‌های گوناگون خاک نفوذپذیری خاک بیشتر شده و میکروب‌های بیشتری می‌توانند تا سطوح عمیق خاک برسند و حتی آب‌های زیرزمینی را دچار آلودگی سازند. بنابراین در چرخه‌های غذایی باز هم این آلودگی دامن‌گیر خود انسان می‌شود.

*** آلودگی در اثر هوای آلوده:** مواد سمی ناشی از آفشانده‌ها و دود ماشین‌ها از طریق باران، دوباره به خاک برگشته و باعث آلودگی آن می‌شود (به توضیحات شماره‌ی قبل مراجعه کنید).

*** فعالیت‌های معدنی:** حفاری‌ها باعث تخریب خاک می‌گردد و زندگی گیاهان و حیات وحش را با مخاطره روبه‌رو می‌سازد. امروزه برای به‌دست آوردن پنبه‌ی کوهی یا نسوز (آزبست) حفاری‌های زیادی انجام می‌شود. مطالعات نشان می‌دهد که پنبه‌ی

پی‌نوشت
۱. موجودات زنده‌ی خاک به کمک آب و هوا، مواد آلی موجود در خاک را تجزیه و ماده‌ی مناسب رشد گیاهان را تشکیل می‌دهند که به آن هوموس می‌گویند.

آشنا

آموزش ابتدایی

دوره ۱۵ - شماره ۶
اسفند ۹۰

موش های وارونه و سواد خواندن ۱۸ / سیدرضا رضوی قمی
قاب عکس خوش خطی ۲۳ / طاهره شیرخانی
علیرضا حرف نزن! ۲۳ / فردوس پاک دامن تهرانی
تغییر رفتار بدون کتک خوردن! ۲۴ / مصطفی عبدلی
پیام های قرآنی در رشد نوآموز ۲۶ / شکوه تقدسیان
چرا خانواده های آقای هاشمی تصادف نمی کنند؟ ۲۸ / مریم روزبهانی
با دوستی، یادگیری را آسان کنیم ۳۰ / اعظم فرازنده نیا
سایه ها به صف ۳۱ / سعیده اصلاحی
خاطرات به یاد ماندنی / اکرم السادات حسینی

تجربهای



سیدرضا رضوی قمی

موش‌های وارونه وسواد خواندن

راهنمای طرح پرسش از متون علمی و ادبی براساس فرآیندهای درک مطلب آزمون پرلز

اشاره

در سه سال گذشته، مطالب فراوانی را درباره‌ی سواد خواندن، روش‌های توسعه‌ی آن و مباحث علمی مرتبط با این مقوله چاپ کرده‌ایم. این مطالب، گستره‌ی وسیعی از روش‌های اجرایی مربوط به توسعه‌ی سواد خواندن تا تجربه‌های آموزگاران در کلاس‌های درس را در برمی‌گرفت. در این شماره مقاله‌ای را می‌خوانید که براساس متن پرسش‌های آزمون جهانی درک مطلب پرلز، تدوین شده است. مؤلف مقاله که کارشناس ارشد رشته‌ی تکنولوژی آموزشی است، مقاله را در شماره‌های آینده با بهره‌گیری از داستان‌های کتاب‌های «فارسی» چهارم و پنجم ادامه خواهد داد.

سرآغاز



آن آورده شده است تا خواننده درک کاملی از این فرآیندها به دست آورد و بتواند با طرح پرسش‌هایی که از سطح بازبایی اطلاعات به سطح ارزش‌یابی گسترده شده‌اند، به ارزش‌یابی از درک مطلب دانش‌آموزان در خواندن متن‌ها بپردازد.

معرفی اجمالی آزمون پرلز



مطالعه‌ی بین‌المللی پیشرفت سواد خواندن (پرلز) که توسط IEA، انجمن بین‌المللی ارزش‌یابی پیشرفت تحصیلی طرح‌ریزی شده است، مطالعه‌ی وسیعی است که سواد خواندن نوآموزان در سراسر جهان را بررسی می‌کند. این مطالعه با هدف سنجش پیشرفت سواد خواندن دانش‌آموزان و جمع‌آوری اطلاعات درباره‌ی تجارب یادگیری خواندن آن‌ها در خانه و مدرسه طرح‌ریزی شده است. نخستین ارزش‌یابی پرلز در سال ۲۰۰۱ به اجرا درآمد و در بین ۳۵ کشور شرکت کننده، ایران رتبه‌ی ۳۲ را به دست آورد. در سال ۲۰۰۶ نیز ایران در این برنامه شرکت کرد و در بین ۴۵ نظام آموزشی رتبه ۴۰ را به دست آورد.

تعریف سواد خواندن



پرلز سواد خواندن را به شرح زیر تفسیر می‌کند: «توانایی درک و استفاده از فرم‌های نوشتاری زبان که جامعه آن را درخواست می‌کند و یا فرد آن را ارزش‌گذاری می‌کند. نوآموزان با این توانایی می‌توانند معنای متون متفاوت را دریابند. آن‌ها برای یادگیری و شرکت در جامعه‌ی باسوادان یا برای سرگرمی و لذت می‌خوانند.» (کمبل، ۲۰۰۶)

در ارزیابی پرلز، برای طرح سؤال‌های درک مطلب از متون منتخب ارائه شده برای دانش‌آموزان از چهار نوع فرآیند درک مطلب زیر استفاده می‌شود:

۱. تمرکز و بازبایی اطلاعاتی که به صراحت در متن بیان شده‌اند

همان‌گونه که طبقه‌بندی هدف‌های آموزشی **بلوم** به معلمان کمک می‌کند به هنگام طراحی فعالیت‌های آموزشی و سنجشی خود، از هدف‌های بهتری استفاده کنند و از پرداختن به هدف‌های سطحی و تکراری بپرهیزند. آشنایی با فرآیندهای درک مطلب آزمون سواد خواندن «پرلز» نیز می‌تواند در طراحی پرسش از متون علمی و ادبی مورد استفاده‌ی مشابه قرار گیرد. توجه به فرآیندهای درک مطلب آزمون پرلز در طرح پرسش از متن‌های کتاب «بخوانیم» و یا متونی که دانش‌آموزان به عنوان فعالیت‌های ویژه مطالعه می‌کنند، می‌تواند از دو جهت مفید باشد:

۱. توسعه‌ی تفکر انتقادی، تحلیلی و افزایش مهارت‌های درک مطلب

۲. ارزش‌یابی از سطوح درک مطلب دانش‌آموز

این مقاله برداشتی است از مطالب کتاب «مجموعه داستان‌ها و سؤال‌های پرلز» سال ۲۰۰۱ و ۲۰۰۶ که توسط پژوهشگاه و مطالعات آموزش و پرورش منتشر شده است. در مقدمه‌ی این کتاب هدف انتشار این مجموعه به این ترتیب آمده است: «آشنا ساختن معلمان، کارشناسان آموزشی دوره‌ی تحصیلی ابتدایی، به‌ویژه معلمان درس زبان فارسی با اهداف، حیطه‌ها، روش‌ها و سطوح ارزش‌یابی پیشرفت تحصیلی در پرلز، تا از این طریق ضمن آگاهی از ملاک‌ها و ویژگی‌های تهیه و تدوین آزمون‌های استاندارد، طراحی روش‌های تدریس و ارزش‌یابی آموزشی شرایط لازم را برای کیفیت‌بخشی به فرآیند یاددهی و یادگیری فراهم آورند.» در همین راستا، هدف اصلی این مقاله، آشنایی معلمان با انواع فرآیندهای شناختی آزمون سواد خواندن پرلز است. علاوه بر تعاریف هر سطح از فرآیند درک مطلب آزمون پرلز، مثال‌هایی از پرسش‌های داستان موش‌های وارونه (یکی از داستان‌های پرلز ۲۰۰۱) به همراه متن

۲. استنباط‌های مستقیم

۳. تفسیر و تلفیق ایده‌ها و اطلاعات

۴. بررسی و ارزیابی محتوا، زبان و عناصر متنی

سواد خواندن با روخوانی تفاوت دارد!

«خواندن» به معنای عرفی کلمه همان روخوانی است اما «سواد خواندن» درک مطلب است، یعنی اولاً صحیح خواندن و فهمیدن و سپس تحلیل، تفسیر، استنتاج و پردازش است تا به تولید فکری بینجامد. تعریف سواد خواندن و ابعاد آن یکی از مهم‌ترین توانایی‌هایی است که دانش‌آموزان در طول یادگیری‌های خود در سال‌های اولیه دبستان کسب می‌کنند و این توانایی در رشد عقلانی، اجتماعی و عاطفی هر کودک نقش مؤثر دارد و اساس یادگیری آن‌ها را در دیگر موضوع‌ها فراهم می‌سازد. توانایی و مهارت خواندن، کودکان را قادر می‌سازد که بتوانند در جامعه‌ی خویش به‌طور فعال و آگاهانه مشارکت داشته باشند. بهره‌گیری از روش‌های خواندن فعال و درگیر ساختن دانش‌آموزان در فرآیند یادگیری خواندن از طریق متن‌های مورد علاقه و طرح سؤال‌های تفکر برانگیز، موجب می‌شود تا دانش‌آموز خواندن را، نه در حد یک تکلیف درسی، بلکه به منزله‌ی یک نیاز اساسی در زندگی خویش تلقی کنند. (گفت‌وگو با دکتر عبدالعظیم کریمی، مجله‌ی رشد معلم، دی‌ماه ۱۳۸۸)

شکل سؤال‌ها

در آزمون پرلز سؤال‌ها به دو صورت تشریحی و چهار گزینه‌ای طرح می‌شوند. نسبت میان این دو نوع سؤال با توجه به ویژگی‌های متن تفاوت است. اما در میانگین، این نسبت میان سؤال‌های چهار گزینه‌ای و تشریحی برابر است. سؤال‌های تستی یک نمره دارند و از نوع یک گزینه‌ی صحیح هستند. از آن‌جا که این گونه سؤال‌ها نمی‌توانند به خوبی به ارزش‌یابی از سطوح بالای شناختی بپردازند، در دو فرآیند تفسیر و تلفیق ایده‌ها و اطلاعات و بررسی و ارزیابی محتوا و عناصر متنی کمتر از سؤال‌های چهار گزینه‌ای استفاده می‌شود. سؤال‌های تشریحی می‌توانند



۱، ۲ یا ۳ نمره داشته باشند.

در این ارزیابی، مجموعه‌ای از سؤال‌ها که هر کدام به یک فرآیند مربوط می‌شود، ما را قادر می‌سازد تا توانایی و مهارت دانش‌آموز را در ساختن معنا از متون نوشتاری بررسی کنیم.

در ادامه به توضیح انواع فرآیندهای درک مطلب به همراه مثال‌هایی از داستان موش‌های وارونه پرداخته‌ایم.

نمونه سؤال‌ها

۱. چرا لاین می‌خواست از شر موش‌ها خلاص شود؟

(الف) او همیشه از موش‌ها بدش می‌آمد.

(ب) تعداد موش‌ها خیلی زیاد شده بود.

(پ) موش‌ها با صدای خیلی بلند می‌خندیدند.

(ت) موش‌ها تمام پنیرهایش را می‌خوردند.

پاسخ: تعداد موش‌ها خیلی زیاد شده بود.

در متن عبارتی که به‌طور مستقیم به سؤال بالا پاسخ بگوید، وجود ندارد، اما خواننده می‌تواند پاسخ آن را از خواندن بند دوم و سوم متن استنباط کند.

۲. چرا موش‌ها شب اول که از سوراخ‌های خود بیرون آمدند، با آرنج

به یکدیگر می‌زدند و با دست‌هایشان سقف را نشان می‌دادند؟

(الف) چون روی سقف، یک صندلی می‌دیدند.

(ب) چون به نظر آن‌ها لاین کار مسخره‌ای انجام داده بود.

(پ) چون پنیرهای توی تله‌ها را می‌خواستند.

(ت) چون از آن چه که دیده بودند، ترسیده بودند.

پاسخ: چون به نظر آن‌ها لاین کار مسخره‌ای انجام

داده بود. (پاسخ این سؤال را می‌توان در میان عبارت‌های بند پنجم داستان پیدا کرد.)

۳. یکی از جمله‌هایی را که نشان می‌دهد موش‌ها در شب دوم وحشت‌زده شدند، از میان جمله‌های متن پیدا کنید و در زیر بنویسید.

در متن داستان آمده است: «اما همین که چشمشان به سقف افتاد، ناگهان خنده‌هایشان قطع شد. یکی از موش‌ها فریاد زد: وای خدای من! آن‌جا را نگاه کنید. کف اتاق آن بالاست! موش دیگر جیغ کشید: «پناه بر خدا! ما حتماً روی سقف ایستاده‌ایم». یکی دیگر گفت: «سرم کم‌کم دارد گیج می‌رود». و دیگری گفت: «همه‌ی خون بدنم دارد توی سرم جمع می‌شود». سر دسته‌ی موش‌ها که سبیل‌های بلندی هم داشت، گفت این واقعاً وحشتناک است! ما باید فوراً کاری کنیم».

کلمات و عبارت‌های فریاد کشیدن، جیغ کشیدن، پناه بر خدا، وای خدای من، نشان‌دهنده‌ی حالت ترس موش‌ها است. حتی در ادامه‌ی گفت‌وگوی میان موش‌ها سردسته‌ی آن‌ها می‌گوید: «این واقعاً وحشتناک است!» که راهنمای روشنی برای برداشت احساس وحشت در میان موش‌ها است.

۴. چرا صبح روز آخر که لاین به اتاق آمد، کف اتاق پر از موش بود؟

(الف) چون موش‌ها برای مدتی طولانی روی سرش ایستاده بودند.

۱. تمرکز و بازایی اطلاعاتی که به صراحت در متن بیان شده‌اند

در سؤال‌های مربوط به این فرآیند خواننده به بازایی اطلاعاتی که به روشنی در متن بیان شده‌اند، می‌پردازد. این سؤال‌ها کاملاً هم‌گرا بوده و برای پاسخ به آن‌ها به اطلاعات زمینه‌ای و استنباط خواننده از متن نیازی نیست. پاسخ مدنظر بدون هیچ خلاء معنایی و به روشنی در متن بیان شده و خواننده باید آن را درون متن پیدا کرده، به عنوان پاسخ ارائه دهد.

نمونه سؤال‌ها

۱. لاین تله‌ها را کجا گذاشت؟

(الف) در یک سبد

(ب) نزدیک سوراخ موش‌ها

(پ) زیر صندلی‌ها

(ت) روی سقف اتاق

پاسخ: روی سقف اتاق

۲. لاین بعد از آن که صندلی را به سقف چسباند، چه کار کرد؟

(الف) لبخند زد و چیزی نگفت.

(ب) تعدادی تله موش خرید.

(پ) همه‌چیز را به سقف چسباند.

(ت) به موش‌ها مقداری پنیر داد.

پاسخ: همه‌چیز را به سقف چسباند.

۳. لاین وقتی موش‌ها را از کف اتاق جمع‌آوری کرد، آن‌ها را کجا ریخت؟

پاسخ: سطل زباله

روشن است که برای پاسخ‌گویی به این سؤال‌ها، خواننده تنها باید به متن داستان مراجعه کرده و پاسخ را از میان خطوط داستان پیدا کند. سؤال‌های مربوط به این فرآیند به لحاظ سطح دشواری جزو آسان‌ترین سؤال‌ها به‌شمار می‌آیند.

۲. استنباط‌های مستقیم

به هنگام خواندن متن، خواننده با قسمت‌هایی مواجه می‌شود که برای درک و فهم آن نیاز به تلفیق چند عبارت یا بخش از داستان است. این اطلاعات به‌طور مستقیم و به روشنی در متن اشاره‌ای نشده‌اند و

ب) چون لابن به موش‌ها زیاد پنیر داده بود.

پ) چون موش‌ها از سقف افتاده بودند.

ت) چون لابن به کف اتاق چسب زده بود.

با این که در داستان به صراحت به این سؤال پاسخ داده نشده است، ولی استنباط آن از میان چند عبارت پایانی داستان نسبتاً آسان است.

با بررسی سؤال‌های بالا متوجه می‌شویم که سؤال‌های این بخش از نوع سؤال‌های هم‌گرا هستند و پیوستگی زیادی میان پاسخ خواننده و متن وجود دارد. تفاوت آن با فرآیند اول در این است که این اطلاعات به روشنی در متن بیان نشده‌اند.

۳. تفسیر و تلفیق ایده‌ها و اطلاعات

مانند فرآیند قبل در این فرآیند نیز خواننده از سطح جملات یا عبارت فراتر رفته و به معنای نهفته در آن‌ها پی می‌برد. هنگامی که خواننده عقاید و اطلاعات موجود در متن را تفسیر و تلفیق می‌کند، بیش از زمانی که به استنباط‌های مستقیم دست می‌یابد به تجربه و دانش خود در آن زمینه نیازمند است. به این ترتیب پاسخ‌ها، با توجه به زاویه دید و نیز تجربه‌های خوانندگان درباره‌ی مسئله می‌تواند متفاوت باشد. به این ترتیب که ممکن است در پاسخ به یک سؤال فردی عملکرد قهرمان داستان را مطلوب ذکر کند و برای آن دلایل مشخص و البته منطقی بیاورد و فردی دیگر همان قهرمان را از زاویه‌ی دید خود فردی بی‌لیاقت و ناکارآمد ببیند و برای پاسخ خود دلایل قانع‌کننده‌ای ارائه دهد.

نمونه سؤال

۱. چرا لابن وقتی دید در تله‌ها موشی نیست، لبخند زد؟
۲. شب دوم موش‌ها فکر می‌کردند کجا ایستاده‌اند؟ آن‌ها در این باره چه تصمیمی گرفتند؟
۳. فکر می‌کنید گول زدن موش‌ها کار آسانی بود؟ برای پاسخ خود یک دلیل بنویسید.
۳. شما می‌توانید از روی کارهایی که لابن انجام می‌دهد، او را بشناسید و توضیح دهید او چگونه آدمی است؟ با دو مثال از کارهایی که انجام می‌دهد؛ نشان دهید او چگونه آدمی است؟
۵. خوانندگان در پاسخ به سؤال‌های بالا ممکن است پاسخ‌های متفاوت، اما درستی را ارائه دهند. برای مثال در پاسخ به سؤال ۳ ممکن است بعضی از خوانندگان، گول زدن موش‌ها را کاری دشوار و عده‌ای دیگر آن را کاری آسان تصور کنند. مانند:

- بله، به دام انداختن آن‌ها فقط دو شب طول کشید.
- خیر، او برای به دام انداختن آن‌ها دو شب تمام وقت صرف کرد.
- و یا در پاسخ به سؤال ۴، ممکن است خوانندگان پاسخ‌های درست، اما متضاد زیر را بدهند:
- لابن فرد نادانی است، زیرا برای کشتن چند موش تمام وسایل خانه را به سقف چسباند.

● لابن فرد زرنگی است، زیرا او توانست با نقشه‌ای که کشید از شر موش‌ها خلاص شود.

با توجه به نمونه‌ها و توضیحات ارائه شده، متوجه می‌شویم سؤال‌هایی که برای ارزش‌یابی این سطح به کار می‌روند پرسش‌هایی واگرا بوده و برپایه‌ی دیدگاه شخصی و تجربه‌های پیشین خواننده، می‌توانند متفاوت و در عین حال صحیح باشند.

۴. بررسی و ارزیابی محتوا، زبان و عناصر متنی

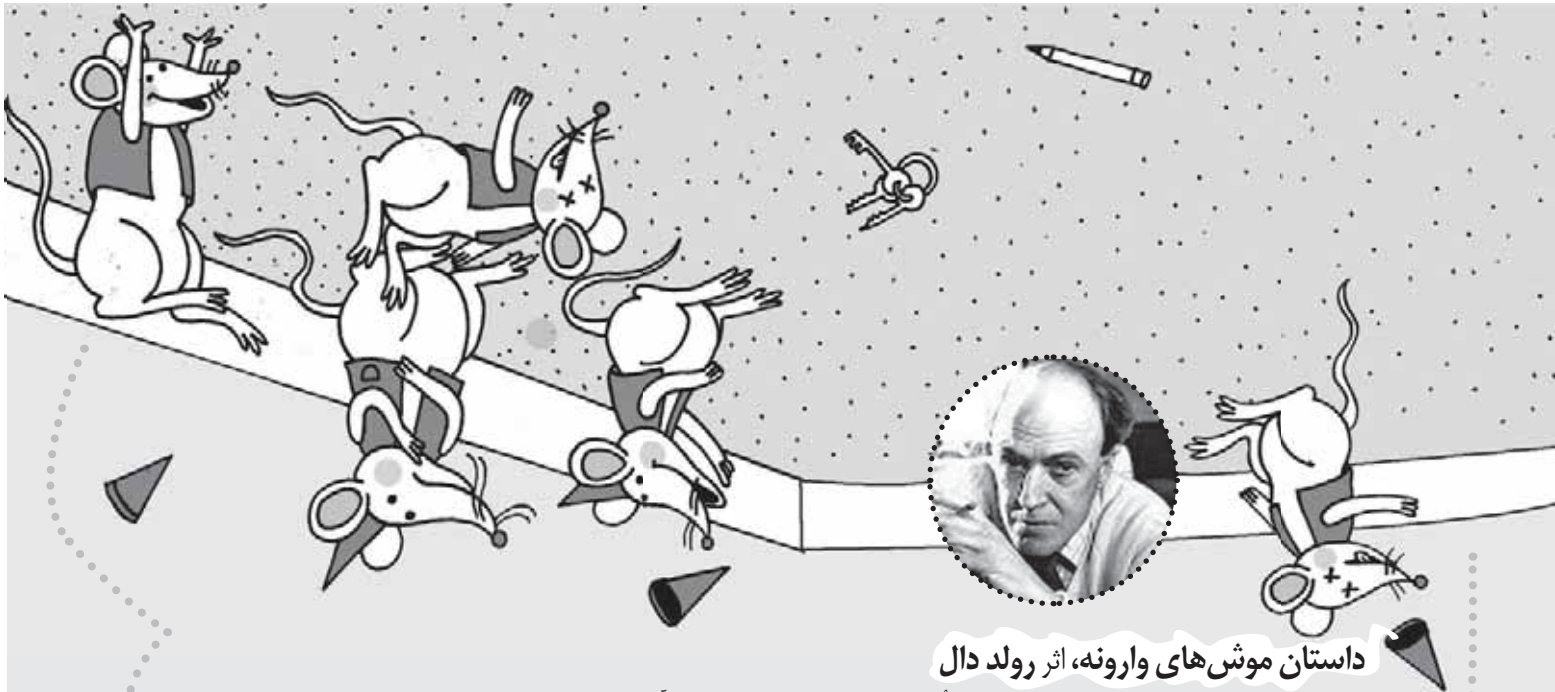
در این فرآیند، توجه خواننده به بررسی موشکافانه‌ی متن معطوف می‌شود و به اظهارنظر درباره‌ی آن با توجه به شناختی که از جهان دارد، می‌پردازد. خواننده، ممکن است پیام متن را یا رد یا تأیید کند و یا نسبت به آن بی‌طرف بماند. در این فرآیند، خواننده از فضای متن خارج شده و از بیرون به بررسی و ارزیابی آن می‌پردازد. خوانندگان با تعمق و تفکر درباره‌ی عناصر متن از قبیل ساختار و زبان و چگونگی ارائه‌ی اطلاعات، متن را ارزیابی می‌کنند. میزان تجربه‌ی خواندن در گذشته و آشنایی با زبان در این فرآیند از عوامل اساسی به‌شمار می‌آید.

نمونه سؤال

۱. داستان چگونه به شما نشان می‌دهند که از نظر موش‌ها چه اتفاقی داشت می‌افتاد؟
 - الف) با شرح دادن نظر لابن درباره‌ی موش‌ها
 - ب) با توصیف محل زندگی موش‌ها
 - پ) با تعریف کردن گفت‌وگوی موش‌ها با یکدیگر
 - ت) با توصیف کردن شکل و قیافه‌ی موش‌ها
۲. درباره‌ی کارهایی که لابن و موش‌ها در این داستان انجام دادند، فکر کنید. توضیح دهید چه مسئله‌ای این داستان را باور نکردنی می‌سازد؟
۳. کدام کلمات زیر بهتر از همه این داستان را توصیف می‌کند؟
 - الف) جدی و غم‌انگیز
 - ب) ترس‌ناک و پرهیجان
 - پ) خنده‌دار و زیرکانه
 - ت) تکان‌دهنده و اسرارآمیز

همان‌طور که مشاهده می‌کنید سؤال ۱ به بررسی و ارزیابی زبان و عناصر متن می‌پردازد. در این سؤال از خواننده خواسته می‌شود که به پرسشی درباره‌ی شیوه‌ی نویسنده در بیان آن‌چه داشت برای موش‌ها اتفاق می‌افتاد، پاسخ بگوید. سؤال ۲ و ۳ به بررسی و ارزیابی محتوای متن می‌پردازند. در سؤال ۲ از خواننده خواسته شده است برای غیرقابل باور بودن این داستان دلیل بیاورد و در سؤال ۳ از خواننده خواسته می‌شود کلماتی را که به بهترین شکل به توصیف محتوای داستان می‌پردازند، انتخاب کند.





داستان موش‌های وارونه، اثر رولد دال

روزی روزگاری پیرمرد ۸۶ ساله‌ای بود به نام لاین. او در تمام عمر، مردی ساکت، آرام، فقیر و بسیار شاد بود. تا این که، یک روز متوجه شد در خانه‌اش موش پیدا شده است. لاین اول اهمیتی به این موضوع نداد، اما وقتی موش‌ها زیاد شدند، کم‌کم نگران شد. سرانجام زمانی رسید که دیگر نتوانست این وضع را تحمل کند.

او با خودش گفت: «دیگر کافی است. این‌ها واقعاً شورش را درآورده‌اند.»

او لنگان‌لنگان از خانه بیرون رفت و از فروشگاه پایین خیابان چند تله‌موش، یک قالب پنیر و مقداری چسب مایع خرید. لاین وقتی به خانه رسید، زیر تله‌موش‌ها چسب مالید و آن‌ها را به سقف اتاق چسباند. آن وقت با دقت در هر کدام از تله‌موش‌ها مقداری پنیر قرار داد و آن‌ها را برای به دام انداختن موش‌ها آماده کرد. آن شب وقتی موش‌ها از سوراخ‌های خود بیرون آمدند و تله‌ها را روی سقف اتاق دیدند، این مسئله به نظرشان شوخی خنده‌داری آمد. آن‌ها همین‌طور که کف اتاق می‌گشتند، با آرنج به یکدیگر می‌زدند و با دست‌هایشان سقف را نشان می‌دادند و قهقهه می‌خندیدند. آخر به نظر آن‌ها، تله‌موش روی سقف اتاق خیلی مسخره بود. صبح روز بعد وقتی لاین وارد اتاق شد و هیچ موشی را در تله‌ها ندید، لبخندی زد، اما چیزی نگفت. او صندلی را برداشت، به ته پایه‌هایش چسب زد و آن را وارونه نزدیک تله‌ها به سقف اتاق چسباند. همین کار را با میز و تلویزیون و چراغ رومیزی هم کرد. او همه‌ی چیزهایی را که کف اتاق بود، برداشت و وارونه به سقف چسباند. او حتی یک فرش کوچک هم در کنار آن‌ها قرار داد. شب بعد وقتی موش‌ها از سوراخ‌هایشان بیرون آمدند، هنوز داشتند درباره‌ی آن چه شب قبل دیده بودند، می‌گفتند و می‌خندیدند، اما همین که چشم‌شان به سقف افتاد، ناگهان خنده‌های آن‌ها قطع شد. یکی از موش‌ها فریاد زد: «وای خدای من! آن‌جا را نگاه کنید. کف اتاق آن بالاست!» موش دیگری جیغ کشید: «پناه بر خدا! ما حتماً روی سقف ایستاده‌ایم.»

یکی دیگر گفت: «سرم کم‌کم دارد گیج می‌رود.»

و دیگری گفت: «همه‌ی خون بدنم دارد توی سرم جمع می‌شود.»

سر دسته‌ی موش‌ها که سیبل‌های بلندی هم داشت، گفت: «این واقعاً وحشتناک است! ما باید فوراً کاری کنیم.»

یکی از موش‌های کم‌سن و سال فریاد زد و گفت: «اگر مجبور باشیم روی سرم بایستم غش خواهیم کرد!»

— من هم همین‌طور!

— من دیگر نمی‌توانم تحمل کنم.

— کمک! یک کسی، زود یک کاری بکن!

موش‌ها داشتند کلافه می‌شدند. باز همان سردسته‌ی موش‌ها گفت: «من می‌دانم چه کار باید کرد. ما همگی روی سرمان می‌ایستیم در آن صورت درست ایستاده‌ایم.» موش‌ها همه اطاعت کردند و روی سرهایشان ایستادند. بعد از مدتی خون زیادی به مغزشان سرازیر شد و یکی‌یکی از حال رفتند. صبح روز بعد وقتی لاین وارد اتاق شد، موش‌ها را دید که کف اتاق افتاده‌اند. او به سرعت تمام آن‌ها را جمع‌آوری کرد و در یک سبد ریخت. پس چیزی که باید به یاد داشت این است که: «هر وقت دنیا خیلی وارونه به نظر آمد، شما حواستان را جمع کنید و محکم روی پای خود بایستید»

بی‌نوشت

1. PIRLS

منابع

۱. مجموعه داستان‌ها و سؤال‌های پرلز ۲۰۰۱ و ۲۰۰۶، پژوهشگاه و مطالعات آموزش و پرورش
۲. سنجش فرآیند و فرآورده‌های یادگیری، دکتر علی اکبر سیف، نشر دوران
۳. مجله‌ی رشد معلم، شماره‌ی چهارم، دی‌ماه ۱۳۸۸

قاب عکس خوش خطی

طاهره شیرخانی



آموزگار مرکز درمان اختلالات یادگیری ستایش، بابلسر
دانش آموز پسری در پایه‌ی چهارم ابتدایی داشتم. او بسیار بدخط بود و کلمات را درشت و نارسا می‌نوشت. مادرش همیشه از نحوه‌ی نگارش فرزند گله‌مند بود و دوست داشت مشکل او حل شود. کارهای متنوعی از قبیل ردگیری کلمات نقطه‌چین، کامل کردن شکل‌های هندسی، کلمات ناقص، قیچی کردن شکل‌های گوناگون، تقویت عضلات انگشتان با دست‌ورزی و خمیربازی و مجاله کردن کاغذ و کارهای دیگری مانند نوشتن در فضا و روی شن را برای درمان نارسا نویسی او به کار گرفتیم، ولی هیچ کدام به اندازه‌ی قاب عکس خوش خطی مؤثر نبود. یک روز با کاغذهای رنگی، قاب‌های درازی درست کردم و روی دفتر مشق او طوری چسباندم که داخل هر قاب یک جمله یا دو جمله‌ی کوتاه جا شود. به او گفتم این قاب، قاب عکس خوش خطی است و تو باید در این قاب‌ها، جمله‌های کتاب را خوش خط و زیبا بنویسی، به طوری که همه از دیدن آن مثل دیدن یک عکس یا منظره‌ی زیبا لذت ببرند. کسی که تا به حال به خاطر بدخطی‌اش سرزنش می‌شد، امروز از او خواسته شد که نوشته‌هایش را در یک قاب رنگی بنویسد و این باعث شد که برای درست‌نویسی و خوش خطی تمام تلاش خود را به کار بگیرد. این چنین شد که دانش آموز بدخط من، بعد از آن، همیشه خوش خط می‌نوشت و قاب عکس‌های خوش خط زیادی برایم به یادگار گذاشت.

فردوس پاکدامن تهرانی

آموزگار دبستان شهید علایی، ناحیه ۲ اصفهان

علیرضا حرف زن!

«علیرضا حرف زن، علیرضا...»
وقتی به معلم گفتم علیرضا در کلاس نیست، او متوجه موضوع شد و عذرخواهی کرد. ولی من نتیجه گرفتیم که گاهی دانش آموزی در کلاس انگشت‌نما می‌شود و دانش آموزان دیگر هم سوءاستفاده می‌کنند و می‌خواهند هر کار ناشایستی را که انجام می‌دهند، او را مقصر بدانند و به قول معروف، همه‌ی کاسه و کوزه‌ها را سر یک نفر بشکنند. یکی از ظرافت‌های معلمی آن است که حواسش به همه‌ی دانش آموزان باشد تا خدای نکرده دانش آموز بی‌گناهی را مقصر نداند، حتی اگر او شلوغ‌ترین فرد کلاس باشد.

سرگروه آموزشی بودم و از کلاس‌های مدرسه‌ها بازدید می‌کردم. روزی برای بازدید به مدرسه‌ای رفتم که نزدیک محل سکونت من بود. یکی از بچه‌های محل را که اسمش علیرضا بود و در کلاس چهارم همان مدرسه درس می‌خواند، شناختم. او دانش آموز شلوغ و پرسروصدایی بود و در محل، شلوغ بودن او را به عینه دیده بودم. وقتی وارد کلاس شدم، او را دیدم. معلم به طور مرتب می‌گفت: «علیرضا حرف زن... علیرضا ساکت باش... علیرضا بشین.»

بعد از چند دقیقه که در کلاس بودم، او برای رفتن به دست‌شویی از آموزگار کلاس اجازه گرفت و به بیرون رفت، ولی من با کمال تعجب دیدم که وقتی بچه‌ها سروصدا می‌کنند و آموزگار هم چنان می‌گوید:

مصطفی عبدلی

آموزگار عشایر، کارشناس ارشد تحقیقات آموزشی

تغییر رفتار بدون کتک خوردن!

ایجاد ارتباط منطقی و دوستانه با دانش‌آموزان عشایری

اشاره

تاکنون در شماره‌های دوم و چهارم، دو بخش از یادداشت‌های آموزگار عشایری - مصطفی عبدلی - را خوانده‌اید. در این شماره، او با صداقتی مثال‌زدنی، از چگونگی ایجاد ارتباط منطقی و دوستانه با دانش‌آموزان عشایری سخن می‌گوید و به راحتی اعتراف می‌کند که حتی برخی مواقع، دانش‌آموزانش را کتک زده است. بخش پایانی این یادداشت‌ها، در شماره‌ی هشت (اردیبهشت‌ماه ۹۱) چاپ خواهد شد.

شلوغی است، کاری را انجام داد و من مجبور شدم برای کنترلش از تنبیه استفاده کنم. بعد از چند دقیقه در حینی که من مشغول درس دادن به بچه‌های پایه‌ی دیگر بودم، ساسان آمده بود، روبه‌روی من نشست و فقط به چشمانم نگاه می‌کرد. ابتدا توجه نکردم ولی تا نگاهم به چشمانش افتاد، نتوانستم جلوی خودم را بگیرم. خندیدم. ساسان هم خنده‌ای کرد و رفت آخر کلاس نشست. البته نتایج این نوع روابط حتی برای خودم هم بسیار جالب است، به‌طوری‌که متوجه شدم بچه‌ها به ظاهر، قیافه، نوع حرف‌زدن، نوع لباس پوشیدن، تمیزی، ادب گفتاری به‌خصوص هنگام نشستن در خانه، حتی تغییر رفتارم در موقعیت‌های گوناگون و رنگ صورتم هنگام عصبانیت توجه دقیقی دارند. به عنوان مثال مریم می‌گفت: «تو هر وقت عصبانی می‌شوی، رنگ صورتت قرمز می‌شود یا بعضی مواقع در طول یک زنگ کلاسی ممکن است چند بار عصبانی بشوی و چند بار بخندی». البته در جواب جمله‌ی دومش به او به گفتم: «فکر کن تو به جای من، معلم هستی. اگر دانش‌آموز تو کارش را درست انجام دهد، چه رفتاری بسا او داری؟ و اگر کارش را انجام ندهد، چه رفتاری می‌توانی با او انجام دهی تا متوجه اشتباهش شود؟» البته این زیاد دوست شدن با بچه‌ها گاهی کار دستم می‌داد. مثلاً یک روز در غیاب من پدر یکی از دانش‌آموزان کلاس اولم که خانه‌ی آن‌ها با مدرسه فاصله زیادی دارد، به روستا آمده بود و گفته بود که معلم به پسر او خوب درس نمی‌دهد؛ با این دلیل که

مشق‌های شب بچه‌اش خیلی کم است. در این بین یکی از دانش‌آموزان به نام ساسان که طبع معلم دوستیش گل کرده بود، در جواب به او گفته بود: «معلم چقدر کار کند؟ ما زیاد هستیم، او بیشتر از این نمی‌رسد به ما درس بدهد (یعنی نمی‌رسد به پسر تو درس بدهد)». روز بعد که خودم به مدرسه رفتم، ساسان آمد ماجرا را برایم تعریف کرد. وقتی متوجه شدم که او چه دسته‌گلی به آب داده است به شوخی گفتم: «دستت درد نکند، ولی لطف کن دیگر از من حمایت نکن!»

برقراری رابطه‌ی دوستانه و توأم با احترام متقابل با دانش‌آموزان دوره‌ی ابتدایی امری بسیار مشکل است، چرا که ممکن است هر لحظه به دلیل عدم درک بعضی از دانش‌آموزان، معلم با بی‌احترامی‌هایی هم مواجه شود. ولی به هر حال در صورتی که بین معلم و دانش‌آموزانش چنین رابطه‌ای برقرار شود به‌طور حتم هم برای معلم و هم برای دانش‌آموزان می‌تواند فایده‌های بسیار زیادی را در پی داشته باشد. با آگاهی از این امر، یکی از مهم‌ترین هدف‌هایی که در طول سال تحصیلی به‌طور مداوم به‌دنبال آن بودم، این بود که بین خود و دانش‌آموزانم چنین رابطه‌ای را برقرار کنم. به همین منظور همیشه به دانش‌آموزانم می‌گفتم: «اگر زمانی فکر کردید من کاری را بی‌دلیل انجام می‌دهم یا اگر به نظرتان رسید من در حق کسی ظلم می‌کنم، به من بگویید». جز **مریم** که همیشه به حق و ناحق اعتراض داشت، کسی چیزی نمی‌گفت تا بالاخره به این فکر افتادم که هر چند مدت یک‌بار از دانش‌آموزان بخواهم درباره‌ی من (معلم) انشا بنویسند. البته قبل از نوشتن انشا همیشه سفارش می‌کردم مطالب خود را صادقانه و با رعایت ادب بنویسند. در ضمن به آن‌ها قول دادم که اگر از من انتقاد کنند و بجا باشد، من حتماً رسیدگی می‌کنم. اوایل بیشتر آن‌ها می‌نوشتند: «من معلم را دوست دارم» و چند تعریف دیگر. تا این که در نتیجه‌ی یک درگیری که بین **مریم** و **اشکان** پیش آمد، **مریم** در انشایش با بیان این که معلم بین بچه‌ها تفاوت قائل می‌شود، اولین انشای انتقادی کلاس را نوشت. از طرف دیگر بچه‌ها با دیدن برخورد من که واکنش بدی نسبت به انشای **مریم** نشان ندادم، به مرور انتقاد را ادامه دادند و این باعث شد که پیوسته توسط بچه‌ها نقد شوم. از سوی دیگر اگر معلوم می‌شد من مقصرم، رفتار خودم را اصلاح می‌کردم. البته از این تأیید یا انتقاد آن‌ها بهره‌ی لازم را هم می‌بردم، چرا که به بچه‌ها می‌گفتم: «ببینید! حالا که من رفتار اشتباهم را تغییر می‌دهم، شما نیز باید رفتارهای نادرست خود را تغییر دهید.» اتفاقاً این کارم خیلی خوب جواب داد، به صورتی که خوش‌بختانه در انتهای سال به نحوی شده بود که بیشتر بچه‌ها با زبان، بهتر قانع می‌شدند تا ترس از کتک خوردن. حتی گاهی از والدین و معلم راهنماها می‌شنیدم که می‌گفتند: «خوب دانش‌آموزان تو را دوست دارند و از تو حرف‌شنوی می‌کنند.» البته برایشان عجیب هم بود که دانش‌آموزان هم خوب درس بخوانند و هم منظم باشند، آن هم بدون آن که کتکی بخورند یا ترسی در بین باشد و با معلم هم رابطه‌ی دوستانه‌ای داشته باشند. آن‌ها معتقد بودند اگر ترسی در بین نباشد، دانش‌آموزان کاری را درست انجام نمی‌دهند. من گاهی اوقات هم مجبور می‌شدم برای از کنترل خارج نشدن کلاس، از تنبیه استفاده کنم، ولی آنقدر محدود بود که به چشم نمی‌آمد. چون بعد از هر تنبیهی متوجه می‌شدم که دانش‌آموز تنبیه شده نه تنها از من کینه‌ای به دل نگرفته است، بلکه از کار خود نیز پشیمان است و حتی دنبال آن می‌گردد تا دوباره با من همان رابطه‌ی دوستانه‌ی قبلی را داشته باشد. البته در این بین تأیید بچه‌های دیگر که یواشکی به او می‌گفتند حقت بود، بی‌تأثیر نبود. مثلاً یکی از دانش‌آموزانم به نام **ساسان** که دانش‌آموز خیلی

یادآوری: لازم است قبل از شروع این فعالیت، دانش آموزان تصویرهای مجله‌ی خود را، شماره گذاری کنند و آیه‌های قرآنی را با احترام محفوظ نگه دارند.

جدول پیام‌های قرآنی

ردیف	چند آیه از قرآن مجید	ترجمه‌ی فارسی	سوره، آیه	شماره‌ی تصویر در مجله
۱	وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ	قسم به آسمان‌های بلند که دارای کاخ‌های با عظمت است.	البروج، ۱	
۲	وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا	قسم به آفتاب و تابش آن.	شمس، ۱	
۳	وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّىٰهَا	قسم به روز هنگامی که جهان را روشن سازد.	شمس، ۳	
۴	وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا	قسم به نفس (ناطقه‌ی انسان) که او را نیکو بیافرید.	شمس، ۷	
۵	وَالَّذِي أَخْرَجَ الْمَرْعَىٰ	آن خدایی که گیاه را از زمین رویانید.	الاعلیٰ، ۱	
۶	وَعِنَبًا وَقَضْبًا وَزَيْتُونًا وَنَخْلًا	و باغ انگور و گیاهانی که هرچه درو کنند باز بروید و درخت زیتون و نخل خرما.	عبس، ۲۸ و ۲۹	
۷	مَتَاعًا لَّكُمْ وَلِأَنعَامِكُمْ	تا شما آدمیان و حیوانات شما از آن بهره‌مند شوید.	عبس، ۳۲	
۸	هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا	اوست همان خدایی که همه‌ی موجودات زمین را برای شما خلق کرد.	بقره، ۲۹	
۹	وَضَلَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْغَمَامَ	و ابر را سایبان شما ساختیم.	بقره، ۵۷	
۱۰	الْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ	کشتی‌هایی که روی آب با آن چه نفع خلق (مردم) در آن است، در حرکتند.	بقره، ۱۶۴	



در آستانه‌ی فرارسیدن عید و هم‌زمان با آغاز سفرهای نوروزی
در نامه‌ی یک آموزگار به رییس راهنمایی و رانندگی عنوان شد:

با این همه مسافرت

چرا خانواده‌ی آقای هاشمی تصادف نمی‌کنند؟

مریم روزبهانی

آموزگار پایه‌ی سوم دبستان شهید هاشمی‌نژاد، منطقه‌ی ۵ تهران

که سوار می‌شوند در و کاپوتشان فرو رفته است! ابتدا، باید از این همه دقت و همکاری آقای هاشمی با مرکز کنترل ترافیک تشکر کرد که تمام طول مسیر سفر خود از وسایل نقلیه‌ی عمومی استفاده می‌کند. این که چرا این خانواده محترم این قدر مسافرت را دوست دارند، می‌تواند چند دلیل داشته باشد. اول از همه این که؛ اداره‌ی پست شهر کازرون خواسته است یکی از نیروهای خوب خود را به نیشابور منتقل کند، تا این مأمور، دو نوع شیوه‌ی کار را در دو شهر با آب و هوا، فرهنگ و آداب و رسوم و لهجه‌ی متفاوت تجربه کند و تجربیات خود را نیز به آن‌ها بیاموزد. (البته آن‌ها از قبل فکری به حال سمت این مأمور پست کرده‌اند و بهتر از آن، این که خانه‌ای هم برای آن‌ها در نیشابور در نظر گرفته‌اند).

دوم این که؛ احتمالاً اداره‌ی پست شهر کازرون «کارت سفر» آقای هاشمی را هر سال شارژ می‌کند و آن‌ها با خیال آسوده به سفر می‌روند. سوم این که؛ مهمان‌پذیرهایی که آقای هاشمی با خانواده در آن

با سلام و عرض ادب حضور محترم سردار مؤمنی، ریاست محترم راهنمایی و رانندگی!

خانواده‌ی هاشمی چند سالی است (هشت سال از تألیف مجدد این کتاب می‌گذرد) مهمان بچه‌های کلاس سوم دبستان‌های سراسر ایران است.

این خانواده هر سال فصل پاییز ما را بهار کرده، چمدان می‌بندند و عازم سفر می‌شوند و ما را نیز همراه خود می‌برند.

آن‌ها در طی این مسیر از وقت و محیط اطراف استفاده‌ی بسیار می‌کنند. آقای هاشمی برای این که در این سفر به فرزندانش مهارت‌های زندگی و اجتماعی را بیاموزد، هم به آن‌ها فرصت پرسیدن می‌دهد و هم خیلی خوب به سؤالاتشان پاسخ می‌دهد. این خانواده، یک خانواده‌ی نمونه هستند که هم در خانه و هم در مسافرت همکاری دارند.

چند وقت پیش یکی از همکاران ارجمندم را که به تازگی بازنشسته (به عبارتی به‌بار نشسته) شده است، دیدم و او احوال آقای هاشمی را پرسید: «آیا هنوز هم در حال سفر هستند؟»

سؤالش مرا به فکر فرو برد، چگونه است که این خانواده سال‌هاست سفر می‌کنند و از مسیرهای پریپیچ و خم می‌گذرند. هم در روز در حال حرکت هستند و هم در شب. هم سوار اتوبوس و تاکسی می‌شوند و هم قطار. پس چرا نه با اتوبوس به ته دره سقوط می‌کنند و نه تاکسی‌هایی



نسلی را که قرار است فردا پشت فرمان خودروهای این شهر و کشور بنشینند را به همیاری خود برگزیدید. ای کاش قبل از این انتخاب، انتخاب شایسته‌تری هم می‌داشتید و معلمانی را که قرار است در این آموزش به شما کمک کنند نیز به همیاری خود برمی‌گزیدید. زیرا که آموزش به تمامی این همیاران به صرف وقت و هزینه بسیاری منجر می‌شد و شما می‌توانستید از معلمان به عنوان بازویی پرتوان در طرح خود بهره ببرید.

من خواستم ادای رسالت کنم و همیار افتخاری شما باشم و پیام شما را به رانندگان خوب فرداهای این سرزمین برسانم. بنده شاگردان کلاس را به شهرک ترافیک نبردم، زیرا باید منتظر می‌ماندم که مدرسه از اداره مجوز این کار را بگیرد و هم باید از والدین رضایت گرفته می‌شد.

در گوشه‌ای از حیاط با صفای مدرسه‌مان شهرک ترافیک را با کمترین امکانات درست کردم و علائم راهنمایی و رانندگی را به آن‌ها آموختم. تا ۹ سال دیگر که برای دریافت گواهینامه به شهرک آزمایش یا هر یک از آموزشگاه‌های تعلیم رانندگی می‌روند، با توجه و دقت کافی، بالاترین سطح را در مهارت رانندگی کسب کنند؛ تا هم خودشان سالم بمانند و هم مراقب سلامتی دیگران باشند.

در پایان از مأموران نیروی انتظامی بسیار متشکرم که به‌خوبی مراقب این رانندگان عزیز بوده‌اند تا این امانت‌ها را که به دستشان سپرده شده است به سلامت به مقصد برسانند. و از جناب آقای غلامعلی حداد عادل نیز بسیار سپاس گزارم که این خانواده‌ی عزیز را به دست این چنین رانندگانی شایسته سپرده‌اند.

پذیرفته شده و به استراحت می‌پردازند، در همه‌ی شهرها، طرف قرارداد با کارت سفر ایشان هستند و یا این که قیمت‌های بسیار مناسبی دارند! چهارم این که؛ اهل و عیالشان هم مثل خود آقای هاشمی مسافرت را بسیار دوست دارند، به‌خصوص اگر دسته‌جمعی و همراه با مادر بزرگشان باشد.

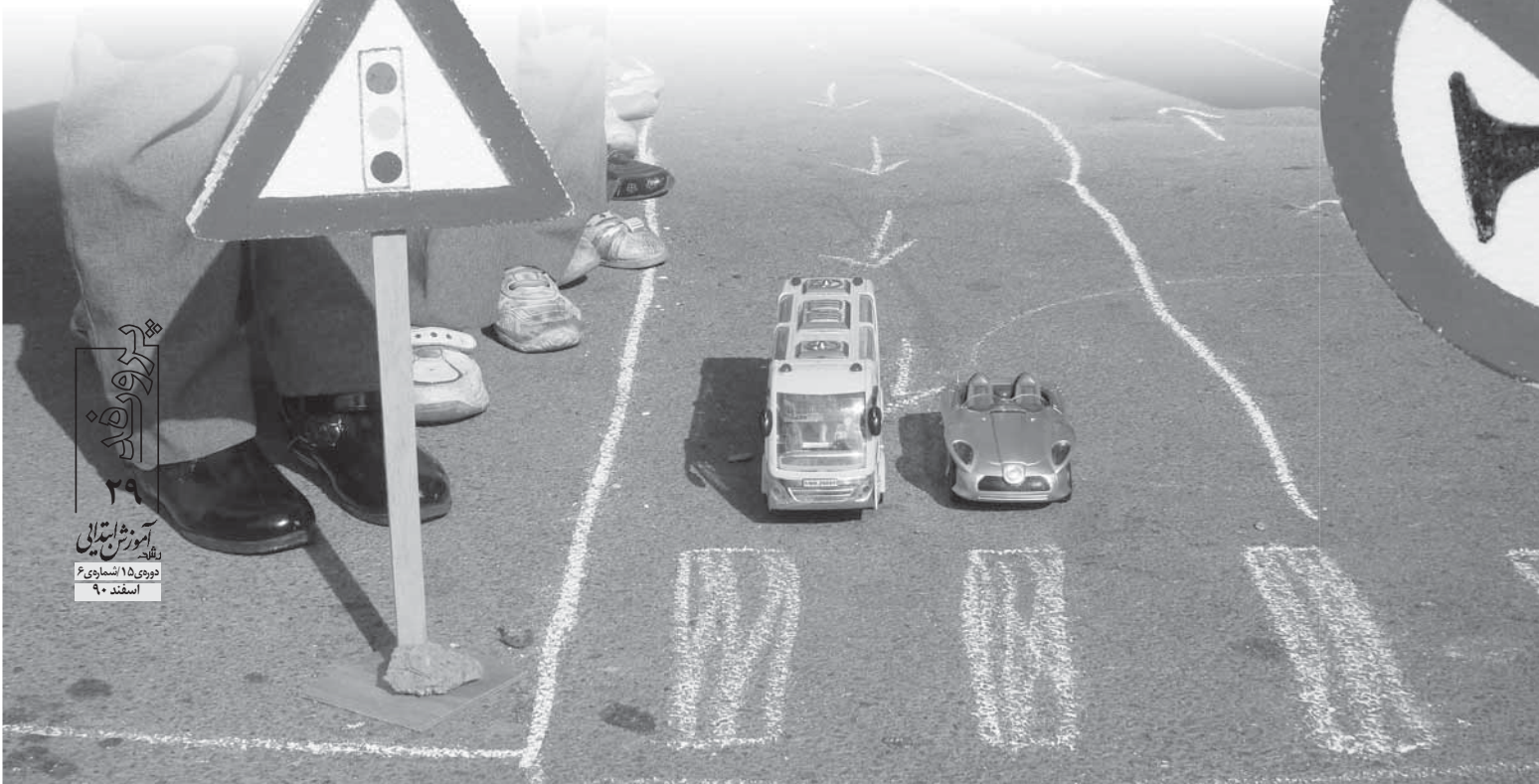
آن‌ها دوست دارند که هم زیارت کنند و هم سیاحت. هم درس بدهند و هم درس یاد بگیرند.

آقای هاشمی می‌خواهد چگونگی زندگی مسالمت‌آمیز در یک اجتماع بزرگ‌تر از خانواده را به فرزندان خود بیاموزد، به شکلی که تابع قوانین باشند تا هم خودشان و هم دیگران در سلامت جسمی و روانی کامل به سر برند و آن‌ها به ما یادآور می‌شوند که ما نیز در حال سفر هستیم، در این سفر در یک مهمان‌پذیر به نام دنیا، که می‌تواند برای عده‌ای پنج ستاره و برای عده‌ای بدون ستاره باشد، پذیرفته شده‌ایم. پس این سفر را چگونه باید آغاز کرد و ادامه داد تا به سلامت به مقصد رسید و چه سوغاتی را همراه با خود ببریم؟

و اما یکی از مهم‌ترین دلایل آن است که؛ باید به رانندگانی که این خانواده را سال‌هاست همراهی می‌کنند تا به مقصد برسند، آفرین گفت. آفرین بر آنان که به همه‌ی علائم راهنمایی و رانندگی توجه دارند و سرعت مطمئنه را رعایت می‌کنند.

و هزاران آفرین بر آنان که خط سفید وسط جاده را می‌شناسند و سبقت بی‌جا نگرفته و نمی‌گیرند و باز هم هزاران درود بر آن‌ها که برای جان این مسافره‌ای خوششان ارزش قائل بوده و هستند و به آن‌ها اجازه می‌دهند که زنده بمانند و زندگی کنند.

جناب آقای سردار مؤمنی! شما در اقدامی شایسته و هوش‌مندانه



اعظم فرازنده نیا

آموزگار دبستان حضرت رقیه (س)، ناحیه ۱ زنجان



بادوستی یادگیری را آسان کنیم

وقتی با همکاران دربارهی کلاس و وضعیت درسی بچه‌ها صحبت می‌کنیم، بعضی از آن‌ها گلایه دارند که خیلی زمان می‌برد تا دانش‌آموزان به کلاس، کتاب‌ها و موضوعات درسی دل ببندند، اما من عنوان می‌کنم که با این مشکل روبه‌رو نیستیم. زمانی که تجربه‌ی خودم را بازگو می‌کنم، برایشان جالب است. حالا قصد دارم این تجربه را هم‌چنین برای دیگر همکاران دلسوزم تعریف کنم. چند سالی است که آموزگار پایه‌ی دوم ابتدایی هستم. وقتی بچه‌ها از دوره‌ی آموزش حروف الفبا به عرصه‌ی ترکیب و جمله‌سازی و متن‌خوانی پا می‌گذارند، به تلاش و دقت چند برابر احتیاج دارند. بنابراین باید از همان روزهای اول شروع کرد. چند روز اول مهرماه را به بازآموزی و یادآوری حروف می‌گذرانیم. وقتی حروف را معرفی می‌کنم، آن‌ها دست روی حروف کتاب می‌کشند و آن را لمس می‌کنند و خودشان هم در دفتر می‌نویسند. می‌گویم: «حالا با انگشتانتان رویش بکشید و حس کنید با این حرف‌ها دوست شده‌اید.» آن‌ها کلمه می‌سازند و کلمات را در جمله به کار می‌برند و این حس ادامه دارد و هر روز که دفترها را باز می‌کنند، یادآوری می‌کنم که: «بچه‌ها، اول روی ورقه که می‌خواهید بنویسید، دست بکشید. به مدداتان دست بکشید. چون می‌خواهید به کمک خدای مهربان با این وسایل، خواندن و نوشتن را تکمیل کنید.»

وقتی اسم دوستی را می‌آورم و می‌گویم بچه‌ها این‌ها هم دوستان ما هستند، خوش‌حال می‌شوند، چون کلمه‌ی دوستی زیباست. با یادآوری حروف الفبا می‌گویم دست روی کتاب‌هایتان بکشید و در دلتان بگویید که با آن‌ها دوست هستید. با احترام با آن‌ها رفتار کنید. تمیزشان نگه دارید و جلدشان کنید. به این صورت مطالب در ذهنشان می‌ماند و همیشه دقت می‌کنند از کتاب و کلمات عقب نیفتند و دیگر هیچ دانش‌آموزی در پی بازیگوشی نیست.

در رابطه با درس‌های دیگر هم به این گونه عمل می‌شود، چون روی صفحات دست می‌کشند، ابتدا با صفحه آشنا می‌شوند و شماره‌ی صفحه و عکس‌ها در ذهنشان می‌ماند و سپس تمرین و تکرار می‌کنند تا درس را خوب یاد بگیرند.



قصه‌های یک کلاس اولی به قلم آموزگار کلاس اولی

سایه‌ها به صف

سعیده اصلاحی

آموزگار پایه‌ی اول، منطقه‌ی ۱۵ تهران

کوچک‌تر که بودم، وقتی برق می‌رفت و مادرم چراغ روشنایی روی دیوار را روشن می‌کرد، من هم می‌رفتم و با سایه‌ی انگشتانم روی دیوار شکلک درمی‌آوردم و می‌خندیدم.

این خاطره امروز سر کلاس علوم یک دفعه به یادم آمد و آن قدر در شیرینی خیالم غرق شدم که حتی خانم معلم هم متوجه شد حواسم به درس نیست. برای همین صدایم کرد: «آیدا... آیدا خانم... کجایی؟» بی‌اختیار گفتم: «اجازه خانم، داشتم به شکلک‌های سایه‌ای فکر می‌کردم». خانم سر تکان داد و با لبخند گفت: «اتفاقاً توی بخش نور، این کار رو هم می‌کنیم، ولی حالا بهتره به درس گوش کنی، باشه؟» با شادی گفتم: «اجازه خانم، چشم».

درس به قسمت سایه رسید و موقع روخوانی خانم معلم، متوجه شدم وقتی چیزی جلوی تابش نور را بگیرد، سایه‌ی آن چیز روی دیوار پشت سرش، تشکیل می‌شود.

دل توی دلم نبود. دوست داشتم زودتر آن بازی را که خانم قولش را داده بود، شروع شود. بالاخره، در زنگ ورزش به آرزویم رسیدم. خانم برای هر گروه، یک قسمت از دیوار حیاط را مشخص کرد تا بچه‌ها به صورت عملی، دلیل تشکیل سایه را یاد بگیرند. برخلاف زنگ ورزش‌های قبلی، به جای نرمش دسته‌جمعی، وسطی، ساحل و دریا، خرس وسط، همه مشغول هنرنمایی بودند. بعضی‌ها هم از خنده ریشه می‌رفتند و ناگهان ولو می‌شدند کف حیاط و داد می‌زدند: «وای سایه‌ام افتاد!» بعضی‌ها هم راه افتاده بودند توی حیاط و به سایه‌ی دراز پشت سرشان می‌خندیدند. گرم بازی بودیم که خانم سوت زد و گفت: «سایه‌ها به صف... می‌خواهیم برگردیم کلاس، نزدیک زنگه... اول همه برید به ترتیب دست و صورتتون رو بشوید... سریع‌تر...».

آن روز خیلی خوش گذشت و ما خوب خوب یاد گرفتیم که اگر نور نباشد، سایه درست نمی‌شود.

از آن روز به بعد هر وقت هوا گرفته و ابری بود، سایه‌بازی بچه‌ها توی حیاط

هم تعطیل می‌شد، ولی در روزهای آفتابی تقریباً همه‌ی زنگ‌های

تفریح، زنگ‌های ورزش و حتی موقع رفتن از مدرسه به خانه،

این بازی یکی از شادترین سرگرمی‌های ما بود.



خاطرات به یاد ماندنی

کلاس درس محل به چالش کشیدن اطلاعات و مهارت‌های آموزگاران است. خانم **اکرم السادات حسینی** از دبستان شهید عاشق‌لو، منطقه‌ی ۱۸ تهران نیز از آن دسته معلم‌هایی است که نتیجه‌ی فعالیت‌های خود را پس از به کار بستن دانش و تجربه، به معرض نمایش گذاشته است.

این فعالیت که «خاطرات به یاد ماندنی» نام دارد، در کلاس‌های پنجم به انجام رسیده است. از آن جایی که دانش‌آموزان پایه‌ی پنجم در آخرین سال دوره‌ی ابتدایی هستند، خانم حسینی می‌خواهد که دفتر خاطرات را هر روز یک نفر از ایشان به خانه ببرد و شیرین‌ترین خاطره‌ی خود را بنویسد و عکس خود را بالای آن بچسباند. مهم‌ترین فایده‌ی این کار علاوه بر مهارت نوشتن و خواندن، بیان احساسات و نگرش‌های مثبت دانش‌آموزان در زندگی و آشنایی با عواطف و نظرات دیگر هم‌سالان است. در ادامه خاطره‌ی امیرحسین محمدیان از کلاس ۵/۲ را بخوانید.



سال ۸۹-۱۳۸۸ برای من بهترین سال تحصیلی بود. روز اول که من به کلاس آمدم، از کلاسمان خوشم نیامد، زیرا در و دیوار آن خیلی بد بود و یک تخته‌ی سیاه داغون داشتیم. وقتی معلممان - خانم حسینی - به کلاس آمد، من از او خیلی خوشم آمدم و خدا را شکر کردم که او معلم من شده است.

او با سلیقه‌ی بسیار، کلاس را به بهترین نحو تزئین کرد. وقتی برای کلاس پرده و رومیزی نصب کردیم، کلاس خیلی زیبا شد. ما با کمک خانواده‌ها برای کلاس تخته‌ی نو هم تهیه کردیم. خانم معلم هم با برنامه‌ریزی‌های خوب خود همه‌ی مراسم و جشن‌ها را به خوبی برگزار کرد، مانند جشن دهه‌ی فجر، میلاد امام رضا(ع) و عید غدیرخم. روزی که با همه‌ی بچه‌ها در کلاس ناهار خوردیم، روزهایی که در کلاس زیارت عاشورا و دعای توسل می‌خواندیم، همه‌ی این روزها برای من خاطرات خوبی هستند.

امیدوارم خانم حسینی سالم و تندرست باشند و در زندگی موفق باشند.



آن چه فقط از عهده‌ی آموزگاران بر می آید...

آشنایی با قابلیت‌های زبان فارسی و امکانات موجود
در جامعه برای آموزش‌های زبان مادری

مهدی ضرغامیان

کارشناس و پژوهش‌گر زبان آموزی

طرح یک نکته

زبان فارسی مانند همه‌ی زبان‌های رسمی و دارای خط جهان، صاحب مجموعه‌ای از توانایی‌ها و نیروهای بزرگ و شگفت‌انگیز است که اگر مورد توجه نظام آموزشی - به‌ویژه آموزگاران توانمند و کارکشته - قرار گیرد، در زمینه‌های آموزشی دگرگونی‌های شگرفی پدید می‌آورد. مثلاً کافی است به این توانایی توجه کنیم که این زبان مانند همه‌ی زبان‌های زنده، امکان شناختن جهان و کسب دانش را فراهم می‌کند. احتمالاً طرح این مسئله خیلی ساده و بدیهی به نظر می‌آید، اما بد نیست این موضوع را مرور کنیم. بسیاری از ما ایرانیان، جهان پیرامون خود را با استفاده از زبان فارسی می‌شناسیم و برپایه‌ی این زبان بر دانش و آگاهی‌های خود می‌افزاییم. برای روشن شدن موضوع، به این مثال توجه کنید. بدون تردید شما هم مانند میلیاردها انسان دیگر، هیچ‌گاه به سیاره‌ی نپتون سفر نکرده‌اید و این سیاره را از نزدیک ندیده‌اید. اما واژه‌ها و جمله‌های فارسی می‌توانند تصویری کمابیش روشن از این سیاره برایتان ایجاد کنند: **نپتون سیاره‌ای بسیار سرد و دور از خورشید**

است. رنگ آن آبی و جو آن ناپایدار و توفانی است. چهار حلقه‌ی نازک به دور نپتون هست که از زمین دیده نمی‌شود. نپتون از خورشید چنان دور است که خورشید در آسمان آن همچون ستاره‌ای معمولی اما پر نور دیده می‌شود.

شاید این توصیف ساده توانسته است، تصویری از سیاره‌ی نپتون در ذهن شما پدید آورد. این تصویر ساده، صرفاً برپایه‌ی واژه‌های زبان فارسی شکل پذیرفته است. مثال یاد شده نشان می‌دهد که واژه‌های زبان فارسی می‌توانند آگاهی‌های گوناگونی از جهان را در اختیار، بگذارند. در واقع، آن چه را که پیشتر نمی‌دانستیم، با استفاده از واژه‌های زبان می‌شناسیم.

توانایی‌های دیگر زبان فارسی

فارسی هم‌چون همه‌ی زبان‌های زنده‌ی دنیا توانایی زیادی در انتقال تجربیات، آداب و رسوم، سلیقه‌ها و ذائقه‌های مردم از گذشته به آینده دارد. ما به کمک نیروی انتقال‌دهنده‌ی

زبان، می‌توانیم اعتقادات، ارزش‌ها، دیدگاه‌ها، باورها، ذوق و سلیقه‌ها را از نسل‌های پیشین خود بگیریم و آن‌ها را به پسونیان تحویل دهیم. افسانه‌ها، ضرب‌المثل‌ها، حکایت‌ها، اندرزها و حکمت‌ها چنین خاصیتی دارند. این توانایی زبان در شکل‌دادن و هویت‌بخشی به یک قوم و فرهنگ آن نقش بسزایی دارد.

باری، زبان فارسی توانایی‌های زیادی دارد. زبان فارسی ابزار خیال‌ورزی ماست، هم‌چنان که فارسی‌گویان پیشین در تخیلات خود ماه را بر پیشانی دخترکی نشانند، پسری را از دیگ آش بیرون کشیدند و رد هفت برادر را در آسمان جستند. جمله‌های امری یا الزامی فارسی، نفرین و آفرین‌های موجود در این زبان، دعاها و لعن‌ها مناسبات تازه می‌آفرینند و مشوق یا مانع بروز اراده‌ی افراد می‌شوند. از سوی دیگر فارسی، زبان عامل زیبایی آفرینی و خلق شعر است.

در این جا در پی شرح و بسط یا اثبات توانایی‌های زبانی چون فارسی نیستیم. تکرار خلاصه‌وار این توانایی‌ها تنها به قصد یادآوری این موضوع است که آموزگاران دبستان با آموزش مهارت‌های فارسی، شالوده‌ی



توانایی‌های مهم و بسیار بنیادین را در ذهن دانش‌آموزان خود پایه‌گذاری می‌کنند. به‌راستی که آموزگاران دوره‌ی ابتدایی بهترین – و البته تنها – کسانی‌اند که در این پایه‌گذاری سهیمند و متأسفانه تنها ابزار و امکان آموزشی که به‌طور رسمی در اختیار آن‌ها گذاشته می‌شود، فقط و فقط کتاب درسی است. خوش‌بختانه جامعه، آموزگاران را تنها نگذاشته و امکانات فرهنگی مناسبی در برابرشان نهاده است. آموزگاران مجرب و کارکشته با بهره‌گیری از این امکانات و توانمند ساختن دانش‌آموزانشان در بهره‌گیری از آن‌ها، آینده‌ای خوش و درخشان را برایشان به ارمان می‌آورند.

خارکن و هیزم‌شکن می‌تواند همه‌ی سحرها و طلسم‌ها را باطل کند، جادوگرها را دور کند و به هوا بفرستد و عاقبت به خوبی و خوشی زندگی کند و برای مردم نیز عدالت به ارمغان آورد. بچه‌ها با خواندن افسانه‌ها با دنیایی پرامید روبه‌رو می‌شوند و شور و هیجان موجود در افسانه‌ها خوانندگان را به وجد می‌آورد. فعل‌های فراوان کنشی و حرکتی مانند رفت و رفت و رفت، رسید، آمد، پیچید، تبدیل شد، شکست، کشید، چرخید، قبول نکرد، برگشت و پیدا کرد. متن افسانه‌ها را پویا می‌کند و اجازه نمی‌دهد، خواندن افسانه کاری کسالت‌بار شود. آموزگاران مجرب و دانا همواره چندین و چند

کشتزار، اداره، کوچه، خیابان، شهر و روستا ظاهر می‌شوند. آن‌ها یا کشاورزند یا پلیس یا دزد و یا ورزشکار. در رمان‌های کودک و نوجوان قهرمان، کودک یا نوجوانی است که در مسیر زندگی عادی خود – خواسته یا ناخواسته – با حادثه‌ای مواجه می‌شود و روند داستان از همین‌جا آغاز می‌شود. ترغیب بچه‌ها به خواندن رمان تأثیر کاملاً مثبتی بر افزایش مهارت‌های زبانی آن‌ها می‌گذارد. اما اثر دیگر آن رشد ذهنی، روانی و اجتماعی بچه‌هاست. بچه‌ها با خواندن رمان‌های گوناگون با قهرمان داستانی خود همراهی می‌کنند. همراه او به تفرق و کوشش می‌پردازند، همراه او امیدوار یا ناامید می‌شوند، همراه او دست به آزمایش می‌زنند و با او پیروزی می‌شوند و یا شکست می‌خورند. آموزگاران کوشا و علاقه‌مند به رمان، همواره

امکانات جامعه برای تقویت توانایی‌های زبانی دانش‌آموزان

تنها آموزگاران هستند که با واقعیت‌های رشد بچه‌ها دست و پنجه نرم می‌کنند

در این‌جا برخی از امکانات

موجود در سطح جامعه را ذکر می‌کنیم که هر کدام در تقویت یک یا چند توانایی زبانی دانش‌آموزان مؤثر واقع می‌شوند:

□ **قصه‌ها، حکایات و افسانه‌ها.** افسانه‌ها، قصه‌هایی هستند با نویسندگان و راویان نامشخص که در طول زمانی به درازای تاریخ به‌مرور شکل گرفته و سینه به سینه برای فرزندان روایت شده است.

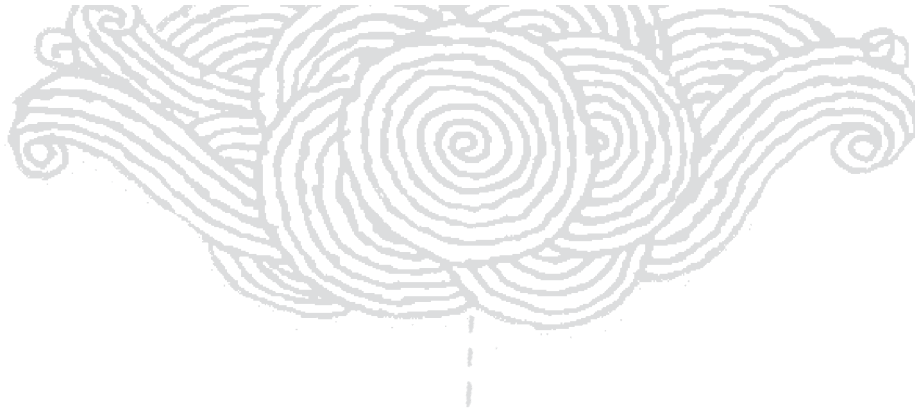
افسانه‌های هر قومی حاوی خواسته‌ها و تمایلات مردمی است که در قرون متمادی در گوشه‌ای از دنیا زیسته‌اند. از این‌رو، در افسانه‌ها جدال خوبی و بدی و پیروزی خوبی بر بدی، اندرزها و نصیحت‌های اخلاقی، دعوت به صبوری، مدرسانی حضرت باری تعالی به بندگان عادی و بی‌نوا، پیروزی مظلوم و بی‌گناه، خواری و خفت بدخواهان به‌وفور دیده می‌شود. از همه مهم‌تر این است که در اغلب افسانه‌ها آدمی دون مرتبه مانند کچل، یتیم،

کتاب افسانه را به بچه‌های خود معرفی می‌کنند تا هم قوه‌ی تخیل آنان را برانگیزانند، هم آن‌ها را با محتوای تاریخی و فرهنگی نهفته در افسانه‌ها آشنا سازند و هم میل به خواندن را در دانش‌آموزان افزایش دهند. خوشبختانه از حدود ۵۰ سال پیش به این‌سو، جمع‌آوری افسانه‌های ایرانی فعالیت‌ی رو به گسترش بوده است و در سال‌های اخیر نیز بازنویسی آن‌ها به زبانی ساده و روان صورت پذیرفته است. هم‌چنین ترجمه و بازنویسی افسانه‌های ملل گوناگون در اختیار خوانندگان فارسی‌زبان قرار گرفته است.

□ **رمان.** دنیایی واقعی یا فانتزی است که در ذهن نویسنده شکل می‌گیرد. اما حتی رمان‌های فانتزی نیز برپایه‌ی واقعیت‌های موجود بنا می‌شوند. شخصیت‌های رمان آدم‌هایی عادی و مردم ساده‌ی کوچه و بازارند که در مکان‌هایی عادی مانند خانه، باغ،

کتاب‌های مهم و مطرح ایرانی و غیرایرانی را می‌شناسند تا آن‌ها را به دانش‌آموزان خود معرفی کنند.

□ **شعر.** اثری زبانی است که مرزهای زمان و مکان را می‌شکند و خواننده‌ی خود را به عالمی دیگر می‌کشاند. شعر اثری زیبایی‌شناسانه و هنرمندانه است آموزگاران دل‌سوز می‌کوشند، دانش‌آموزان خود را با زبان و آهنگ شعر آشنا سازند، آن‌ها را ترغیب می‌کنند تا منظور شاعر را بهتر درک کنند و با معرفی شعرهای زیبا و شاعران خوش ذوق شعر کودک و نوجوان، ذوق ادبی و هنری بچه‌ها را می‌پرورند. خوش‌بختانه هنوز شعرهای شاعران دهه‌ی ۶۰ و ۷۰ در بازار کتاب کودک یافت می‌شود و آموزگاران می‌توانند از بچه‌ها بخواهند شعرهای خوب را حفظ کنند. خواندن شعر، مکث و تأمل بچه‌ها و دقت آن‌ها را در جهت یافتن معنا افزایش



می‌دهد، حس زیبایی‌شناختی و لطافت را تربیت می‌کند، گوش‌ها را تیزتر و درک معنای ظاهر و باطن را تقویت می‌کند. آموزگاران می‌توانند با برگزاری شعرخوانی دسته‌جمعی، گروه‌های شعر و برگزاری مسابقه‌ی شعرخوانی بچه‌ها را به این موضوع علاقه‌مند سازند.

□ **خواندن‌های علمی.** بچه‌ها به کتاب‌های علمی - به خودی خود - علاقه‌مند هستند. اما نکته‌ی مهم این است که این کتاب‌ها بچه‌ها را با زبان علم آشنا می‌سازند. زبان علم با زبان رمان و شعر و افسانه تفاوت‌های اساسی دارد. زبان علمی، زبانی دقیق و شسته و رفته است و زبانی غیراحساسی و منطقی است.

بچه‌ها با خواندن کتاب‌های علمی هم‌پایه‌ی آگاهی‌ها و اطلاعات خود را ارتقا می‌دهند، هم با اصطلاحات و واژه‌های علمی آشنا می‌شوند و هم با نحوه‌ی استدلال علمی مأنوس می‌شوند. خوشبختانه حجم تولید کتاب‌های علمی روزبه‌روز در حال افزایش است.

□ **دایره‌المعارف‌ها.** دایره‌المعارف‌ها کتاب‌های مرجعی هستند که به بچه‌ها، برای یافتن پاسخ سؤال‌ها و مشکلات علمی یا عملی آن‌ها یاری می‌رسانند. هر دایره‌المعارفی حاوی مجموعه‌ای از آگاهی‌ها و دستاوردهای دانش بشری است که به نحوی منظم و سازمان‌یافته، جمع‌آوری و تدوین گشته است. دایره‌المعارف محل مراجعه‌ی دانش‌آموز برای یافتن پاسخ است. آموزگاران دارای بینش تحقیق و علاقه‌مند به دانش‌آموزان کنجکاو، شاگردان خود را به بهره‌گیری از انواع دایره‌المعارف‌های موضوعی و الفبایی دعوت می‌کنند. این یک واقعیت است که در عصر حاضر وجود دست‌کم دو یا چند دایره‌المعارف عمومی یا تخصصی در هر خانه‌ای ضروری

است.

دایره‌المعارف‌های عمومی به معرفی مهم‌ترین حوزه‌های شناخت بشر شامل نجوم، زمین، بدن انسان، جانوران و گیاهان، جغرافیا، علوم و تکنولوژی می‌پردازند. در دایره‌المعارف تخصصی از یک زمینه‌ی مشخص مانند ستاره‌شناسی، پزشکی، دایناسورها، مواد، ورزش، گیاهان و حشرات بحث می‌شود. دایره‌المعارف کتابی نیست که از اول تا به آخر مطالعه شود، بلکه در صورت لزوم، یکی از صفحات آن باز می‌شود و پس از یافتن پاسخ پرسش موردنظر، کتاب دوباره به جای خود برمی‌گردد.

□ **ما به کمک نیروی انتقال‌دهنده‌ی زبان، می‌توانیم اعتقادات، ارزش‌ها، دیدگاه‌ها، باورها، ذوق و سلیقه‌ها را از نسل‌های پیشین خود بگیریم و آن‌ها را به پسینیان تحویل دهیم**

آموزگاران به منظور ترویج درست‌اندیشی و گسترش برنامه‌های تحقیق و مطالعه، می‌توانند به معرفی دایره‌المعارف‌های گوناگون بپردازند. ناشران بزرگ و مطرح کشور به تولید برخی از دایره‌المعارف‌های معتبر اقدام کرده‌اند.

□ **فرهنگ‌های زبان فارسی.** کتاب‌های فرهنگ فارسی، مهم‌ترین منابع آموزش زبان فارسی به کودکان و نوجوانان هستند، تا حدی که به اعتقاد اغلب زبان‌شناس‌ها و کارشناس‌های زبان‌آموزی، فرهنگ لغت هر زبان، آینه‌ی تمام‌نمای موجودیت آن زبان است. فرهنگ، کتابی است که در آن فهرستی از واژه‌های زبان به ترتیب حروف الفبا گردآوری شده است. دانش‌آموزان با مراجعه به این واژه‌ها، املا و تلفظ هر کلمه را می‌آموزند،

معنای واژه را می‌یابند و می‌توانند کاربرد آن را در جمله جست‌وجو کنند.

دانش‌آموزی که می‌آموزد برای یافتن اطلاعاتی درباره‌ی یک کلمه به فرهنگ لغت مراجعه کند، در برابر فکر و زبان خود احساس مسئولیت می‌کند، در این صورت او عادت می‌کند که واژه‌های دقیق‌تری برگزیند، گفته‌ی دیگران را با صبر و حوصله‌ی بیشتر درک کند و هیچ نادانسته‌ای را رها نکند. آموزگاران با معرفی فرهنگ‌های فارسی ویژه‌ی کودکان، خواندن، اندیشیدن، تردید و جست‌وجو کردن را به آن‌ها می‌آموزند.

چنان که می‌دانید هر شش گروه منابعی که معرفی کردیم، ما به ازاهای خاصی در میان کتاب‌های بزرگ‌سالان دارند. در حال حاضر، با توجه به پیشرفت‌های چشم‌گیر ادبیات کودکان و فن آماده‌سازی کتاب کودکان، منطقی‌تر است بچه‌ها و والدین آن‌ها را با کتاب‌های ویژه‌ی کودکان و نوجوانان که از متن‌ها، اطلاعات، تصاویر و حتی

صفحه‌آرایی کنترل شده برخوردار است، آشنا سازیم. ذهن بچه‌ها انباری نیست که بخواهیم انواع داستان‌ها، شعرها و اطلاعات آماده شده برای بزرگ‌ترها را در آن بریزیم. بچه‌ها کم‌کم، پایه‌به‌پایه و سال به سال رشد می‌کنند. رشد ذهنی آن‌ها به تدریج اتفاق می‌افتد و این واقعیتی است که والدین به سادگی نمی‌پذیرند. آن‌ها دوست دارند فرزندان خود را بزرگ‌تر از آن‌چه هستند، ببینند. اما تنها آموزگاران هستند که با واقعیت‌های رشد بچه‌ها دست و پنجه نرم می‌کنند. فقط آن‌ها هستند که می‌توانند با دردرس کمتر و با اقتدار بیشتر، خوراک زبانی و ذهنی مناسب بچه‌ها را توصیه و تجویز کنند. بنابراین چه بهتر که در اعمال این اقتدار تردید نکنند

فلسفه و رزی کودکان

نگاهی به مجموعه‌ی نه جلدی کودکان فیلسوف



مهسا قبايي

«کودکان سؤال‌های گوناگونی می‌کنند که بیشتر آن‌ها مهم هستند. با این همه سؤال چه باید کرد؟ آیا والدین باید به همه‌ی این سؤال‌ها پاسخ دهند؟ اما چرا والدین، به جای فرزندانشان به این سؤال‌ها جواب می‌دهند؟»

این‌ها سؤال‌هایی است که اسکار برنی فیه نویسنده‌ی مجموعه کتاب‌های «کودکان فیلسوف» در ابتدای کتاب خود مطرح می‌کند. شما هم بارها و بارها در برخورد با فرزندانتان یا سرکلاس درس، با سؤال‌هایی مواجه شده‌اید که در پاسخ آن در مانده‌اید. نه این که پاسخ را ندانید یا سؤال را نفهمیده باشید، بلکه توضیح پاسخ آن سؤال‌ها احتمالاً به پیش‌زمینه‌هایی نیاز دارد که یا آن‌را از حد فهم و درک مخاطب خردسال و یا حتی نوجوان خود بیرون می‌بینید و یا منوط به بدیهیاتی است که در دنیای شگفت‌انگیز و تروتازه‌ی کودکان هنوز بدیهی محسوب نمی‌شود. حتی ممکن است پس از همه‌ی این‌ها و اگرها، پاسخ مناسب و کاملی در ذهن نداشته باشید یا سؤال کودک هنوز در محدوده‌ی «تربیده‌های» شمای بزرگسال قرار داشته باشد و درست ندانید آن‌را به عنوان یک پاسخ صحیح و سالم در اختیار ذهن کنجکاو و تازه‌ی مخاطب کم‌سن خود قرار دهید.

این‌جاست که این مسئله مطرح می‌شود که آیا باید کودک برای جواب همه‌ی پرسش‌ها نزد شما بیاید؟ آیا اگر حتی جواب سؤال را می‌دانید، باید به همه‌ی پرسش‌ها پاسخ دهید؟ شاید بهتر باشد به جای پاسخ دادن به یک پرسش مشخص، سؤال‌های هدف‌داری را مطرح کنید تا ذهن کودک پس از یک مکاشفه‌ی کودکانه، خود به جواب برسد و یا این که به این نتیجه برسد که برای دانستن پاسخ چنین سؤال‌ی به تجربیات و یا دانش بیشتری احتیاج دارد؟

مجموعه کتاب‌های کودکان فیلسوف، براساس چنین روشی حرکت می‌کند. در مقدمه‌ی کتاب می‌خوانیم: «هدف ما در این‌جا نفی پاسخ‌گویی والدین نیست، بلکه می‌خواهیم بگوییم آن‌ها می‌توانند به فرزندانشان کمک کنند تا خود پاسخ این سؤال‌ها را بیابند. هم‌چنین به آن‌ها بیاموزند چگونه فکر، تحلیل و داوری کنند تا به استقلال فردی برسند و انسان مسئول و خودساخته‌ای شوند.»

مجموعه‌ی کودکان فیلسوف شامل نه عنوان است: «خوش‌بختی یعنی چه؟»، «زندگی یعنی چه؟»، «خوب و بد یعنی چه؟»، «شناخت

یعنی چه؟»، «من یعنی چه؟»، «با هم زندگی کردن یعنی چه؟»، «زیبایی و هنر یعنی چه؟»، «احساسات یعنی چه؟»، «آزادی یعنی چه؟» در هر کتاب شش سؤال اساسی مطرح می‌شود؛ به عنوان مثال در کتاب «زندگی یعنی چه؟» با این سؤال روبه‌رو می‌شویم: «چطور می‌توانی در زندگی خوش‌بخت شوی؟ چرا زندگی سخت است؟ چرا انسان‌ها وجود دارند و چرا می‌میریم؟»

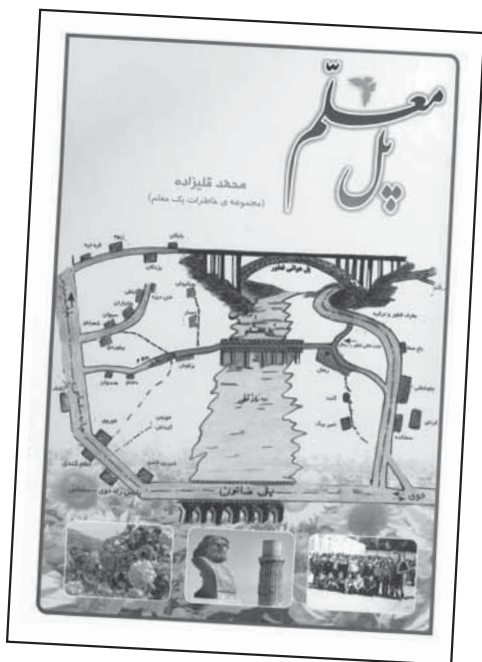
آیا هیچ‌وقت قهرمان می‌شوی؟ چرا زندگی می‌کنیم؟ و کتاب به وسیله‌ی این سؤال‌ها در واقع به شش بخش تقسیم شده است و هر بخش نیز با رنگ‌های متفاوت از یکدیگر متمایز شده‌اند. هر کدام از این سؤال‌ها در هر بخش، شش پاسخ فرضی دارد. برای مثال یکی از پاسخ‌های فرضی در جواب به سؤال «چطور می‌توانی در زندگی خوش‌بخت شوی؟» این است: «با آزاد بودن برای انجام دادن هر کاری که دام بخواهد.» بعد در همان صفحه چند «اما» مطرح می‌شود: «بله، اما آیا دیگران هم می‌توانند هر کاری بکنند، حتی اگر تو را اذیت کنند؟ آیا واقعاً همیشه می‌دانی چه کار می‌خواهی بکنی؟ اگر یک روز همه‌ی کارهایی را که دلت خواست انجام دادی، بعدش چه کار می‌کردی؟»

این سؤال‌های «اما گونه» کودک را با ابعاد دیگری از پرسش و پاسخ مطرح شده در آن صفحه آشنا می‌کند. به تفکر او عمق می‌دهد و شاید حتی صدها سؤال دیگر را در ذهنش ایجاد کند. اگر هر کدام از این سؤال‌ها در یک جلسه‌ی کلاسی یا یک نشست صمیمی با کودکان مطرح شود، به گفت‌وگویی شیرین و جذاب و احتمالاً طولانی مبدل خواهد شد.



پل معلم

معصومه حبیب پور



نویسنده: محمد قلی زاده / **ناشر:** قسیم، قم (۱۳۹۰/۱۶/۰۷) /
نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۰، **مصور:** قیمت: ۲۵۰۰۰ ریال

«تصمیم گرفتم پلی بسازم که بچه‌ها دغدغه‌ی عبور از رودخانه را نداشته باشند و به راحتی به تحصیل خود ادامه دهند. خودم را به آب و آتش زدم. اولین نامه‌ی تقاضا را هم در تاریخ ۷۱/۳/۱۰ به جهاد سازندگی نوشتم. موقع نوشتن نامه معلم‌ها در دفتر مدرسه به من می‌خندیدند، اما من تصمیم جدی گرفته بودم...»

با این که نام کتاب «پل معلم» است، اما نویسنده نوعی شرح حال از خود و دیگر افراد نوشته است که باعث خواندنی‌تر شدن کتاب می‌شود. متن کتاب زبانی ساده، واژه‌هایی دل‌نشین و ویرایشی در خور دارد که ضعف‌هایی مانند طراحی جلد آن را می‌پوشاند.

کتاب، اولین تجربه‌ی نویسندگی محمد قلی زاده معلمی از شهر خوی است و در ۱۱۲ صفحه خاطرات وی را بیان می‌دارد. از ویژگی‌های دیگر کتاب، صداقت و سبک داستانی آن است که در عین حال پشتکار خستگی‌ناپذیر و مشکلات شغلی فرهنگیان تازه استخدامی را به رشته‌ی تحریر درمی‌آورد.

قطعاً مطرح کردن این سؤال‌ها با کودکان به پاسخ‌هایی بیش از آن چه در کتاب مطرح شده است، خواهد انجامید و پاسخ‌هایی گاه حتی غافل‌گیر کننده. بنابراین باید برای هدایت چنین گفت‌وگویی که به احتمال زیاد چند جانبه خواهد شد، آمادگی داشته باشیم و به توصیه‌ی نویسنده‌ی کتاب براساس گام‌های خود کتاب پیش برویم. آزادی گفت‌وگو را محدود نکنیم، اما قدم‌هایمان را با آهنگ قدم‌های نویسنده، هم‌آهنگ کنیم.

نکته‌ی بسیار مهم و قابل ذکر این است که مطرح کردن این سؤال‌ها برای کودکان ایرانی و در بستر فرهنگی و مذهبی موجود در کشورمان در بسیاری موارد می‌تواند با پاسخ‌ها و سؤال‌های مطرح شده توسط کودکان اروپایی و طرز تلقی آن‌ها متفاوت باشد. توجه به این موضوع، شاید منجر به تشکیل نسخه‌ی ایرانی کتاب در کلاس درس شود، اما آن چه ضروری است، روشی است که کتاب پیشنهاد می‌کند و نه لزوماً رسیدن به همان پرسش‌ها و پاسخ‌ها.

نقطه‌ی قوت دیگر مجموعه کتاب‌های کودکان فیلسوف، تصاویر بسیار جالب، خلاق و گویای کتاب‌هاست که به جرأت می‌توان گفت پایه‌پای متن، پیش‌رفته است و تألیف دوباره‌ای از متن را به دست می‌دهد. این تصویرها به درک و فهم و برداشت ما از متن کمک بسیار می‌کند و در عین حال در فضای کودکانه و پر از طنز و شوخی مطرح می‌شود. جالب است که اساسی‌ترین سؤال‌ها درباره‌ی فلسفه و زندگی را در تصاویری چنین ساده اما پر بار، خلاصه مطرح کنیم و در بسیاری از موارد از طنز جاری در تصاویر در پاسخ به سؤال‌ها لذت ببریم و لبخند بزنیم.

هر کتاب توسط، یک تصویرگر، تصویرسازی شده است و در پایان هر کتاب علاوه بر توضیحی درباره‌ی نویسنده، بیوگرافی کوتاهی از تصویرگر کتاب نیز آمده است. همه‌ی این‌ها به علاوه‌ی چاپ خوب و کاغذ و قطع مناسب کتاب، آن‌ها را نه تنها برای استفاده در کلاس مناسب کرده است، بلکه آن را به یک اندازه برای کودکان و بزرگسالان جذاب و خواندنی می‌کند. در مقدمه‌ی ناشر و در ابتدای کتاب این طور آمده است که: «نویسنده معتقد است که کتاب‌هایش فقط برای استفاده در کلاس درس نیست. او به ایده‌ی آموزش فلسفه در خانه یا محافل عمومی نیز اعتقاد دارد و والدین نیز می‌توانند از کتاب‌های او برای تمرین فلسفه‌ورزی با فرزندانشان استفاده کنند.»

تلاش نشر **شهر تاش** برای تهیه و ترجمه‌ی این مجموعه کتاب که با رعایت کامل حقوق مؤلف، چاپ شده است و معرفی آن به جامعه‌ی تعلیم و تربیت ایران بسیار ارزشمند و قابل تقدیر است. ضمن آرزوی موفقیت در ادامه‌ی راهی که در پیش گرفته‌اند، امیدواریم که با استفاده از این کتاب، راه و روش تفکر و فلسفه‌ورزی را با کودکانمان تمرین کنیم.

گنجینه‌هایی از عرفان تافداکاری

حمید دهقان

دیدار از موزه‌های استان آذربایجان شرقی

اشاره

مدتی این مثنوی تأخیر شد. سلسله مطالب میراث ما، در این دوره که به معرفی موزه‌های ایران اختصاص دارد، در دو شماره‌ی گذشته منتشر نشد. وقتی مؤلف مطلبی اهل سفر و گردش گری داخلی و خارجی باشد، باید هم منتظر چنین اتفاقاتی بود. در هر صورت پس از وقفه‌ای دو شماره‌ای، از این شماره و هم‌زمان با فرارسیدن سال جدید شمسی و رونق دوباره‌ی سفرهای ایران گردی، با گنجینه‌های استان آذربایجان شرقی آشنا می‌شویم.

هزار نفر از این موزه دیدار می‌کنند.

بخش‌های موزه‌ی آذربایجان

باستان‌شناسی دوران پیش از اسلام، باستان‌شناسی دوران اسلامی و نمایشگاه بخش‌های گوناگون موزه‌ی آذربایجان را تشکیل می‌دهند.

در بخش باستان‌شناسی پیش از اسلام، آثار متنوع سفالینه و مفرغی از هزاره‌ی پنجم پیش از میلاد تا پایان حکومت ساسانیان به نمایش گذاشته شده است.

یک جام زرین، یک موند زرین، ریتون نقره‌ای با مجسمه‌ی سر شیر از دوران هخامنشی، یک قبضه شمشیر برنزی با کتیبه‌ای به خط میخی و تنگ‌ها و کاسه‌های شیشه‌ای نقش‌دار زیبا از دوره‌ی ساسانی از اشیای ارزشمند و بی‌نظیر این بخش به‌شمار می‌آیند.

در بخش باستان‌شناسی دوران اسلامی، آثاری از قرن چهارم تا چهاردهم هجری قمری به تماشا گذاشته شده است. چینی‌های بسیار نفیس دوره‌ی صفوی، شمعدان، قندیل، گلدان و لگن برنجی، خنجرهای طلاکوب، سکه‌هایی از دوره‌ی امویان تا قاجاریه، مهرهای اسلامی و تعدادی قلمدان، جعبه‌ی

شد، اکنون از لحاظ نگهداری هزاران قطعه آثار و اشیای نفیس دومین موزه‌ی کشور به‌شمار می‌آید که با انتقال پایگاه باستان‌شناسی محوطه‌ی مسجد کبود به آن، از اهمیت بیشتری برخوردار شده است. در این پایگاه، تاریخ تبریز براساس لایه‌های تشکیل‌دهنده‌ی شهر، قبور باستانی هزاره‌ی اول پیش از میلاد شامل تمدن‌های ماد، هخامنشی، اشکانی، ساسانی و دوران اسلامی تا زمان قاجاریه مشخص شده است.

نتایج کاوش‌های محوطه‌ی مسجد کبود که در اختیار بازدیدکنندگان قرار گرفته است، نشان‌دهنده‌ی تاریخ سه هزار ساله‌ی شهر تبریز است. علاوه بر آن، اشیای کشف شده از شش متری محل‌های کاوش شده نیز در سالن موزه به نمایش گذاشته شده است.

موزه‌ی آذربایجان با بیش از ۲۳۰۰ قطعه اشیای نفیس باستانی ثبت شده است. افزون بر یک هزار شیء غیربیتی و حفاظتی، کتابخانه‌ای غنی با یکصد جلد کتاب خطی قدیمی و ۲۵۰۰ جلد کتاب در زمینه‌های تاریخی، باستان‌شناسی و هنری از آثار موجود در کتابخانه است و در اختیار دوست‌داران فرهنگ و هنر کشور و گردشگران خارجی قرار دارد. همچنین هر سال بیش از یک صد

استان آذربایجان شرقی سابقه‌ای دیرینه از لحاظ تأسیس موزه دارد و برای نخستین بار در سال‌های ۱۳۰۶ و ۱۳۰۷ با برپایی نمایشگاه سکه‌های کشف شده در ساختمان کتابخانه‌ی تربیت تبریز، مقدمات تأسیس موزه در این شهرستان فراهم شد.

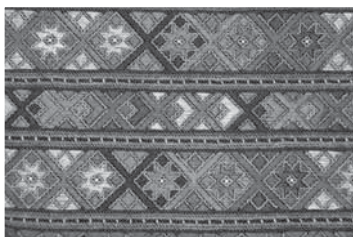
در سال ۱۳۳۵ مدیرکل فرهنگ استان با همکاری اداره‌ی کل باستان‌شناسی و اوقاف برای تأسیس موزه‌ی آذربایجان همت گماشت و در مرداد ماه سال ۱۳۳۶ با نمایش ۲۰۲ قطعه اثر که موزه‌ی ایران باستان (موزه‌ی ملی) به تبریز فرستاده بود، موزه‌ی آذربایجان در تالار کتابخانه‌ی ملی تبریز پایه‌گذاری شد. مدتی نیز اشیای باستانی در محل دبیرستانی به نام دبیرستان نجات، جنب بنای ارک تبریز به نمایش گذاشته شد تا این که در مهرماه سال ۱۳۴۱ موزه‌ی آذربایجان، در محل فعلی با برگزاری مراسم رسمی گشایش یافت.

موزه‌ی آذربایجان در خیابان امام خمینی (ره) جنب مسجد کبود قرار دارد و ساختمان آن براساس طراحی معمار و باستان‌شناس معروف فرانسوی، **آندره گدار** و با ترسیم **اسماعیل دیباج** احداث شده است. موزه‌ی آذربایجان که با انتقال ۲۰۲ قطعه از آثار فرهنگی موزه‌ی ایران باستان پایه‌گذاری



جنب مقبره‌الشعراء، موزه‌ی شهدا در بلوار استاد شهريار، موزه‌ی دانشگاه در بلوار ۲۹ بهمن موزه‌ی استانداری در محل استانداری و موزه‌ی کلیساهای خلیفه‌گری ارامنه‌ی آذربایجان در خیابان شریعتی.

موزه در شهرهای آذربایجان شرقی



در شهرستان سراب موزه‌ی عشایر آذربایجان، در شهرستان مراغه موزه دوره‌ی ایلخانی در کنار آرامگاه اوحدی مراغه‌ای شاعر نام‌دار و موزه‌ی سنگ نگاره‌ها در خیابان راه‌آهن، در شهر خامنه موزه‌ی هدایای خامنه، در شهرستان اهر موزه‌ی ادب و عرفان در بقعه شیخ شهاب‌الدین اهری و در شهرستان بناب، موزه‌ی مردم‌شناسی جنوب سهند در محل حمام قدیمی مهرآباد که از دوران صفویه به جای مانده است با بخش‌های آلات و ادوات موسیقی، صنعت پارچه‌بافی، زیورآلات، پوشاک، طب سنتی، ابزارآلات کشاورزی، ادعیه و طلسمات، دست‌بافت‌های سنتی، آهنگری و ظروف مرتبط با آب موزه‌های دیدنی شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی هستند که آثار تاریخی فاخر و ارزش‌مندی را به نمایش گذاشته‌اند.



جواهرات و قاب آئینه با نقش‌های مینیاتوری. یک پیراهن کتانی مزین به آیه‌های قرآن و سنگ نوشته‌های معروف «بسم‌الله» در این بخش نگهداری می‌شود.

در سنگ مرمرین بسم‌الله به ابعاد ۳/۸۳ و ۱/۳۳ متر اشعاری در مدح پیامبر اسلام (ص) که با نقوش اسلیمی حکاکی شده است و بسم‌الله الرحمن الرحیم با خط نستعلیق درشت نوشته شده است. این کتیبه یکی از شاهکارهای حکاکی جهان به‌شمار می‌آید که توسط **میرزا محمدعلی قوچانی** معروف به میرزا سنگ‌لاخ در سال ۱۲۷۲ هجری قمری به همراه دو بیت زیر حکاکی شده است.

سخن‌گوی ای کلک شیرین کلام

ز نعت محمد علیه‌السلام

رسول عرب، شاه یثرب حرم

غلام درش هم عرب هم عجم

یک قفل رم‌دار از قرن ششم هجری نیز از اشیای شگفت‌انگیز این بخش موزه است. این قفل با رمز اطمینان بخش در سال ۵۶۶ هجری قمری توسط یک هنرمند اصفهانی به نام **محمود** فرزند **حامد اصفهانی** ساخته شده است و در سال ۱۳۵۵ در منطقه‌ی قلعه‌ی ضحاک مارون نزدیک شهرستان عجب‌شیر کشف شده است.

در بخش نمایشگاه موزه، آثار **احد حسینی** مجسمه‌ساز نام‌دار آذربایجان به نمایش گذاشته شده است. این مجسمه‌ها حاصل تلاش و کوشش هنرمند پرکار در سال‌های ۵۴ تا ۵۹ است که در سال ۱۳۶۱ به موزه‌ی آذربایجان اهدا شده است. آثار احد حسینی در موزه، زندگی انسان‌ها، رنج‌ها، مشقت‌ها و اضطراب‌های جهان بشریت را به بازدیدکنندگان نشان می‌دهد.

موزه‌ی مشروطه ایران

موزه‌ی مشروطه ایران در خانه‌ی مشروطه تأسیس شده است تا با نشان دادن آثار و یادگارهای فداکاری‌های رهبران و سایر جان برکفان انقلاب مشروطیت، مبارزات آنان را برای مردم بازگو کند.

بانی خانه‌ی مشروطیت **حاج مهدی کوزه‌کنانی** معروف به ابوالمله یکی از رهبران انقلاب مشروطیت است. در سال ۱۳۴۱ مجموعه یادگارهای اهدایی خانواده‌های مبارزات نهضت مشروطه و عکس‌هایی منحصر به فرد و اسناد مهم در یکی از تالارهای خانه‌ی مشروطیت به نمایش گذاشته شد و در سال ۱۳۷۵ با انتقال کلیه‌ی اسناد و اشیای مربوط به انقلاب مشروطیت موجود در موزه‌ی آذربایجان به این مکان تاریخی، موزه‌ی مشروطه تأسیس شد.

علاوه بر موزه‌ی آذربایجان و موزه‌ی مشروطه دیگر موزه‌های تبریز عبارتند از: موزه‌ی ادبی استاد **شهريار** با مجموعه آثار و یادگارهای باقی‌مانده از وی در محل خانه‌ی مسکونی‌اش در خیابان مقصودیه، موزه‌ی قرآن و کتابت در بنای صاحب‌الامر، موزه‌ی تاریخ طبیعی در چهارراه آبرسانی، موزه‌ی سنجش با انواع ادوات مقیاس مانند ترازوهای ظریف زرگری تا قیاس‌های بزرگ میدان‌های بار در محل خانه‌ی تاریخی و زیبای سلماسی در میدان ساعت خیابان مقصودیه، موزه‌ی قاجار در خانه‌ی **امیر نظام گروسی** در محله‌ی ششگلان، موزه‌ی محرم در خیابان مطهری، سایت موزه عصر آهن در چهارراه بهشتی کهنه خیابان، موزه‌ی استاد **بهتونی**

ابزارهای ارزش‌یابی توصیفی

بخش پنجم

سه ابزار کیفی‌تر!

محرم آقازاده

آشنایی با خودارزش‌یابی، یادداشت تصویری و چک‌لیست

کلیدواژه‌ها: ارزش‌یابی توصیفی، خودارزش‌یابی، یادداشت تصویری، چک‌لیست

اشاره

در ادامه‌ی معرفی ابزارهای ۱۶ گانه ارزش‌یابی توصیفی در مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی، در این شماره مؤلف با معرفی ۳ ابزار دیگر، توضیح درباره‌ی ۱۶ ابزار وعده داده شده را به اتمام می‌رساند. از میان ابزارهای معرفی شده در این شماره، اگرچه چک‌لیست، روشی شناخته شده است و کاربرد وسیعی در میان معلمان دارد، ولی دو ابزار دیگر کیفی‌تر و اجرای آن‌ها قدری سخت‌تر است.

۱۴. خودارزش‌یابی تعریف

خودارزش‌یابی روندی است که دانش‌آموز به وسیله‌ی آن اطلاعات جمع‌آوری می‌کند و براساس یادگیری خود، نتیجه‌گیری می‌کند. خودارزش‌یابی، ارزش‌یابی‌های خود دانش‌آموزان از پیشرفت شخصی خویش در دانش، مهارت‌ها، فرآیندها و یا نگرش‌ها است. خودارزش‌یابی باعث می‌شود دانش‌آموز به آگاهی بیشتر و درک درستی از خود در جایگاه یادگیرنده دست یابد.

هدف

- از خودارزش‌یابی می‌توان در موارد زیر استفاده کرد:
- کمک به دانش‌آموزان برای پذیرفتن مسئولیت بیشتر و مالکیت یادگیری خویش.
- ارائه‌ی بینش‌ها و اطلاعاتی که دانش‌آموزان را قادر می‌سازد به تصمیم‌گیری درباره‌ی یادگیری خود بپردازند و اهداف شخصی یادگیری را تنظیم کنند.
- تمرکز بر فرآیند و نتایج یادگیری.
- کمک به دانش‌آموزان در جهت نقد کار خود.
- کمک به دانش‌آموزان در درونی کردن ویژگی‌ها یا معیارهای کار با کیفیت دانش‌آموزی.

ویژگی‌ها خودارزش‌یابی؛

- توسعه‌ی توانایی فراشناختی را بالا می‌برد (توانایی تفکر انتقادی در استدلال خود).
- ممکن است شامل مشاهده‌ی درون‌گرا، ارزش‌یابی نتیجه و یا آزمون باشد.
- ممکن است شامل نظرسنجی‌های نگرش، پرسش‌نامه‌های علاقه‌مندی و مجالات شخصی باشد.
- شامل پرسش‌هایی مانند «چگونه می‌توانم بهتر یاد بگیرم؟»، «تواریش من چه هستند؟»، «کجا نیاز است که بهتر شوم؟» باشد.
- استفاده می‌شود تا تعیین کند که آیا اعتقادات دانش‌آموز درباره‌ی عملکرد خویش، با عملکرد واقعی مشاهده شده توسط معلم، مطابقت دارد؟

روش استفاده از خودارزش‌یابی معلم؛

- به دانش‌آموزان کمک می‌کند نحوه‌ی تفکر بر یادگیری را درک کنند.
- زمان و فرصت‌ها را برای خودارزش‌یابی فراهم می‌کند.
- سؤالات را طراحی می‌کند و یا ابزار خودارزش‌یابی را انتخاب می‌کند.



● می‌تواند از خودارزش‌یابی دانش‌آموز برای تعیین تغییر و یا رشد در نگرش، ادراکات و موفقیت دانش‌آموزان استفاده کند

ملاحظات

خودارزش‌یابی؛

● در جهت مقایسه‌ی دیدگاه دانش‌آموز و معلم از عملکرد مورد انتظار و معیار ارزش‌یابی برای مشاهده‌ی تشابه آن‌ها استفاده می‌شود.

● به تدریج در حین استفاده‌ی دانش‌آموزان از این روند در فعالیت‌های روزانه توسعه می‌یابد.

● می‌تواند در همه‌ی سطوح توانایی به دانش‌آموزان کمک کند، رشد شخصی را از طریق مقایسه با کار قبلی خود مشاهده کنند.

۱۵. یادداشت تفسیری

تعریف

یادداشت تفسیری، تفسیر کوتاهی است که رفتار دانش‌آموز و چارچوبی را که برای رفتار در آن رخ داده است، توصیف می‌کند. یادداشت تفسیری باید به صورت عینی رفتارهای خاص و مشاهده شده را گزارش کند و ممکن است عملکرد دانش‌آموز در نوشتن را به‌طور جزئی توصیف کند. یادداشت تفسیری تصویر شگرفی از پیشرفت فردی دانش‌آموز ارائه می‌دهد و شامل مشاهداتی است که دارای اهمیت ویژه بوده و نمی‌توانند از دیگر راهبردهای ارزش‌یابی کلاس به‌دست آید.

هدف

یادداشت تفسیری می‌تواند در موارد زیر استفاده شود:

- ارائه‌ی مشاهدات در حال انجام که از پیشرفت دانش‌آموزان ثبت شده‌اند.
- ثبت مشاهدات عینی قابل توجهی که بخشی از ارزش‌یابی‌های رسمی نیستند و ممکن است فراموش شده و یا به درستی به یادآورده نشوند.
- ثبت مشاهدات عملکردها، رفتارها، حوادث و یا رخدادها، پیش‌بینی نشده.
- ارائه‌ی ارزش‌یابی جامع.

ویژگی‌ها

یادداشت تفسیری؛

● ممکن است سازمان نیافته پنداشته شود، زیرا در مستندسازی ارائه‌ها

یا رفتار و یا اظهارات خود به خودی و غیرمنتظره از آن استفاده می‌شود.

● به شکلی درمی‌آید که یادگیرنده، تاریخ مشاهده و یک توصیف واقعی از رویداد یا رفتار را مشخص می‌کند.

● شامل اطلاعاتی است که در طول زمان جمع‌آوری شده و با دقت تحلیل گشته تا پایه‌ای برای قضاوت دقیق درباره‌ی دست‌آوردهای دانش‌آموز تشکیل دهد.

● سازوکاری را برای تشخیص الگوهای رشد دانش‌آموز در طول زمان فراهم می‌کند.

● اغلب برای مستندسازی رفتار دانش‌آموز، برای مراجعت‌های بعدی استفاده می‌شود.

روش استفاده از یادداشت تفسیری معلم؛

● مشخص می‌کند که مشاهدات، قابل توجه و مهم در نظر گرفته شده باشند.

● شکل کلی و نام‌های به‌کار رفته را استفاده می‌کند (به عنوان مثال، نام دانش‌آموز، تاریخ، زمان، محل، توضیحات).

● به زبانی دقیق و روشن، دقیقاً همان چیزی را که مشاهده شده است، اظهار می‌کند.

● اطلاعات را ثبت می‌کند، در حالی که رویداد یا رفتار در ذهن او تازه است.

● پس از تفسیرهای متعددی که برای تفکر در دسترس هستند، تعبیری را می‌سازد.

● رویدادهایی را ثبت می‌کند که دارای هدف یک‌سان باشند (به عنوان مثال درباره‌ی تصمیم‌گیری‌های آموزشی، پیشرفت مربوط به یک هدف دانش‌آموزی خاص است).

● یک روش منظم را برای جمع‌آوری سوابق همه‌ی دانش‌آموزان ایجاد می‌کند تا اطمینان حاصل کند که هیچ فردی نادیده گرفته نشده است.

ملاحظات

یادداشت‌های تفسیری؛

- برای خواندن، نوشتن و تفسیر وقت گیر هستند.
- اغلب در رابطه با راهبردهای ارزش‌یابی دیگر استفاده می‌شوند.
- به‌طور جداگانه از ثبت واقعی حوادث تفسیر می‌شوند.
- منبع اطلاعات در طول زمان هستند و باید با دقت به‌طوری تجزیه و تحلیل شوند که بتوان قضاوت دقیقی درباره‌ی دست‌آوردهای دانش‌آموزان ساخت.
- گزارش‌هایی از عملکردها/ رفتارهای پیش‌بینی نشده‌ای هستند که به احتمال زیاد در ابزار ثبت‌کننده‌ی دیگر نیز گنجانده نشده‌اند و از این‌رو ممکن است مفقود شده و یا نادرس‌ت به یاد آورده نشوند.
- اطلاعات شخصی و یا موقعیتی و یا اظهارات قضوتی در آن‌ها یافت نمی‌شود.
- اگر بیش از یک دانش‌آموز در عملکرد/ رفتار نقش داشته باشد، به‌طور جداگانه برای هر دانش‌آموز نوشته می‌شود.

ویژگی‌ها

چک‌لیست؛

- به هنگامی استفاده می‌شود که فرآیند و یا نتیجه را بتوان به اجزایی تقسیم کرد که حاضر یا غایب، کافی یا ناکافی هستند.
- در موقعیت‌هایی که دربردارنده‌ی معیارهای زیادی است، سریع و مفید است.
- شامل مفاهیم، مهارت‌ها، فرآیندها، و یا نگرش‌های خاصی است که انتظار می‌رود نمایش داده شده و ارزش‌یابی شوند.
- معمولاً توسط یک علامت کنترل یا شاخص‌های دیگر تکمیل می‌شود، که در جای مناسب در فرم چک‌لیست قرار می‌گیرد تا نشان دهد آن رفتار یا مهارت مشاهده شده است.

روش استفاده از چک‌لیست

معلم؛

- عملکرد دانش‌آموز را مشاهده کرده، درباره‌ی آن قضاوت می‌کند و تعیین می‌سازد که آیا عملکرد او با معیارهای مشخص شده در چک‌لیست مطابقت دارد.
- وقوع مهارت، رفتار، مفهوم، فرآیند و یا نگرش را در چک‌لیست ثبت می‌کند.
- کیفیت کار یا مشارکت را ارزش‌یابی نمی‌کند، اما نشان می‌دهد که رخ داده و یا کامل شده است.
- باید مشاهدات کافی را درباره‌ی دانش‌آموز قبل از اعمال قضاوت ارزش‌یابی انجام دهد.

ملاحظات

چک‌لیست؛

- به جمع‌آوری نتایج کمک می‌کند به گونه‌ای که می‌تواند فاقد جزئیات باشد.
- ممکن است زمانی که درباره‌ی مشاهده یا عدم مشاهده‌ی معیارهای عملکرد یک تصمیم مطلق گرفته می‌شود، ملاحظات را برای راهبردهای ارزش‌یابی دیگر محدود کند.
- می‌تواند در ساخت مشاهدات دانش‌آموز در یک تکلیف عملکرد استفاده شود.
- می‌تواند نشان دهد که آیا دانش‌آموز به‌طور مؤثر تعدادی از مراحل را که در تکلیف عملکرد و یا ارائه دخیل هستند، به اتمام رسانیده است.

۱۶. چک‌لیست

تعریف

چک‌لیست فهرستی از اقدامات، توصیف‌ها، مهارت‌ها، مفاهیم، رفتارها، فرآیندها و یا نگرش‌هایی است که یک ارزش‌یاب (معلم) به هنگام مشاهده، آن‌ها را بررسی می‌کند. چک‌لیست شامل لیستی نوشته شده از معیارهای عملکردی است که برای ارزش‌یابی عملکرد دانش‌آموزان از طریق مشاهده یا برای ارزش‌یابی کار نوشته شده و یا دیگر نتایج هم‌چون ارائه‌ی شفاهی، کارهای هنری و رسانه‌ای و الگوها استفاده می‌شود. چون لیست، ابزار تشخیصی و قابل استفاده‌ی مجدد است که می‌تواند برای نشان دادن پیشرفت دانش‌آموز مفید باشد.

هدف

- از چک‌لیست می‌توان در موارد زیر استفاده کرد:
- ثبت این که آیا یک مهارت و یا رفتار خاص در موقعیت موردنظر «آشکار» و یا «ناآشکار» است.
- ثبت حضور یا عدم حضور جزئیات عملکرد دانش‌آموز، یا دنباله‌ی مراحل که عملکرد به آن‌ها نیاز دارد، با این دیدگاه که به دانش‌آموزان کمک کند که ببینند بهبود در کجا لازم و ضروری است.
- تشخیص نقاط ضعف و نقاط قوت دانش‌آموز.
- به‌دست آوردن اطلاعات درباره‌ی بهبود دانش‌آموز در طول زمان، در صورتی که همان چک‌لیست بیش از یک بار استفاده شده باشد.
- کمک به دانش‌آموزان در ارزش‌یابی خود و هم‌یارانش.

روش معلم یا ابزار معلم؟

دکتر علی رؤوف

کلیدواژه‌ها: روش معلم، ابزار معلم، ابزارهای حرفه‌ای معلم.

● این سه اصل مهم همواره در بستر زمان و مکان حرکت می‌کنند.
● از آنجا که شرایط زمان و مکان هرگز ثابت نمی‌مانند، سه اصل مهم کار و عمل نیز نمی‌توانند ثابت و بدون تغییر بمانند. بلکه، پیوسته نو و تازه‌تر می‌شوند.
● راز و رمز چسبیدگی این سه اصل به همدیگر، همان راز و رمز پیشرفت در کار است.

روش‌ها و ابزارها - ابزارها و روش‌ها

ابزارها یا «رسانه‌ها»ی آموزشی به کلیه امکانات و روش‌هایی گفته می‌شود که قادرند در کلاس درس شرایطی را فراهم آورند تا یادگیری‌های یادگیرندگان بهتر، بیشتر، زودتر و کامل‌تر انجام گیرد و با کسب اطلاعات و درک عمیق‌تر، به رفتارها و مهارت‌های تازه‌تر بینجامد.

معمولاً پرسیده می‌شود که آیا اول روش را پیدا کنیم، سپس ابزار را تهیه کنیم و یا اول ابزار را تهیه کنیم، بعد روش را مشخص سازیم.

این یک پرسش غلط‌انداز است چون، هیچ روشی نیست که به ابزاری نیاز نداشته

هر عمل و کرداری چسبیده به سه اصل مهم است که پیوسته عملکردهای یاددهندگان و یادگیرندگان را به سوی بهبود تغییر می‌دهد:

فلسفه، آگاهی، فن‌شناسی
(تکنولوژی)

اصل فلسفه، از ما می‌پرسد: چرا؟ به چه منظور؟ و با چه انتظار و چشم‌داشتی می‌خواهی این کار را انجام دهی؟
اصل آگاهی، به ما می‌گوید: کدام نیاز؟ کدام دانش؟ و با چه مقدار اطلاعات می‌توانی این کار را به انجام برسانی؟
اصل فن‌شناسی، از ما می‌خواهد: چه گونه، از چه راه؟ و با کدام فن و روش، یا کدام تکنیک و شگرد، باید به اجرای این کار بپردازید؟



همه‌ی جان‌داران برای این که زنده بمانند مجبورند کارهایی را انجام دهند.

هیچ کاری را نمی‌توان بدون «روش» و «ابزار» انجام داد. این دو عنصر، رمز جاودانگی زنده بودن است. این واقعیت در هر فعالیت و هر تلاشی که مدنظر باشد، مصداق دارد و در تمام آموزش‌های حرفه‌ای نیز صدق می‌کند. در همه‌ی رشته‌های تحصیلی نیز همین قاعده حکم‌فرماست. یعنی باید انسان‌ها هم با مطالعه تئوری‌ها و نظریه‌پردازی‌ها، راه‌ها و روش‌های اجرایی موضوع مطالعاتشان را بیاموزند و هم باید ابزارهای کار خودشان را بشناسند و کاربردهای آن‌ها را تمرین کنند تا به «مهارت»های لازم برسند.

هرکس بتواند انجام کاری را بی‌واسطه‌ی این دو عنصر انجام دهد، باید ثابت کند که مخلوق این جهان خاکی نیست!

تدریس یا یاد دادن هم یکی از همین رشته‌های تحصیلی است که باید با همین دو عنصر اصلی صورت بپذیرد. از آنجا که کارورزی درس کار و عمل است، لاجرم دانشجو معلمان باید هم از روش‌ها و هم از ابزارهای آموزشی بهره بگیرند.

باشد. و نیز هیچ ابزاری یافت نمی‌شود که بدون روش، کاربردی داشته باشد.

مشابه‌ها یا تشبیه‌های زیادی می‌توان برای این دو پیدا کرد:

● روش و ابزار مانند دو بال کیوتر هستند. هیچ کیوتری نمی‌تواند با یک بال پرواز کند.
● روش و ابزار مانند سقف و بام هستند. هیچ سقفی بدون بام نیست و هیچ بامی نمی‌تواند بدون سقف باشد.

● روش و ابزار مانند شبانه‌روز هستند. هر شبی چسبیده به روز، و هر روز چسبیده به شب است. هر دو با هم شبانه‌روز را می‌سازند.
● روش‌ها و ابزارها مانند (مشابه‌های دیگر را پیدا کنید)



هیچ کاری بدون راه و روش نمی‌تواند انجام بگیرد.
هیچ کاری بدون ابزار و اساس صورت نمی‌پذیرد.
در فرآیند یاددادن برای یادگرفتن نیز همین قانون حکم‌فرما است.

منطقی‌ترین پاسخ به پرسش بالا و پرسش‌های مشابه و فرینده، این خواهد بود که گاه روش‌هایی می‌یابیم و یا یاد می‌گیریم، که ابزاری را در اختیار نداریم. در این صورت تکنولوژی آموزشی - فن‌شناسی آموزشی - به ما فرمان می‌دهد که باید ابزاری را بیابیم، یا خلق کنیم؛ وگرنه روشی را که یافته‌ایم بی‌ثمر

می‌ماند.

و گاه ابزاری و اسبابی فراهم می‌شود، اما ما روش به‌کارگیری آن را نمی‌دانیم، یا نیاموخته‌ایم. در این صورت نیز تکنولوژی آموزشی یا همان فن‌شناسی آموزشی فرمان می‌دهد که باید روش آن را بیاموزیم یا بیابیم. در غیر این صورت ابزار ما نیز بی‌مصرف می‌ماند.

همین جاست که می‌گوییم: «معلم هرگز اسیر ابزار نمی‌شود، و در بند روش هم باقی نمی‌ماند؛ بلکه هر دو را در کنار هم می‌آموزد یا خلق می‌کند.»
هنر معلم در جست‌وجوی روش و ابزار خلاصه می‌شود.

درک زندگی با ابزارها و روش‌ها
سه عنصر اصلی، عامل درک زندگی و موهبت‌ها و نیز ناامیدی‌های آن هستند:
عنصر نگاه کردن، عنصر گوش‌دادن (نیوشیدن)، عنصر بیان کردن

تداخل این سه عنصر، در حالت‌ها و وضعیت‌های گوناگون زندگی سبب می‌شود با زندگی آشنایی هرچه بیشتر پیدا کنیم، و از بودن در متن زندگی لذت ببریم یا رنج بکشیم. درهم تنیدگی‌های این سه عنصر همواره در تلاطم و جنبش، یا شوریدگی و جست‌وجو هستند. درهم تنیدگی‌هایی که شباهتی با هم دیگر ندارند، یا بسیار بسیار کم شباهتند. این درهم تنیدگی‌ها به سان پاره ابرهای آسمانی هستند که هیچ‌گاه نمی‌توانیم دوپاره ابر یک‌سان و یک جور و یک حالت را در کنار هم ببینیم.

نگاه‌های متفاوت با درک‌ها و احساس‌های گوناگون، گوش سپردن‌های سراسری یا عمیق‌شدن در معنا، و بیان کرده‌های خالصانه و شادمانه یا آزاردهنده و کم حس و حال، همه و همه رنگ‌ها و بوها و مزه‌های زنده بودن و زندگی کردن ما را برملا می‌سازند و تفاوت‌های شیوه‌های زندگی کردن و نیز زنده‌بودن‌های متفاوتمان را نشان

می‌دهند.

شیوه‌های یاددادن‌ها و یادگرفتن‌ها نیز همین درهم‌تنیدگی‌های متنوع و جورواجور را در صحنه‌های درس‌دادن‌ها و درس‌خواندن‌ها شفاف و بلورین نمایان می‌سازد.

سه عنصر پایه‌ی درک زندگی



هم‌نوایی سه رنگ اصلی طبیعت با سه عنصر پایه درک زندگی

رنگ آبی گوش

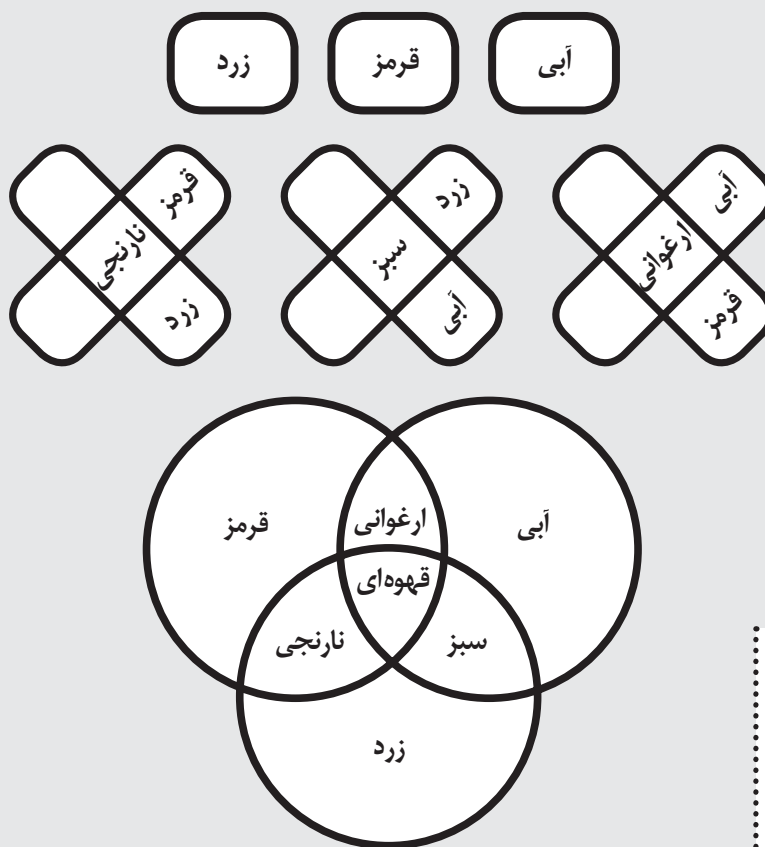
رنگ آرامش و لطافت. مثل دریای صبور. رنگ خیال و غوطه‌ور شدن در رؤیا. این رنگ، آرمیدگی وصف‌ناپذیری در درون دارد. بار عاطفی کلمه‌ها را با خود می‌آورد آمادگی شنیدن (نیوشیدن) را افزایش می‌دهد.

رنگ قرمز چشم

رنگ تحریک‌آمیز. شادی و نشاط و هیجان و بی‌قراری می‌آورد. با چشم‌ها حرف می‌زند. می‌تواند ناراحتی‌ها را از دل بزداید. رنگ دیدنی‌ها است. تالاولی خیره‌کننده‌ای می‌تاباند. به همین جهت در نوشتارها، نکته‌های مهم را رنگ قرمز برجسته می‌کنند.

رنگ زرد بیان

رنگ معنویت. رنگ دانش و خرد. رنگ خورشید. رنگ عزت‌نفس، قدرت انتقال پیام‌های آشکار را دارد، مانند مزرعه‌ی گل‌های آفتاب‌گردان.



تداخل سه رنگ اصلی

هر رنگ در کنار رنگی دیگر موجب جلوه‌های یکدیگر می‌شوند.

اطمینان بخش‌تر، و سودآورتر یاد می‌دهد و یاد می‌گیرد. و نیز به درستی می‌داند که هرچه ابزار نوتر و کارآمدتری که می‌سازد حاصل یادگیری‌ها و یاددهی‌های خودش می‌یابد. بشر امروز تا آن‌جا پیش‌رفته است که به وسیله‌ها و ابزارهای منحصر در کره‌ی زمین قانع نیست. در آسمان‌ها و کهکشان‌ها، دنبال ابزارها و وسیله‌های نوتر و تازه‌تری می‌گردد. فهمیده است که هرچه در دایره‌ی هستی پیدا می‌شود، وسیله و ابزاری است تا دانش و درک و فهم خودش را افزایش دهد.

فرآیند یاد دادن‌ها و یاد گرفتن‌ها همین رسم و شیوه را دنبال کرده‌اند و می‌کنند.

هرچه در هستی هست می‌تواند، و باید بتواند ابزار آموزشی هم باشد.

ابزار کار و فعالیت بشر نخستین، طبیعت است. جنگل را می‌دید و یاد می‌گرفت چگونه خوراکش را تهیه کند. به فرزندانش هم یاد می‌داد، چگونه شکار کنند. کوه را می‌دید، یاد می‌گرفت چگونه بالا برود، چگونه پناه بگیرد، چگونه چیزهای تازه بیابد تا نیازمندی‌هایش را بهتر و شاید زودتر، برآورده کند. دریا را می‌دید، به صید می‌پرداخت، قایق می‌ساخت تا جلوتر برود، طعمه‌های لذیذتر و دل‌چسب‌تر به دست آورد. به فرزندانش یاد می‌داد چگونه بهتر، دقیق‌تر، بیشتر و سالم‌تر صید کنند.

ابزارهای آموزشی حد و مرز ندارند.

هرچه در زندگی هست؛ ابزار آموزشی هم هست.

بشر امروز نیز همین کارها را می‌کند. تنها تفاوتش این است که با ابزارهای پیشرفته‌تر،

- رنگ اصلی یا سه رنگ پایه (آبی - قرمز - زرد)
- تمام رنگ‌های دنیا از ترکیب این سه رنگ به وجود می‌آیند.
- هر دو رنگ با هم، رنگ ترکیبی درست می‌کنند
- هر سه رنگ با هم رنگ مکمل درست می‌کنند
- رنگ‌های ترکیبی و مکمل آرامش‌های ذهنی به وجود می‌آورند.

ابزارهای حرفه‌ای معلم

ابزار یعنی وسیله‌ای برای انجام کار. همان‌طور که گفته شد، هیچ‌کاری را نمی‌توان بدون ابزار انجام داد. درست است که هر حرفه‌ای ابزارهای مخصوص به خودش را دارد، اما در حرفه‌ی معلمی هیچ ابزاری نیست که **آموزش** (یاد دادن برای یاد گرفتن) در آن گنجانده نشده باشد. **آشکارتر این که**

پی‌نوشت
۱. به درس پراهمیت تکنولوژی آموزشی که به اشتباه عنوان آن را تولید و کاربرد مواد آموزشی گذاشته‌اند، بیشتر توجه کنید.

آموز گاران دوم و سوم حتماً بخوانند

همه چیز برای بیشتر فکر کردن



آموزش

افسانه موسوی گرمارودی

سر دبیر رشد نوآموز

همه‌ی ما خوب به‌خاطر داریم که در دبستان جاذبه‌ی تصویر یک متن، خیلی بیشتر از خود متن بود. به یاد دارم گاهی آموزگار تا نیمه‌های درس را روخوانی می‌کرد و ما هم‌چنان در هزار توی تصاویر کتاب افسانه‌سرایی می‌کردیم.

وقتی که خودم معلم شدم (با این‌که در دوره‌ی متوسطه مشغول به‌کار بودم)، شاید از سر همین عادت بود که درس را از تصویرهای نه چندان زیاد کتاب شروع می‌کردم. هر چند به مرور این کار را هوشیارانه به عنوان شیوه‌ای برای ورود به درس برگزیدم، ولی در آغاز می‌دانستم مرا حس خوش کودکی‌ها بر آن واداشته است. در نتیجه با این روش، فکر و ذهن پریشان و کنجکاو دانش‌آموزانم را به هدفی که در پی آن بودم نزدیک می‌کردم و گاه با طرح سؤالات پیاپی، زمینه را برای کنجکاوی بیشتر و پی‌گیری درس فراهم می‌کردم.

ایجاد توانایی پرسیدن، بیان کردن، جست‌وجو کردن و تقسیم‌بندی اطلاعات، سبک سنگین کردن مطالبی که به آن دست می‌یابند، مقایسه‌ی آن‌ها با هم، یافتن اختلاف‌ها و شباهت‌ها، تجزیه و تحلیل مطالب و در نهایت حل آن‌ها و ابداع یک اثر جدید، همه و همه به‌دست نمی‌آیند، مگر آن‌که ما به عنوان معلم کلید اولیه‌ی تفکر را در ذهن دانش‌آموزانمان

اشاره

احتمالاً شما آموزگاران محترم، در کنار رشد آموزش ابتدایی و دیگر مجله‌های ویژه‌ی معلمان، به مجلات دانش‌آموزی رشد هم نیمه‌نگاهی می‌اندازید. هر یک از مجلات رشد کودک، نوآموز و دانش‌آموز که توسط دفتر انتشارات کمک‌آموزشی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی منتشر می‌شوند، به فراخور مخاطبان خود، مطالبی دارند که می‌توانند به خوبی علاوه بر پرکردن اوقات فراغت کودکان و توسعه‌ی فرهنگ مطالعه در میان آنان؛ در غنی و عمیق ساختن برنامه‌های درسی رسمی نیز یاری‌گر آموزگاران باشند.

مجله‌ی رشد نوآموز در سال تحصیلی ۹۰-۹۱، برای آشناساختن دانش‌آموزان با مهارت تفکر و ترویج فرهنگ پرسش‌گری توأم با تعمق، انتشار سلسله مطالبی را در دستور کار خود قرار داده است. به همین مناسبت از خانم موسوی گرمارودی، سر دبیر این مجله درخواست کردیم در این ارتباط مطلبی را به رشته تحریر درآورد که در پی می‌آوریم.



سازمان آموزش و پرورش
جمهوری اسلامی ایران

دفتر انتشارات کمک آموزشی

با مجله‌های رشد آشنا شوید

مجله‌های رشد توسط دفتر انتشارات کمک آموزشی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وابسته به وزارت آموزش و پرورش تهیه و منتشر می‌شوند:

مجله‌های دانش‌آموزی

(به صورت ماهنامه و هشت شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

لشادکودک (برای دانش‌آموزان آمادگی و پایه اول دوره دبستان)

لشادخواب (برای دانش‌آموزان پایه‌های دوم و سوم دوره دبستان)

لشاددانش‌آموز (برای دانش‌آموزان پایه‌های چهارم و پنجم دوره دبستان)

لشادنوجوان (برای دانش‌آموزان دوره راهنمایی تحصیلی)

لشاد جوان (برای دانش‌آموزان دوره متوسطه و پیش‌دانشگاهی)

مجله‌های بزرگسال عمومی

(به صورت ماهنامه و هشت شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

♦ رشد آموزش ابتدایی ♦ رشد آموزش راهنمایی تحصیلی ♦ رشد تکنولوژی

آموزشی ♦ رشد مدرسه فردا ♦ رشد مدیریت مدرسه ♦ رشد معلم

مجله‌های بزرگسال و دانش‌آموزی تخصصی

(به صورت فصل‌نامه و چهار شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

- ♦ رشد برهان راهنمایی (مجله ریاضی برای دانش‌آموزان دوره راهنمایی تحصیلی)
- ♦ رشد برهان متوسطه (مجله ریاضی برای دانش‌آموزان دوره متوسطه) ♦ رشد آموزش قرآن ♦ رشد آموزش معارف اسلامی ♦ رشد آموزش زبان و ادب فارسی ♦ رشد آموزش هنر ♦ رشد مشاور مدرسه ♦ رشد آموزش تربیت بدنی ♦ رشد آموزش علوم اجتماعی ♦ رشد آموزش تاریخ ♦ رشد آموزش جغرافیا ♦ رشد آموزش زبان ♦ رشد آموزش ریاضی ♦ رشد آموزش فیزیک ♦ رشد آموزش شیمی ♦ رشد آموزش زیست‌شناسی ♦ رشد آموزش زمین‌شناسی ♦ رشد آموزش فنی و حرفه‌ای ♦ رشد آموزش پیش‌دبستانی

مجله‌های رشد عمومی و تخصصی، برای معلمان، مدیران مربیان، مشاوران و کارکنان اجرایی مدارس، دانش‌جویان مراکز تربیت معلم و رشته‌های دبیری دانشگاه‌ها و کارشناسان تعلیم و تربیت تهیه و منتشر می‌شوند.

♦ نشانی: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش، پلاک ۲۶۶، دفتر انتشارات کمک آموزشی.

♦ تلفن و نمابر: ۰۲۱-۸۸۳۰۱۴۷۸



روشن کرده باشیم و با طرح چند سؤال آن‌ها را به

سمت پرسش‌گری و طرح مسئله سوق دهیم.

اگر آموزگاران محترم از ابتدای سال با رشد

نوآموز ما را همراهی کرده باشند، متوجه این مطلب

شده‌اند که در طی این چند شماره، سعی کرده‌ایم

راه‌های تفکر را برای نوآموزان دوم و سوم دبستان

فراهم کنیم. ما به آن‌ها تأکید می‌کنیم به هر چیزی

که در اختیارشان هست طور دیگری ببینند و

عادت کنند که به همه‌ی امور فکر کنند و نهراسند

از این که آن‌چه را در ذهن دارند، به زبان بیاورند.

به فرض از آن‌ها پرسیده‌ایم: «واقعاً چرا باید

همه‌ی بچه‌ها به مدرسه بروند؟»

برای رسیدن به جواب‌های مطلوب و داشتن

نوآموزی متفکر، اول باید خودمان به عنوان معلم

از پاسخ‌هایی که خواهیم شنید، نهراسیم و با روی

باز، گوش خوبی برای شنیدن نظرهای آن‌ها داشته

باشیم.

بنابراین برای پرورش نوآموزی با روحیه‌ی

پرسش‌گر و فکور، امیدواریم مجله‌ی رشد نوآموز

به کار گرفته شود و آموزگاران محترم با استفاده از

داستان‌ها، تصاویر و سرگرمی‌هایش بتوانند حتی

اگر شده یک گام فرزندانمان را به داشتن روحیه‌ای

پرسش‌گر و تحلیل‌گر نزدیک‌تر کنند.

با همراهان پیآمدهای یک تماس ساده‌ی تلفنی

لیلا بزرگمهر

معاون دبستان ۵ آذر، رامشیر خوزستان

در دفتر مدرسه نشسته بودم که یکی از همکارانم تلفن همراه خودش را برایم آورد و گفت: «از دفتر مجله تماس گرفتند و نشانی شما را می‌خواهند... لطفاً صحبت کنید.» و گوشی را به من دادند.

بعد از اتمام تماس یک دقیقه‌ای، خیلی خیلی خوش‌حال شدم. خوش‌حال از این که نامه‌های ارسالی‌ام به دفتر مجله‌ی رشد ابتدایی را خوانده‌اند. آخر از پارسال تا به امروز من چند نامه به دفتر مجله فرستاده بودم، ولی هیچ جوابی نگرفته بودم و برایم سؤال شده بود که «رشد»‌ی‌ها نامه‌ی دخترم فاطمه که کلاس پنجمی است را جواب دادند، ولی نامه‌های من بی‌جواب مانده است. خدا و کیلی کمی دل‌سرد شده بودم و احساس می‌کردم نوشته‌هایم را نه کسی خوانده و نه کسی اهمیت می‌دهد.

اما بعد از این تلفن احساس کردم که موضوع برعکس آن چیزی است که من فکر می‌کردم. از این که جویای احوال من نیز شده بودند، خیلی خوش‌حال بودم. بعد از تماس آخر، در راه رسیدن به خانه مدام در فکر این تلفن بودم و به محض رسیدنم اولین صحبت با همسرم و همچنین دخترم همین موضوع بود.

بعد از اتمام صحبت‌هایم با همسرم، یک دفعه به خودم گفتم: «من با این سن و سالم از این که دفتر مجله جویای احوال من شده، این قدر مسرور شده‌ام و انگیزه‌ای برای نوشتن نامه‌های بعدی پیدا کرده‌ام. پس از این به بعد سعی می‌کنم، اگر دانش‌آموزی یک روز و یا حتی یک ساعت با تأخیر به مدرسه آمد و یا غیبت داشت با مهربانی و لطافت جویای احوالش شوم و انتظار حضور دوباره در مدرسه‌اش را بیان کنم. مطمئن هستم با این کارم علاقه‌ی کودکان معصوم را به مدرسه و مسئولان آن بیشتر می‌کنم.» برای همین در اولین قدم همه‌ی شماره تلفن‌های دانش‌آموزان و شماره‌های همراه ولی آن‌ها را تهیه و در دفتر انضباطی قید کردم.



جهاد اقتصادی

برگ اشتراک مجله‌های رشد

نحوه اشتراک:

شما می‌توانید پس از واریز مبلغ اشتراک به شماره حساب ۳۹۶۶۲۰۰۰ بانک تجارت، شعبه سهراب آزمایش کد ۳۹۵، در وجه شرکت افست از دوروش زیر، مشترک مجله شوید:

۱. مراجعه به وبگاه مجلات رشد: نشانی: www.roshdmag.ir و تکمیل برگه اشتراک به همراه ثبت مشخصات فیش واریزی.
۲. ارسال اصل فیش بانکی به همراه برگ تکمیل شده اشتراک با پست سفارشی (کپی فیش را نزد خود نگه دارید).

نام مجلات درخواستی:

.....

.....

نام و نام خانوادگی:

تاریخ تولد: میزان تحصیلات:

تلفن: نشانی کامل پستی:

استان: شهرستان: خیابان:

شماره فیش: مبلغ پرداختی:

پلاک: شماره پستی:

♦ در صورتی که قبلاً مشترک مجله بوده‌اید، شماره اشتراک خود را ذکر کنید:

.....

امضا:

- نشانی: تهران، صندوق پستی امور مشترکین: ۱۶۵۹۵/۱۱۱
- وبگاه مجلات رشد: www.roshdmag.ir
- اشتراک مجله: ۰۲۱-۷۷۳۳۶۶۵۶/۷۷۳۳۵۱۱۰/۷۷۳۳۹۷۱۳-۱۴

- ♦ هزینه اشتراک یکساله مجلات عمومی (هشت شماره): ۹۶۰۰۰ ریال
- ♦ هزینه اشتراک یکساله مجلات تخصصی (چهار شماره): ۶۰۰۰۰ ریال